

فرهنگ عامه مرزن آباد



نوشته:

دکتر محمد های منصورى

دکتر یعقوب شربتیان



تبرستان
www.tabarestan.info
فرسنگ‌نامه
مرزن‌آباد

مؤلفین:

دکتر محمدعلی منصوری

دکتر یعقوب شریبتیان

سرشناسه	: منصوری، محمدهادی، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ عامه مرزن آباد/ مؤلفین: محمدهادی منصوری، یعقوب شربتیان؛ ویراستار: حبیب‌الله کریمیان
مشخصات نشر	: تهران: شرکت بهمن برنا؛ شهرداری مرزن آباد، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۴ ص.؛ تصویر (رنگی)؛ تصویر
شابک	: ۱۵۰۰۰ ریال 7-81-8023-964-978
وضعیت فهرست نویسی	: آریا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۶۱]-۱۶۴.
موضوع	: فرهنگ عامه - ایران - مرزن آباد
موضوع	: مرزن آباد
موضوع	: مرزن آباد - ادب و رسوم و زندگی اجتماعی
شناسه افزوده	: شربتیان، یعقوب، ۱۳۳۶ -
رده بندی کنگره	: IGR ۱۳۹۴ ۱/م۲
رده بندی دیویی	: ۹۵۵۲۷/۳۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱-۹۸۸

www.tabareh.com/info



فرهنگ عامه مرزن آباد

نوشته‌ی:

دکتر محمد هادی منصوری - دکتر یعقوب شربتیان

ویراستار: دکتر حبیب‌الله کریمیان

ناشر: بهمن برنا با همکاری شهرداری مرزن آباد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: حیدری

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۲۳-۸۱-۷

این اثر مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران می‌باشد. تصویربرداری و تکثیر از تمام یا بخشی از اثر به هر شکل و بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

تقدیم به مردم شریف
گیلان
www.tabarestan.info

و مهربان

مرزن آباد

www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info



فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

۱۹	فصل اول کلیات.....
۱۹	۱-۱) مردم‌شناسی؛ فرهنگ و فولکلور.....
۱۹	تعریف علم مردم‌شناسی.....
۲۰	شاخه‌های مردم‌شناسی.....
۲۲	فولکلور یا ادبیات عامه.....
۲۳	ویژگی‌های فولکلور.....
۲۳	کارکردهای فرهنگ عامه در اجتماع.....
۲۴	۲،۱) چارچوب نظری.....
۲۴	نظریه کارکردگرایی.....
۲۶	پیش فرض‌ها و مفاهیم اساسی.....
۲۷	نظریه "روبرت و اون جونز".....
۲۷	الف) سنت‌های مادی.....
۲۷	ب) سنت‌های گفتاری.....
۲۸	ج) سنت‌های رفتاری.....
۲۸	۱-۳) روش و فنون تحقیق.....
۳۰	۱،۴) ویژگی‌های محل تحقیق (استان مازندران).....
۳۱	ویژه گی‌های شهرستان‌های استان مازندران.....
۳۲	وضعیت جغرافیایی استان مازندران.....
۳۲	ناهمواری‌ها.....
۳۲	آب و هوا.....
۳۲	مرطوب و معتدل.....
۳۳	کوهستانی.....
۳۳	منابع آب.....
۳۳	رودها.....
۳۴	پوشش گیاهی.....
۳۵	زندگی جانوری.....

۳۶	باستان‌شناسی و تاریخ مازندران
۳۷	ورود اقوام مختلف به مازندران
۳۷	زبان و گویش مردم مازندران
۳۹	دین و مذهب
۴۰	ویژگی‌های اقتصادی استان مازندران
۴۱	گردشگری و جاذبه‌های توریستی مازندران
۴۲	(۱،۵) ویژه گی‌های شهر مرزن آباد
۴۳	تاریخ مرزن آباد
۴۵	رویان
۴۷	مرزن‌آباد
۴۹	گروه‌های قومی مرزن آباد
۴۹	گویش‌های مردم مرزن‌آباد
۵۰	روستاهای مرزن آباد
۵۱	وضعیت فعلی روستاهای مرزن آباد
۵۱	اسامی روستاهای دهستان کوهستان:
۵۲	پوشش گیاهی و جانوری مرزن آباد
۵۲	باستان‌شناسی در مرزن آباد
۵۴	گاهشماری محلی
۵۴	بن روز یا بن ما
۵۵	صنعت گردشگری در مرزن‌آباد
۵۸	فرهنگ بسیج، جبهه و شهادت
۵۸	نقش روحانیت در مرزن آباد
۶۱	فصل دوم سنت‌های رفتاری
۶۱	مقدمه
۶۱	(۲،۱) مراسمی که در یک سال هجری در مرزن آباد انجام می‌شود:
۶۲	آیین‌های پیش نوروزی
۶۲	نوروزخوانی
۶۳	خانه تکانی
۶۴	کاشت سبزه
۶۴	آیین «چل‌چل‌خای»
۶۴	چهارشنبه سوری
۶۶	آیین‌های آغاز سال نو
۶۶	رسم "مادرمج"

- ۶۷..... سفره ی نوروزی
- ۶۸..... دیدارهای نوروزی
- ۶۸..... سیزده بدر
- ۶۹..... مراسم شاخ انا
- ۶۹..... (۲,۲) آئین‌ها و مراسمی که در گردش یک سال قمری در مرزن آباد انجام میشوند
- ۷۰..... ماه مبارک رمضان
- ۷۱..... عید فطر
- ۷۱..... ایام محرم
- ۷۳..... عید قربان
- ۷۴..... نیمه شعبان
- ۷۵..... عید غدیر
- ۷۵..... (۲,۳) آئین‌ها و مراسم منطقه‌ای و محلی
- ۷۶..... مراسم تیرماه سیزده شو
- ۷۶..... لال مار
- ۷۸..... رسم دستمال دیم بَ داک
- ۷۸..... تعزیه
- ۸۱..... (۲,۴) بازی‌های عامیانه و محلی
- ۸۲..... کارکرد و نقش بازی ها
- ۸۳..... کمرقیش کا
- ۸۳..... مُرغنه جنگی
- ۸۴..... آغوزکا یا گردو بازی
- ۸۴..... گُلی کاج
- ۸۵..... (۲,۵) ورزش و تفریحات منطقه‌ای و محلی
- ۸۵..... کشتی محلی
- ۸۶..... ورزا جنگ
- ۸۶..... (۲,۶) آئینها و مراسم مربوط به فعالیت‌های تولیدی
- ۸۷..... همیاری، تعاون و یاریگری در مرزن آباد
- ۸۸..... شیر واره
- ۸۹..... کوپا سَری
- ۸۹..... روجاری
- ۸۹..... کیله کنی
- ۸۹..... کائیری
- ۹۰..... هم بندی

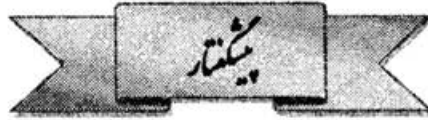
۹۰ مراسم طلب باران
۹۱ آفتابخواهی
۹۲ (۲,۷) موسیقی محلی
۹۵ فصل سوم سنت‌های شفاهی
۹۵ مقدمه:
۹۶ (۳,۱) داستانها و افسانه‌های محلی
۹۷ نمونه‌ای از قصه‌ها و اسطوره‌های مرزن آباد
۹۷ قوز بالای قوز
۹۷ اسطوره اژدها
۹۷ مهر مادری
۹۸ خاله لاک به سر
۹۹ (۳,۲) ضرب المثل‌ها
۹۹ اهمیت و کارکردهای مثل‌ها
۱۰۲ (۳,۳) طنز شیرین و تلخ
۱۰۳ (۳,۴) چیستان
۱۰۴ انواع چیستان
۱۰۵ (۳,۵) ترانه‌های محلی
۱۰۸ (۳,۶) لالایی
۱۱۱ فصل چهارم سنت‌های مادی
۱۱۱ مقدمه:
۱۱۲ (۴,۱) خوراک
۱۱۲ غذاهای محلی مرزن آباد
۱۱۴ انواع آش
۱۱۴ سایر غذاهای محلی مرزن‌آباد عبارتند از:
۱۱۴ نان‌های محلی
۱۱۴ (۴,۲) پوشاک
۱۱۵ پوشاک مردان مرزن آباد
۱۱۵ تن پوش
۱۱۶ سرپوش
۱۱۶ پاپوش
۱۱۶ پوشاک زنان مرزن آباد
۱۱۶ تن پوش
۱۱۷ سرپوش

۱۱۷	پاپوش
۱۱۸	۴,۳ صنایع دستی
۱۲۰	۴,۴ موسیقی سازی
۱۲۰	آلات موسیقی مرزن آباد
۱۲۰	نقاره
۱۲۱	دُهل
۱۲۱	سرنا
۱۲۱	نی (لوا)
۱۲۲	۴,۵ معماری و مسکن
۱۲۲	الف) معماری حکومتی
۱۲۲	ب) معماری مردمی
۱۲۳	معماری و مسکن در مرزن آباد
۱۲۴	خونه سری
۱۲۵	فصل پنجم نظام خانواده و مراسم گذار
۱۲۵	مقدمه
۱۲۵	۵,۱ ساختار مناسک گذار و ویژه گی و کارکردهای آن
۱۲۶	الف) مرحله ی گسست یا پیش گذار (Separation)
۱۲۶	ب) مرحله ی عبور یا انتقال (Liminal)
۱۲۶	ج) مرحله ی پیوستن و یا پسا گذار (Aggregation)
۱۲۷	۵,۲ نظام خانواده در مرزن آباد
۱۲۷	خانواده گسترده
۱۲۸	خانواده هسته‌ای
۱۲۸	
۱۳۰	۵,۳ مراسم ازدواج
۱۳۰	خواستگاری و بله برون
۱۳۱	قند شکنی
۱۳۱	نامزدی
۱۳۱	خیاط نشان
۱۳۲	خرج بار
۱۳۲	مراسم عقد
۱۳۲	جهیزیه و جهیزیه بران
۱۳۳	حنابندان
۱۳۳	حمام دامادی

۱۳۴	مراسم اصلاح و آرایش	۷۱۱
۱۳۴	پول اندازی	۸۱۱
۱۳۵	عروسی	۷۱۱
۱۳۶	پاتختی	۷۱۱
۱۳۷	مادر زن سلام (زن مار سلام)	۷۱۱
۱۳۷	(۵,۴) تولد و فرزندآوری	۱۶۱
۱۳۸	بارداری و زایمان	۱۶۱
۱۳۹	نامگذاری	۱۶۱
۱۳۹	گهواره بندی	۷۱۱
۱۴۰	رسم دندان سری	۷۱۱
۱۴۰	ختنه سوران	۷۱۱
۱۴۱	(۵,۵) مرگ و مراسم سوگواری و کارکردهای آن	۷۱۱
۱۴۱	کارکردهای مراسم سوگواری	۷۱۱
۱۴۲	آداب و مراسم مرگ و سوگواری درمرزن آباد	۷۱۱
۱۴۵	فصل ششم اعتقادات و باورهای عامیانه مردم مرزن آباد	۷۱۱
۱۴۵	مقدمه:	۷۱۱
۱۴۵	(۶,۱) باورها، عقیده و خرافات	۷۱۱
۱۴۶	خصوصیات باورهای منطقی	۷۱۱
۱۴۶	خصوصیات باورهای غیر منطقی	۷۱۱
۱۴۷	خرافات	۷۱۱
۱۴۹	(۶,۲) باورهای عامیانه مردم مرزن آباد در مورد پدیده‌های آسمانی	۷۱۱
۱۴۹	رعد و برق	۷۱۱
۱۴۹	رنگین کمان	۷۱۱
۱۴۹	ستارگان	۷۱۱
۱۴۹	آسمان	۷۱۱
۱۵۰	ماه و خورشید	۷۱۱
۱۵۰	بارش برف و باران	۷۱۱
۱۵۰	(۶,۳) باورهای عامیانه در مورد ایام هفته	۷۱۱
۱۵۱	(۶,۴) باورهای عامیانه راجع به حیوانات	۷۱۱
۱۵۱	پرستو	۷۱۱
۱۵۱	شغال	۷۱۱
۱۵۱	گنجشک	۷۱۱
۱۵۱	کلاغ	۷۱۱

۱۵۱	کیوتر
۱۵۱	جغد
۱۵۱	خروس
۱۵۲	مرغ
۱۵۲	زاغی
۱۵۲	گره
۱۵۲	اسب
۱۵۲	گاو
۱۵۳	سگ
۱۵۳	گره
۱۵۳	گوسفند
۱۵۳	گراز
۱۵۳	۶,۵ سفره‌های نذری
۱۵۳	سفره حضرت رقیه
۱۵۴	سفره حضرت ابوالفضل
۱۵۴	۶,۶ باورها و اعتقادات در مورد شیوه‌های درمان و طب سنتی
۱۵۵	طب سنتی در مرزن آباد
۱۵۶	دامپزشکی سنتی در مرزن آباد
۱۵۷	۶,۷ سایر باورها
۱۵۷	مصاحبه شوندگان
۱۶۱	منابع:
۱۶۴	منابع انگلیسی:
۱۶۵	تصاویر
۱۶۵	پیوست

تبرستان
www.tabarestan.info



تاکنون در باره جنبه‌های گوناگون زندگی مردم استان مازندران از جمله مذهب، اعتقادات تاریخ، جغرافیا، موسیقی، آداب و رسوم، هنر و ادبیات عامه پژوهش‌های متفاوتی صورت گرفته که هر یک از آنها برای علاقه‌مندان و پژوهشگران مفید و کار ساز بوده است اما در مورد آداب و رسوم و فرهنگ مردمان منطقه مرزن آباد آن گونه که باید، تحقیق جامعی انجام نشده است.

از آنجا که آگاهی از سابقه تاریخی و شناخت فرهنگ پیشینیان برای بسیاری جذاب و دلنشین است و غفلت از فرهنگ، فراموشی از خود است شهرداری مرزن آباد نیز بر آن شدتا برای شناخت ماهیت و موقعیت کنونی به پیشینه این منطقه نظر افکنده و قبل از فراموش شدن آداب و رسوم مردمان این منطقه به جمع آوری آنها اقدام نماید. گرچه فرهنگ و تمدن درخشان این منطقه، گسترده‌تر از آن است که با این قطره‌های شناخت بتوان از دریای بیکران آن سیراب شد و حق مطلب را حتی بقدر اندک ادا کرد زیرا:

هر چه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل باشم از آن

اما به مصداق:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

سعی شده است تا از اقیانوس بی‌انتهای فرهنگ و آداب و رسوم، به اندازه‌ای بهره جست .

اما دستیابی به سابقه تاریخی و فرهنگ گذشتگان چندان آسان نیست. گاه باید به نقل قول‌های سالخوردگان محلی و گاه باید به اشیاء و ابزار به جا مانده از گذشتگان دور و گاه نیز به پاره‌ای اسناد و دست نوشته‌ها پرداخت و از روش‌های مردم‌شناسی سود برد .

امید است پژوهش‌هایی از این دست که حاصل تلاش و زحمات مردم‌شناسانی، چون آقایان دکتر محمد هادی منصوری و دکتر یعقوب شریفتیان و همچنین فرهیختگان و اندیشمندان شهری و روستای مرزن آباد است موجبات رضایت هر چه بیشتر دانش پژوهان را فراهم سازد و در راه نشر و اشاعه فرهنگ کشور عزیزمان ایران موثر واقع شود.

جعفر ردائی

شهردار مرزن آباد

۹۴/۸/۱

تبرستان

www.tabarestan.info



وجود پیشینه کهن و درخشان تاریخی، زندگی اقوام و طوایف مختلف در کنار هم و تنوع آب و هوایی باعث شده است که کشور ایران دارای گنجینه بسیار غنی و سرشار از آداب و رسوم، لهجه ها، جشن ها، قصه ها، افسانه ها، اعتقادات، ضرب المثل ها، بازی ها و ... باشد به همین دلیل، دامنه فرهنگ عامه در ایران، بسیار وسیع و متنوع است.

اما با وجود این منابع غنی فولکلور، به دلیل حضور فرهنگ های بیگانه و بنا به تفسیراتی که به سرعت در جامعه انجام می گیرد، بسیاری از آداب و رسوم و مراسمی که پیشه در اعماق تاریخ ایران دارند، در حال فراموش شدن هستند، و اگر امروزه نسبت به جمع آوری و تدوین آنها اقدامی نشود، دیری نمی باید که بسیاری از این گنجینه های ملی را از دست خواهیم داد و اگر فولکلور یک ملت از دست رود، قسمت اصلی هویت آن ملت هم از بین خواهد رفت.

استان مازندران با تاریخ تمدن دیرینه، یکی از مناطقی است که از نظر فرهنگ و ادبیات عامه بسیار غنی است و می تواند به عنوان پایگاه مردم شناسی و تحقیقات فولکلوریک مورد توجه قرار گیرد و قبل از آنکه در جریان مدرنیته و گذشت زمان این میراث کم نظیر فرهنگی به دست فراموشی سپرده شود ثبت و نگهداری گردد.

در این میان شهر مرزن آباد نیز به عنوان یکی از شهرهای استان مازندران با داشتن عناصر فرهنگی متعدد و متنوع که حتی از روستایی به روستای دیگری متفاوت است از منظر مطالعات مردم شناسی بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین به منظور ثبت و ضبط پاره ای از ویژگی های فرهنگی این منطقه که کم کم به دست فراموشی سپرده می شوند و همچنین درک تحولات فرهنگی آن که یکی از وظایف مردم شناسی است به جمع آوری اطلاعات فرهنگی، فولکلور و آداب رسوم منطقه مرزن آباد در قالب یک پژوهش میدانی اقدام گردید.

پژوهش حاضر که در مجموع به بخشی از فرهنگ عامه مردم مرزن آباد از گذشته تا به حال اختصاص یافته، شامل ۶ فصل است. در فصل اول ضمن تعاریفی از علم انسان شناسی؛ فرهنگ و فولکلور به ویژگی های کلی استان مازندران و شهر مرزن آباد پرداخته شده است. ضمن آنکه در این فصل در مورد چارچوب نظری، روش و فنون تحقیق بحث می شود.

در فصل دوم به سنت‌های رفتاری که در مرزن آباد مرسوم است پرداخته شده و مراسم و جشن‌های منطقه‌ای و محلی، بازی‌ها، ورزش، تفریح و سرگرمی‌های بومی، آئینها و مراسم مربوط به فعالیت‌های تولیدی و موسیقی محلی مورد توجه قرار گرفته اند.

فصل سوم این تحقیق، سنت‌های شفاهی نام دارد. ترانه‌ها، چیستان‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها، دوبیتی‌ها و افسانه‌های محلی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ عامه در این فصل تشریح شده است.

در فصل چهارم فرهنگ و سنت‌های مادی شامل خوراک، پوشاک، صنایع دستی، آلات موسیقی، معماری و مسکن به عنوان اصلی‌ترین عناصر فرهنگ مادی و قابل رویت مورد توجه قرار گرفته اند.

فصل پنجم، نظام خانواده و مراسم گذار نام دارد. مسائلی نظیر زایمان، تولد، ازدواج و مرگ عناوین اصلی این فصل را تشکیل می‌دهند.

فصل آخر این پژوهش اعتقادات و باورهای عامیانه مردم مرزن آباد را بررسی می‌کند. در این فصل به موضوعاتی همچون شیوه‌های درمان و طب سنتی، سفره‌های نذری و... توجه شده است.

قدردانی و سپاسگزاری:

از آنجا که جمع‌آوری اطلاعات فرهنگی در خصوص منطقه مرزن آباد بدون همکاری مسئولین، کارشناسان، فرهیختگان فرهنگی و مردم مهربان مرزن آباد و همچنین پژوهشگرانی که در حوزه علوم اجتماعی به خصوص مردم‌شناسی تخصص دارند میسر نمی‌شد، لذا شایسته است به منظور قدردانی و تشکر از آنان نامی ذکر گردد.

- جناب آقای مهندس جعفر ردایی (شهردار مرزن آباد)

- جناب آقای ابوالقاسم حاتمی (باستان‌شناس و رئیس سابق بخش پیش از تاریخ موزه ایران باستان)

- جناب آقای مومن توپا ابراهیمی (نویسنده، روزنامه‌نگار و پژوهشگر)

- جناب آقای دکتر حبیب‌الله کریمیان ویراستار این تحقیق

- جناب آقای سید حسین کاشی زاده (پژوهشگر و فرهیخته)

- حاج آقا محمود علیخانی (امام جمعه مرزن آباد)

- اعضای شورای اسلامی شهر مرزن آباد به خصوص جناب آقای محمد ردائی رئیس شورا

- جناب آقای کامران پولادی (بخشدار مرزن آباد)

- جناب آقای سروش صیادی نژاد (کارمند شهرداری شهر مرزن آباد و پژوهشگر)

- سرکار خانم نغمه بییدی فر (پژوهشگر مردم‌شناسی)

- سرکار خانم ساناز نصیری (کارشناس ارشد مردم‌شناسی)
 - سرکار خانم آذر درویش (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی)
 - سرکار خانم شیرین خزایی (کارشناس ارشد مردم‌شناسی)
 - سرکار خانم یاسمن شربتیان (پژوهشگر)
 - جناب آقای فیروز صیادی نژاد (از آگاهان محلی)
 - جناب آقای عیسی کیا دلیری (مرثیه خوان و ساکن روستای دلیر)
 - سرکار خانم خدیجه سام دلیری (عضو شورای اسلامی شهر مرزن آباد)
 - جناب آقای علی احمد توپا اسفندیاری (تعزیه خوان و ساکن روستای البت)
 - جناب آقای رمضان کیا دلیری (آزاده جنگ تحمیلی و ساکن روستای دلیر)
 - کلیه کارکنان محترم شهرداری مرزن آباد (به ویژه واحد روابط عمومی و امور فرهنگی)
- و همچنین کلیه مردم شریف و مهربان شهری و روستایی مرزن آباد و تمامی عزیزانی که در این تحقیق ما را یاری نموده‌اند، به ویژه پاسخگویان محترمی که نام آنان در پایان این پژوهش ذکر شده است.

محمد هادی منصوری و یعقوب (داوود) شربتیان

پاییز ۱۳۹۴

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل اول

کلیات

تبرستان
www.tabarestan.info

۱-۱) مردم‌شناسی؛ فرهنگ و فولکلور

تعریف علم مردم‌شناسی

اصطلاح مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی معادل واژه Anthropology است این واژه از دو کلمه یونانی Anthropos به معنی انسان و Logos به معنی دانش، ترکیب یافته و برای نخستین بار در آثار ارسطو فیلسوف یونانی، به صورت Anthropology یعنی کسی که به شناخت انسان می‌کوشد، به کار رفته است و امروزه از آن به «شناخت انسان» یا مردم‌شناسی تعبیر می‌شود.

مردم‌شناسی، تقریباً از سال ۱۸۷۰ میلادی به بعد به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم طبیعی به کار رفته است و برای نخستین بار «بروکا» دانشمند فرانسوی، مردم‌شناسی را در مفهوم کلی شناخت انسان از نظر طبیعی به کار برده و ویژگی‌های طبیعی انسان را موضوع این دانش قرار داده است. وی مردم‌شناسی را "مطالعه‌ی گروه انسانی و ارتباط آن با کلیه موجودات طبیعت" تعریف می‌کند. بر اساس این تعریف، مردم‌شناسی شامل کالبدشناسی انسانی، باستان‌شناسی، شناخت فرهنگ عامه، زبان‌شناسی، قوم‌نگاری و قوم‌شناسی در مفهوم وسیع آن است. با توجه به چنین مفهوم وسیعی از مردم‌شناسی است که گفته می‌شود دانش مزبور دانش یگانه‌ای نیست، بلکه بخش‌های متعدد علوم را شامل می‌شود که موضوع مشترک آن‌ها مطالعه انسان از لحاظ جسمانی و فرهنگی و هم‌چنین شناخت این موجود اجتماعی در سیر رشد و تکامل تاریخی و ماقبل تاریخی‌اش است.

شاخه‌های مردم‌شناسی

امروزه مردم‌شناسی به عنوان دانش مطالعه موجود انسانی به خصوص در ویژگی‌های فیزیکی، تکاملی، نژادی و فرهنگی در قالب کلی خود به دو بخش بزرگ و اساسی تقسیم می‌شود:

الف. مردم‌شناسی فرهنگی: به طور کلی مردم‌شناسی فرهنگی از یک سو به دنبال آن است که دریابد چرا مردمان معاصر جهان رفتارهای متفاوتی دارند و تفاوت آن‌ها در چیست و از سوی دیگر بداند چه مشابهت‌هایی در رفتارهای آن‌ها وجود دارد. بر این اساس انسان‌شناسی فرهنگی یا مردم‌شناسی عبارت است از بررسی تطبیقی تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی مکشوف در سراسر جهان. در فرهنگ لغت "American Heritage" در خصوص تعریف مردم‌شناسی فرهنگی آمده است:

"مردم‌شناسی فرهنگی مطالعه علمی رشد و تکامل فرهنگ انسانی بر اساس قوم‌نگاری، مردم‌نگاری، داده‌های زبان‌شناسی، اجتماعی و روانی و روش‌های تجزیه و تحلیل آن‌ها است."

از این‌رو انسان‌شناسان فرهنگی منشأ و تاریخ تمدن بشر و فرهنگ آن‌ها را در طول زمان مورد مطالعه قرار می‌دهند.

ب. انسان‌شناسی جسمانی: انسان‌شناسی زیستی یا انسان‌شناسی جسمانی موجوداتی به نام هوموساپین^۱ (موجودات هوشمند) را به عنوان موجودات زیستی در گذشته و حال مورد مطالعه قرار می‌دهد. دانشمندانی که در این شاخه علمی تحقیق می‌کنند در جستجوی توصیف و تبیین تکاملی گونه‌های نژادی انسان‌ها هستند.

آن‌ها هم‌چنین موجوداتی به نام پرمات^۲ یا نخستین‌ها را که شباهت نزدیکی با یکدیگر دارند هم‌چون (میمون‌ها، پیش‌میمون‌ها^۳ و ایپها^۴) مورد مطالعه قرار می‌دهند، زیرا تاریخ تکامل این موجودات بسیار به یکدیگر و به انسان‌ها نزدیک است. انسان‌شناسی جسمانی در سه موضوع تمرکز یافته و در آن زمینه مطالعه می‌نماید:

۱- انسان‌شناسی دیرینه‌ای^۵ ۲- نخستی‌شناسی ۳- گونه‌های مختلف انسان معاصر و فعلی (لینکیت، ۲۰۰۶:۱۱).

1-Homo sapiens

2-primates

3-prosimians

4-apes

5- Pale Anthropology

انسان‌شناسی جسمانی یا زیستی در جستجوی پاسخگویی به دو مجموعه از سئوالات متمایز از یکدیگر است. از یک طرف سئوالاتی در خصوص پیدایی و ظهور انسانها و تکامل آنان مطرح می‌شود که متخصصانی به نام دیرینه‌شناسان انسانی در جستجوی پاسخگویی به این سئوالات هستند. از طرف دیگر سئوالاتی در این مورد وجود دارد که چرا و چگونه جمعیت‌های انسانی با یکدیگر متفاوتند. در اینجا با متخصصان دیگری مواجه هستیم که تخصص آنان تحقیق در مورد اختلافات نژادی و تنوعات انسانی است (امبر، ۱۹۸۵: ۳).

تعریف فرهنگ: تعریف فرهنگ به علت وسعت و گستردگی، کار ساده‌ای نیست. چرا که بیش از دوپست و پنجاه تعریف را شامل می‌شود. در اینجا تنها به چند تعریف که از اهمیت بیشتری برخوردار است بسنده می‌شود.

از نظر ادوارد تایلر مردم‌شناس بزرگ انگلیسی، فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل علوم و دانش‌ها، اعتقادات، هنر، افکار و عقاید، صنایع، تکنیک، اخلاق، قوانین و مقررات، سخن، عادات و رسوم و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرا می‌گیرد و در قبال آن تعهداتی به عهده دارد.

رالف لیتون انسان‌شناس مشهور آمریکایی، فرهنگ را ترکیبی از رفتار مکتسب میدانند که به وسیله اعضای جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و در میان افراد مشترک است (www.aftabir.com).

کلاکھون و آلفرد کلوبر در کتاب خود به نام "فرهنگ: مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف" با گردآوری ۱۶۴ تعریف از فرهنگ اظهار کردند که فرهنگ در اغلب موارد به سه برداشت عمده می‌انجامد:

۱. برترین فضیلت در هنرهای زیبا و امور انسانی که همچنین به فرهنگ عالی شهرت دارد.
 ۲. الگوی یکپارچه از دانش، عقاید و رفتار بشری که به گنجایش فکری و یادگیری اجتماعی نمادین بستگی دارد
 ۳. مجموعه‌ای از گرایش‌ها، ارزش‌ها، اهداف و اعمال مشترک که یک نهاد، سازمان و گروه را مشخص و تعریف می‌کند (Kluckhoh and Kroeber: ۱۹۹۲)
- در مجموع می‌توان گفت، فرهنگ راه و روش زندگی است که هر قومی برای خود دارد. و شامل کلیه ساخته‌ها، پرداخته‌ها، اندوخته‌ها، آداب و رسوم، مقررات، عقاید، هنرها و دانستنی‌های عامه است که از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود

فولکلور یا ادبیات عامه

فولکلور از دو کلمه انگلیسی Folk به معنی توده و lore به معنی دانش تشکیل شده است. فولکلور یا باور عامیانه را می‌توان مجموعه‌ای از افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، ضرب‌المثل‌ها، هزلیات، رسوم و... دانست.

واژه فولکلور را برای اولین بار ویلیام تامس عتیقه‌شناس انگلیسی در مقاله‌ای که موضوع آن بحث درباره دانش عامیانه و آداب و رسوم سنتی بود بیان نمود (and Jones, 1995). Robert این اصطلاح از نیم قرن پیش نیز در ایران و ادبیات آن راه یافته و به تدریج این اصطلاح به معنی دانش عامیانه و دانستنی‌های توده مردم رواج یافت و «فرهنگ عامه»، «فرهنگ عامیانه»، «فرهنگ توده» و «فرهنگ مردم» نامیده شد.

محققان، ابتدا فولکلور را فقط شامل ادبیات توده مانند قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماها و... می‌دانستند. اما کم‌کم سنت‌هایی که به طور شفاهی آموخته می‌شود و آنچه مردمان در زندگی خارج از دبستان فرا می‌گیرند نیز جزو آن گردید. چندی بعد، اعتقادات، اوهام و پیشگویی‌های راجع به وقت، نجوم، تاریخ طبیعی، طب و آنچه دانش توده نامیده می‌شد را نیز به این علم افزودند. سپس آداب و سنن و رسومی که راجع به هر یک از مراحل زندگی بود مانند: تولد، کودکی، جوانی، زناشویی، پیری، سوگواری، جشن‌های ملی و مذهبی و نیز عاداتی که مربوط به زندگی عمومی می‌شود، از جمله تمام پیشه‌ها و فنون توده را نیز جزو فولکلور به شمار آوردند. اما اگر بخواهیم فولکلور را در یک جمله کوتاه و کامل تعریف کنیم، باید چنین بگوییم که: «فولکلور، دانش آشنایی با پرورش غیررسمی اکثریت (درمقابل پرورش نهادهای رسمی آموزش و تربیت) در میان یک ملت متمدن است» (www.persian-language.org).

از آن جا که موضوع مطالعه فولکلور، بررسی جنبه‌های مختلف زندگی عامه است، بنابراین می‌توان گفت فولکلور در جوامعی وجود دارد که افراد آن جامعه، دارای دو نوع پرورش عوام (مردم کوچه و بازار) و خواص (نخبگان) باشند؛ زیرا در جامعه‌ای که تمام اعضای آن را افراد تحصیل کرده و فرهیخته تشکیل داده باشند، فولکلور وجود نخواهد داشت و یا برعکس، در مورد جوامع بسیار بدوی و رشد نیافته - که حتی خواندن و نوشتن هم نمی‌دانند - نیز به کار بردن کلمه فولکلور، معنا نمی‌دهد؛ اما به عقیده بسیاری از فولکلورشناسان، چنین جوامعی هرگز وجود خارجی ندارند.

ویژگی‌های فولکلور

با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای فولکلور بر شمرد:

- فولکلور، اعمال و رفتار جمعی و گروهی است که در بین عامه مردم، رایج است. بنابراین، عمل و رفتار یک فرد یا یک خانواده را نمی‌توان فولکلور نامید.
- ابداع کننده و به وجود آورنده و نیز زمان شروع رفتارها و اعمال فولکلوری معلوم نیست.
- عادات فولکلور در مجموعه فعالیت‌های زندگی اجتماعی، نقشی به عهده دارند.
- اعمال و رفتارهای فولکلور به مناسبت و بنا بر مقتضیات زمان، تکرار می‌شوند؛ یعنی آنچه در یک یا چند مرتبه و یا فقط در دوره‌ای خاص و محدود اتفاق افتد، در شمار فولکلور نیست.
- فولکلور در جریان انتقال، موافق مقتضیات نسل‌ها، دگرگون می‌شود.
- رفتارهای فولکلوریک، از حاکمیت اندیشه‌ای خاص که بر خلاف میل توده باشد، پیروی نمی‌کنند، هر چند آن تفکر بر جامعه، حکومت داشته باشد.
- شایان ذکر است که آداب و رسوم و رفتارهای فولکلور هر منطقه، برای مردم همان منطقه، «سنت» و برای مردم سایر نقاط، به عنوان «فولکلور» خاص آن منطقه شناخته می‌شود.

کارکردهای فرهنگ عامه در اجتماع

فولکلورشناسان، کارکردهای بسیاری را برای فرهنگ عامه ذکر کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. ایجاد همبستگی قومی و نژادی و نزدیک نمودن قومیت‌ها و ملیت‌ها به یکدیگر. اگر چه فولکلور از یک سو باعث تمایز اقوام و ملیت‌ها از یکدیگر می‌شود، اما از سوی دیگر، اگر با دقت در فولکلور طوایف و اقوامی که در یک منطقه یا یک کشور زندگی می‌کنند، مطالعه شود، مشاهده خواهد شد که درصد زیادی از زیرساخت‌های فولکلوریک آنها دارای ریشه مشترک است. برای مثال: همانندی لهجه پوشش، سرودها و موسیقی‌های محلی و آداب و رسوم حاکم بر زندگی اقوام مختلف، عاملی است برای ایجاد پیوند دوستی و نیز جلوگیری از ایجاد دشمنی و جنگ بین آنها. در سطح وسیع تر می‌توان گفت از جهاتی تمام ملل جهان، دارای ریشه‌های فرهنگی و عادات فولکلوریک مشترک‌اند؛ چرا که در گذشته‌های بسیار دور، همگی از یک نژاد و تمدن بوده‌اند و به مرور زمان، تقسیم شده‌اند و به صورت اقوام و ملیت‌های گوناگونی که امروز شاهد آن هستیم، در زمین، پراکنده شده‌اند.

۲. فرهنگ عامه هر ملتی، در حقیقت، حافظه تاریخ سیاسی و اجتماعی آن ملت است. همان طور که گفته شد، فولکلور، شامل تمامی اعمال و رفتار و گفتار و جنبه‌های مختلف زندگی بشری است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بنابراین، با شناخت فولکلور یک قوم می‌توان به تمام این منابع، دسترسی پیدا کرد و از این طریق به راحتی به شرایط زندگی سیاسی و اجتماعی مردم آن قوم پی برد. برای مثال: اگر تعدادی مثل و افسانه، اسطوره، ترانه و لالایی تحلیل مردم شناختی و جامعه شناختی شود، درون آنها حرف‌هایی است که در شرایط خفقان حاکمیت آن زمان نمی‌توانسته‌اند به زبان آورده شوند، به طوری که ترانه‌ها و لالایی‌ها، حرف‌های سیاسی است و لالایی‌های روستایی ترانه‌هایی علیه اربابان و خان‌ها است.

۳. فرهنگ عامه را می‌توان خاستگاه و شالوده الهامات بشری در زمینه ادبیات و هنر به حساب آورد این سرچشمه افکار توده که نسل‌های پیاپی، همه اندیشه‌های گران بها و عواطف و نتایج فکر و ذوق و آزمایش خود را در آن ریخته‌اند، گنجینه زوال ناپذیری است که آبشخور بزرگ‌ترین و ماندگارترین آثار هنری جهان است.

۴. فرهنگ عامه را می‌توان نوعی رابط فرهنگی بین نسل‌های مختلف به حساب آورد در حقیقت می‌توان گفت که فرهنگ عامه برای نسل‌های مختلف، نقش یک مدرسه را بازی می‌کند. به دلیل نبود رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به شکل امروزی، این نقش فولکلور، مهم‌ترین کارکرد آن به شمار می‌آمده است و در اشکال مختلفی همچون: دور هم نشستن‌های شبانه و گوش سپردن به قصه‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، پرده خوانی‌ها، نقالی‌ها و... ظهور می‌یافته است.

۲،۱) چارچوب نظری

در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از مکتب کارکردی و جهت طبقه‌بندی موضوعات و فصل‌بندی تحقیق از نظریه "روبرت و جونز" استفاده شده است.

نظریه کارکردگرایی

کارکردگرایی یکی از نظریات عمده در علوم اجتماعی است که به ویژه از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ در علم سیطره بلامنازعی داشت. محوری‌ترین مفهوم در نظریه کارکردگرایی واژه کارکرد می‌باشد که به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌نماید (گولد و کولب، ۱۳۶۷: ۶۷۹).

به نقل از گوردون مارشال "در علوم اجتماعی بخصوص در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی، اجتماعی، کارکردگرایی همچنین تجزیه و تحلیل کارکردها، به فلسفه جامعه شناختی مربوط می‌شود که در اصل سعی در توضیح و تبیین نهادهای اجتماعی به عنوان وسیله جمعی که به نیازهای بیولوژیکی فرد پاسخ می‌دهد اشاره می‌کند. ضمن آنکه کارکردگرایی توجه ویژه‌ای به نهادهای اجتماعی نیازهای اجتماعی و همچنین همبستگی اجتماعی دارد. کارکردگرایی ابتدا توسط امیل دورکیم شکل گرفت اما امروزه با اندیشه‌های تالکوت پارسونز در آمیخته است" (مارشال، ۱۹۹۴: ۱۹۰).

بنابراین، معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقاء و انسجام نظام اجتماعی دارد. به بیان دیگر کارکردگرایی، هر پدیده یا نهاد اجتماعی را از نظر روابط آن با تمامی هیأت جامعه (که آن پدیده یا نهاد جزئی از آن است) مورد شناخت قرار می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۳: ۵۳).

کارکردگرایان به طور کلی جامعه را نظامی واحد همراه با نظم و ترتیب می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانیسم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی‌شماری است که هر یک باید کارکردهایی خاص را برای بقای کلی سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده‌ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد. کارکردگرایان بر این باورند که اجزای سازنده یک جامعه، نهادهایی چون نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام خانواده، مذهب و سازمانهای آموزشی و پرورشی‌اند که بدون کارکردهای ضروری و منظم آنها، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. و نتیجه فقدان یا اختلال این اجزاء، به خطر افتادن حیات و بقای کل سیستم اجتماعی است. همه این نهادها (اجزای سیستم) دارای ارتباط متقابل‌اند و هر یک از آنها جهت ایفای نقش مشخص خود باید اندازه، قابلیت و ساختمان مناسب داشته و به گونه‌ای عمل کنند که با اجزای دیگر سازگار باشند. ناسازگاری اجزای سیستم اجتماعی، موجب تجزیه آن و تضاد بین اجزاء، باعث نابودی آن خواهد شد. ضامن اصلی سازگاری اجزای سیستم، وفاق در ارزشهای مشترک است.

به طور کلی دیدگاه عمومی کارکردگرایی بر این استوار است که جامعه ما یک ارگان زیستی بزرگ است که اعضا و جوارح مختلف آن هر کدام وظیفه و کار معینی انجام می‌دهد که در رابطه با کار و وظیفه سایر اعضا و اجزاء به انجام کل بدن کمک می‌کند و وظایف هر کدام به نوبه خود ضروری و اجتناب‌ناپذیر است چرا که به کلیت نظام و حفظ آن کمک می‌کند (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۳۶).

پیش فرض‌ها و مفاهیم اساسی

کارکردگرایی مدلی مبتنی بر تمثیل ارگانیک است. این تمثیل، مستلزم پیش فرض‌های زیر است که بنیان و اساس این نظریه را نسبت به ماهیت جامعه شکل می‌دهند:

الف) تلقی جامعه به مثابه نظام: کارکردگرایی در پی یافتن منطق عمومی در جامعه انسانی است. مطابق این دیدگاه، جامعه به عنوان نظام و یا کل مرکب از اجزاء تلقی می‌شود که در اکثر موارد این گونه نظام‌ها دارای نیازها و ضرورت‌هایی تلقی می‌شوند که می‌بایست برآورده شوند تا بقاء را تضمین نمایند و اجزای تشکیل دهنده آن در این مسیر عمل می‌نمایند.

ب) وابستگی متقابل اجزای نظام: پیوستگی و وابستگی متقابل اجزاء نظام، یکی از فرضیه‌های زمینه‌ای در الگوی کارکردگرایی است. مفهوم پیوستگی به نوعی پیوند مستقیم و محسوس میان اجزا و عناصر مختلف نظام به مثابه یک کل اشاره دارد؛ پیوندی که در محیط‌های بیولوژیک کاملاً آشکار است. مفهوم وابستگی در این گزاره به معنای تابعیت متقابل است؛ یعنی هر جزء به جزء دیگر وابسته است و از تغییر آن تأثیر می‌پذیرد.

ج) رابطه کارکردی میان اجزاء: تمثیل جامعه به ارگانیک، بیانگر این مطلب است که رابطه عناصر تشکیل دهنده ساختار اجتماعی با همدیگر و با کل جامعه از نوع رابطه کارکردی است که در تحلیل این اجزاء، کارکرد آن‌ها، در تأمین نیازهای نظام در کانون توجه قرار می‌گیرد. نتیجه این است که تمام موجودیت یا حرکت اجزاء و کل، منطقی است و به غایتی مشخص می‌رسند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

د) وحدت کارکردی: کارکردگرایی بر این باور است که پدیده‌های اجتماعی با داشتن رویه‌ها و باورداشت‌های فرهنگی و اجتماعی الگومند، دارای کارکرد بوده و برای بهترین منظور به وجود آمده‌اند و می‌بایست از طریق کارکردهای آن‌ها بررسی شوند. به همین دلیل، کارکردگرایان علت وجود بعضی از الگوهای اجتماعی به ظاهر بی‌کارکرد را از طریق کارکردهای مخفی و پنهان آن‌ها توجیه می‌کنند.

ه) عمومیت کارکردی: مطابق این اصل همه صورت‌های فرهنگی و اجتماعی و ساختارها دارای کارکرد مثبت‌اند. از نظر کارکردگرایان پدیده‌های فاقد کارکرد یا کارکرد منفی به مثابه پلیدی‌های اجتماعی وجودشان قابلیت بقاء ندارند؛ زیرا در تأمین نیازها یا هم‌نوایی با ضرورت‌های نظام موفق نیستند. در نتیجه، تمام پدیده‌های اجتماعی تا زمانی وجود دارند که دارای کارکرد مثبت باشند و در صورت از دست دادن آن از بین می‌روند.

و) ضرورت کارکردی: مطابق این اصل، هر امر اجتماعی دارای کارکرد منحصر به فرد است که هیچ امر غیر هم سنخ نمی تواند بدیل آن واقع شود. به دیگر بیان، این گزاره گویای آن است که موجودیت کارکردها گویای وجود یک غایت و وجود این غایت گویای ضرورت وجود آن کارکردها و در نهایت آن عناصر است. (ریترز، ۱۳۸۰: ۱۴۴).

به استناد نظریه کارکردگرایی؛ در این تحقیق این پیش فرض وجود دارد که کلیه پدیده‌های فرهنگی، آداب و رسوم و مناسک موجود در منطقه مرزن آباد دارای کارکرد و فایده بوده و نیازی را پاسخگو هستند و در انسجام و همبستگی گروهی نقش مهمی را ایفا می کنند. بر این اساس این پژوهش بر آن است تا رابطه این اجزاء فرهنگی را با یکدیگر و با کل ساختار مشخص نموده و کارکرد پنهان بعضی از اعمال و سنتهای ظاهرا بی فایده را آشکار نماید.

نظریه "روبرت و اون جونز"

همان گونه که گفته شد در این پژوهش جهت طبقه بندی موضوعات و فصل بندی تحقیق از نظریه "روبرت و اون جونز" (Robert and Owens Jones, 1995) استفاده شده است. به نظر "روبرت و اون جونز" سنت‌هایی که فرهنگ عامه را تشکیل می دهند به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) سنت‌های مادی

به مجموعه آثار، اشیاء، کالاها، بناها و ابزارهایی گفته می شود که از گذشته بر جای مانده است. این بخش از فرهنگ عامه از آن حیث که معرف نوع افکار و احساسات والگوهای رفتاری نسل‌های گذشته و جنبه‌های سنتی جامعه کنونی است جزئی از فرهنگ عامه به شمار می آید. مهم ترین این سنت‌ها عبارتند از:

- مسکن (بناها، شهرها و...)
- پوشاک (لباس، کفش، کلاه و...)
- خوراک (غذاها، نوشیدنی‌ها و...)
- ابزار (آلات موسیقی، صنایع دستی، ابزار کار و تولید و...)

ب) سنت‌های گفتاری

مجموعه سنت‌هایی است که در قالب کلمات و جملات اظهار می شوند. این سنتها ریشه در اعتقادات، باورها، دانش، فلسفه، ارزش‌ها و نیازهای یک جامعه دارند. در واقع ادبیات عامیانه ارزش و اعتبار خود را از پیوندی که با جامعه و واقعیت‌ها دارند اخذ می کنند نه از جنبه هنری و زیباشناسی. برخی از سنت‌های گفتاری عبارتند از:

داستانهای عامیانه، اشعار عامیانه، ضرب المثل ها، مثل ها و تمثیل ها، چیستان، لطیفه ها، بذله گویی ها و...

ج) سنت های رفتاری

سنت های رفتاری مجموعه رفتارهایی هستند که در جامعه میان عده زیادی از افراد مشترک است و نوعی فشار، برای عمل کردن به آنها وجود دارد و جنبه غیر شخصی و الگویی دارند. سنت های رفتاری ریشه در نظام ارزش ها و باورهای جامعه دارند و برای جامعه مهم تلقی می شوند اما میزان اهمیت آنها یکسان نیست. برخی مهم بوده و عدم توجه به آنها مجازات به همراه دارد و برخی دیگر با فشار اجتماعی با ضمانت اجرایی کمتری توأم است. سنت های رفتاری در سه گروه جای دارند:

- رسوم اخلاقی
- شیوه های قومی
- عرف و عادت

رسوم اخلاقی مجموعه رفتارهایی است که برخاسته از ارزشهای جامعه می باشد و بی توجهی به آنها توأم با فشارهای اجتماعی شدید است. حال آنکه رعایت آنها مطلوب و پسندیده تلقی می شود و حیثیت اجتماعی برای فرد ایجاد می کند.

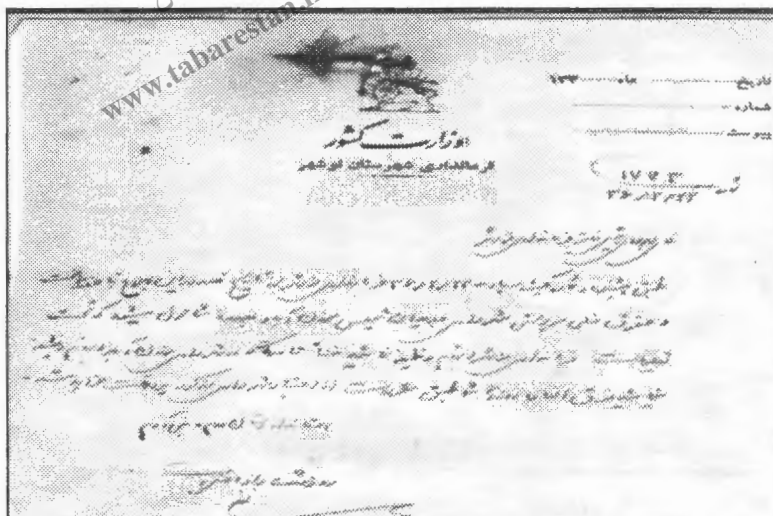
شیوه های قومی عبارتند از عادات یا روشهای سنتی که عموماً ترجیح و تمایل جامعه هستند. اگرچه تخلف از شیوه های قومی با مجازات همراه نیست اما فشار اجتماعی به مثابه ضمانت اجرایی آنهاست. جشنها و آداب نمونه هایی از شیوه های قومی هستند. عرف به آن دسته از رفتارهای اجتماعی گفته می شود که مورد پذیرش جامعه هستند. لیکن کمترین فشار اجتماعی اجرای آنها را ضمانت می کنند. رفتارهای عرفی در زمره ادب و نزاکت اجتماعی قرار دارند.

۳-۱) روش و فنون تحقیق

در مطالعات مردم شناسی و مردم نگاری مشاهده دقیق و بی کم و کاست یکی از مهم ترین، بهترین و کارآمدترین شیوه ها و ابزار پژوهش و تحقیق به شمار می رود. به عبارت دیگر غالب تحقیقات و پژوهش های اجتماعی با مشاهده آغاز می شوند و با آن پایان می پذیرند. در واقع مشاهده و دقت نظر پژوهشگر همراه با نکته سنجی و باریک بینی او بر روی ابزار مورد استفاده در یک پیشه، رسم، آیین و... بسیار مهم و حیاتی است تا آنجا که اگر پژوهشگر تمام

جوانب کار را مشاهده نکند، نمی‌تواند درک درستی از موضوع پژوهش خود داشته باشد توصیف و تبیین درست موضوع مستلزم آن است که پژوهش‌گر با تمام وجود آن را درک و حس نماید.

بعد از مشاهده و مشارکت در پژوهش‌های مردم‌شناسی مصاحبه، یکی از مهم‌ترین روش‌های مورد استفاده در تحقیقات است. به نقل از مرحوم محمود روح‌الامینی "اطلاعات مورد نظر مردم نگاری با گفت و گو (گپ زدن)، درد و دل و مشاهده به دست می‌آید و مستلزم حوصله و تبحر پرسشگر و جلب اعتماد پاسخ‌گو است. این روش می‌تواند محقق را به ارزش‌ها و عوامل نا آشکاری، که هیچ‌گاه با پرسشنامه میسر نیست، آشنا سازد" (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۰۷).



تصویر ۱-۱: نمونه‌ای از اسناد و مدارک قدیمی مربوط به شهرداری مرزن‌آباد

بر این اساس در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه استفاده شده است و در حین انجام تحقیق میدانی تلاش به عمل آمد تا علاوه بر عکس‌برداری از عناصر فرهنگی و ابزار به ضبط و ثبت دقیق گفتار و جواب‌های مطلعین محلی اقدام شود.

ناگفته نماند پژوهشگران با توجه به موضوع تحقیق نیازمند بودند تا علاوه بر روش‌های ذکر شده برای تکمیل اطلاعات به تحقیقات پیشین و منابع مکتوب نیز رجوع نمایند زیرا در مردم‌شناسی یکی از راه‌های جمع‌آوری اطلاعات در یک جامعه، استفاده از قباله‌ها، عقد نامه‌ها، قرار داده‌ها و به طور کلی همه اسناد و مدارک مکتوب است و این اسناد و مدارک نه

تنها می‌توانند راهنمای مطالعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، خویشاوندی و اعتقادی باشند، بلکه در تحقیقات مردم نگاری نیز نقش بنیانی دارد. بر این اساس علاوه بر اسناد و مدارک قدیمی، کتب، مقالات و مجلات تخصصی مطالعه و بررسی شدند.

۱,۴) ویژگی‌های محل تحقیق (استان مازندران)

استان مازندران با مساحت ۲۳۷۵۶ کیلومتر مربع در شمال ایران و در کرانه‌های جنوبی دریای مازندران واقع شده و شهرستان ساری، مرکز و پرجمعیت‌ترین شهر آن می‌باشد. این استان هم‌مرز با استان‌های گلستان، سمنان، تهران، البرز، قزوین و گیلان است (تبیان: ۱۳۸۹).

قله دماوند مرتفع‌ترین قله ایران در مازندران و در شهرستان آمل قرار دارد. مازندران بلندترین (کوه دماوند) و پست‌ترین (دریای مازندران) نقاط ایران را در خود جای داده است. این استان یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق از لحاظ تراکم جمعیتی و یکی از غنی‌ترین آن‌ها از لحاظ منابع گوناگون زیرزمینی می‌باشد. این استان دارای ۲۲ شهرستان است.

مازندران با جمعیتی بیش از ۳ میلیون نفر و حدود ۴/۰۹ درصد جمعیت کشور از وسعتی معادل ۱/۴۶ درصد ایران برخوردار است. اما قرار گرفتن آن در ساحل جنوبی بزرگترین دریاچه جهان موسوم به دریای مازندران یا دریای کاسپین و هم‌جواری با چهار کشور ساحلی این دریا یعنی ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و جمهوری آذربایجان از یک‌سو و قرار گرفتن در شمال کلان‌شهر تهران (پایتخت ایران) از موقعیت جغرافیایی استراتژیکی برخوردار است.

دسترسی به زیر ساخت‌های مناسب ارتباطی، به همراه تسهیلات ویژه زیر بنایی آب، برق، فاضلاب و گاز همراه با شرایط آب و هوایی معتدل، اراضی بسیار حاصل خیز، طبیعت گوناگون و مفرح ساحلی، دشتی، جنگلی و کوهستانی مساعد برای توسعه صنعت گردشگری و دسترسی به بازارهای هدف داخلی و خارجی

امکان توسعه سریع را در قالب بخش‌های محوری گردشگری، کشاورزی، صنعتی و تجاری، فناوری اطلاعات و ارتباطات را یک‌جا در خود گرد آورده است. همچنین برخورداری از میراث فرهنگی غنی و بیشترین نرخ دانش‌آموختگان با تحصیلات دانشگاهی مازندران در میان استان‌های کشور، شرایط مناسبی برای گسترش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی استان در سطح منطقه شمال و ایران فراهم آورده است. این استان باسوادترین استان کشور است (ویکی پدیا).

ویژه گی‌های شهرستان‌های استان مازندران

ویژه گی‌های شهرستان‌های استان مازندران به نقل از سایت (<http://www.amar.org.ir>)

شهرستان‌های استان مازندران		
مساحت	جمعیت (۱۳۹۰)	شهرستان
۳۰۷۴,۴	۳۷۰,۷۷۴	شهرستان آمل
۱۵۷۸,۱	۴۹۵,۹۹۷	شهرستان بابل
۲۴۶,۵	۱۲۵,۴۰۹	شهرستان بابلسر
۱۴۱۶,۲۷	۱۵۵,۲۴۷	شهرستان بهشهر
۲۸۵,۵	۷۳,۵۵۴	شهرستان جویبار
۱۵۹۷,۳	۳۸,۶۹۴	شهرستان جالوس
...	۱۸۵۰۰	شهرستان کلاردشت
۷۳۹,۸	۶۸,۳۲۳	شهرستان رامسر
۳۰۸۵,۳	۴۷۰,۰۱۲	شهرستان ساری
۲۰۷۸	۲۰,۵۹۰	شهرستان سوادکوه
...	۰	شهرستان سوادکوه شمالی
...	۳۳,۰۱۲	شهرستان سیمرغ
۲۱۴۰	۱۵۳,۹۴۰	شهرستان تنکابن
...	۴۷,۵۹۱	شهرستان عباس‌آباد
۹۹,۲	۵۸,۳۳۶	شهرستان فریدون‌کنار
۴۵۸,۵	۲۷۴,۰۳۹	شهرستان قائم‌شهر
۴۵۱,۲۳	۳۸,۸۴۷	شهرستان گلوگاه
۲۶۲,۸	۹۶,۰۱۹	شهرستان محمودآباد
۴۹۹,۲	۵۵,۷۷۶	شهرستان میانرود
۱۲۵۸,۸	۱۱۱,۹۴۴	شهرستان نکا
۱۷۱۶,۵	۱۲۸,۶۴۷	شهرستان نوشهر
۲۶۷۵	۱۱۰,۰۵۸	شهرستان نور

وضعیت جغرافیایی استان مازندران

مازندران به خاطر جغرافیای گوناگون آن که شامل جلگه‌ها، علفزارها، بیشه‌ها و جنگل‌های هیرکانی با صدها گونه گیاهی منحصر به فرد در جهان است و تنوع آب و هوایی از سواحل شنی با پست‌ترین نقطه، تا کوهستان‌های ناهموار و پوشیده از برف البرز با داشتن یکی از هفت آتشفشان معروف دنیا، کوه دماوند، شناخته شده است.

رشته کوه‌های البرز هم‌چون سدی بلند مازندران را به دو قسمت جلگه‌ای و کوهستانی تقسیم کرده است و به همین دلیل این استان از قسمت داخلی ایران جدا شده است. بخشی از البرز غربی و البرز شرقی و تمامی البرز مرکزی در این محدوده قرار دارد و شیب زمین از منطقه کوهستانی به سوی جلگه و دریا کاهش می‌یابد. رشته کوه‌های البرز دارای کوه‌های فرعی است که از جنوب به شمال و به موازات دریا کشیده شده است. از مرتفع‌ترین قله مازندران می‌توان بادله کوه، کوه چنگی و کوه سفید را در شهرستان ساری نام برد. بلندترین قله‌هایی که به موازات دریا کشیده شده است عبارتند از سیالان با ارتفاع ۴۱۲۵ متر از سطح دریا و تخت سلیمان با بیش از ۴۰۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا در جنوب شرقی شهرستان تنکابن و قله شور، کلارآباد و سیاه سنگ در شهرستان نوشهر.

ناهمواری‌ها

قسمت جنوبی این استان کوهستانی و قسمت شمالی آن جلگه‌ای ساحلی می‌باشد. شیب آن به طرف مشرق در دشت گرگان است که به تدریج به ارتفاعات غربی خراسان منتهی می‌شود و به علت فراوانی نسبی آب و فرسایش کوه‌ها، آبرفت‌های ناشی از آن در دریا ته نشین شده و جلگه مازندران را تشکیل داده است.

آب و هوا

آب و هوای مازندران با توجه به وجود دریا، کوه و جنگل به دو نوع معتدل مرطوب و کوهستانی تقسیم می‌شود.

مرطوب و معتدل

وجود دریای کاسپین یا مازندران و رشته کوه‌های البرز و نزدیکی این دو مظهر طبیعت به یکدیگر در نواحی جلگه‌ای تا کوهپایه‌های شمالی البرز، آب و هوای معتدل و مرطوب را به وجود آورده است، تابستان‌های آن به ویژه در سواحل دریا، گرم و مرطوب است. زمستان‌های این نواحی معتدل و مرطوب و به ندرت یخ بندان می‌شود.

کوهستانی

شامل آب و هوای معتدل کوهستانی و آب و هوای سرد کوهستانی است. دوری از دریا و افزایش تدریجی ارتفاع در اراضی جلگه‌ای، تغییرات خاصی را در آب و هوای این استان پدید آورده است. به طوری که در ارتفاعات ۱۸۰۰ تا ۳۰۰۰ متری، آب و هوای معتدل کوهستانی با زمستان‌های سرد و یخ‌بندان طولانی و تابستان‌های کوتاه و معتدل وجود دارد. در ارتفاعات بالای ۳۰۰۰ متر که دمای هوا به شدت پایین می‌آید، دارای زمستان‌های سرد همراه با یخ‌بندان طولانی و تابستان‌های کوتاه و خشک است. در این نواحی هوا غالباً برفی است و در ارتفاعات مهم چون تخت سلیمان و دماوند یخچال‌های کوهستانی و طبیعی ایجاد شده است.

منابع آب

دریای مازندران: دریای کاسپین یا دریای مازندران (Caspian sea) که در بین کشورهای ایران، روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان واقع شده است با وسعتی حدود ۳۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع بزرگ‌ترین دریاچه جهان است. سطح آب این دریاچه در دوران‌های گذشته بالاتر از سطح دریا‌های آزاد بوده است. ۸۷٪ از آب رودخانه‌های ولگا و اورال در روسیه ۷٪ رودخانه‌های سواحل غربی و ۵٪ رودخانه سواحل جنوبی در ایران به این دریا می‌ریزد. این دریاچه یکی از میدان‌های گسترده و غنی نفتی جهان است.

رودها

بیشتر رودهای جاری در مازندران دائمی هستند. در نواحی کوهستانی در فصل زمستان و اوایل بهار پر آب و در تابستان‌ها کم آب و گاهی خشک است. طول رودهای غرب این استان به دلیل نزدیک بودن کوه به دریا کوتاه‌تر و رودهای شرقی طولانی‌تر است. رودهایی که از جنوب به شمال در جریان است عبارتند از: هراز، بابلرود، چالوس، یلار، تجن و چشمه کیله، که این رودها همگی به دریای مازندران می‌ریزد.

از دیگر منابع آب این استان دریاچه‌های کوچک محلی است که به هنگام طغیان رودها در قسمت‌هایی که سطح آب‌های زیرزمینی بالا است به وجود می‌آید و برای کشاورزی، صید و شکار مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوع دیگر ذخایر آبی و مهار سیلاب آب‌بندان است که در آن ماهی پرورش می‌یابد. دریاچه دائمی «ولشت» یا «سما» در شمال غربی مرزن‌آباد

شهرستان چالوس یکی دیگر از منابع آبی طبیعی است که از جوشش چشمه‌های اطراف تشکیل شده و از جاذبه‌های گردشگری استان است. طویل‌ترین و پر آب‌ترین رودخانه‌های استان که در چهار فصل سال در جریان هستند عبارتند از:

رود هراز به طول ۱۸۵ کیلومتر

نکا به طول ۱۸۰ کیلومتر

تالار (طالار) به طول ۱۴۷ کیلومتر

تجن به طول ۱۴۰ کیلومتر

زارم رود به طول ۱۰۰ کیلومتر (موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۹۲).

پوشش گیاهی

استان مازندران به دلیل موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و جنس خاک از پوشش گیاهی متنوعی از قبیل جنگل انبوه، چمن‌زار و استپ برخوردار است. مجاورت دریای مازندران و رشته کوه‌های البرز سبب شده است که به تبعیت از آب و هوادر دامنه شمالی البرز از خط ساحلی دریای مازندران تا قله مرتفع، بر حسب افزایش ارتفاع، پوشش گیاهی متنوعی به صورت نوارهای مشخص به وجود آیند. به طور کلی، پوشش گیاهی این استان را می‌توان به جنگل و مرتع تقسیم کرد:



تصویر ۱-۲: نمایی از جنگل‌های مازندران

جنگل: از غرب تا شرق استان و از جلگه ساحلی تا ارتفاعات ۲۵۰۰ متری، جنگل‌های انبوه، به صورت نواری، دامنه شمالی البرز را فرا گرفته است. در این جنگل‌ها در جهت شمالی - جنوبی و غربی - شرقی بر حسب تغییر شرایط محلی مانند آب و هوا، ارتفاع، جنس خاک و سنگ‌ها و شیب دامنه‌ها تغییرات گیاهی مشخصی به وجود می‌آید. از این نظر، مازندران یکی از نقاط نادر جهان به شمار می‌رود.

به طور کلی، در این جنگل‌ها غلبه با درختان پهن برگ است که تا ارتفاع ۱۸۰۰ متری گسترش دارند. بعد از آن تا ارتفاع ۲۵۰۰ متری، درختان سوزنی برگ ظاهر می‌شوند. بالا تر از آن، شرایط رویش گونه‌های درختی محدود می‌گردد و پوشش گیاهی به چمن‌زار (همانند چمن‌زارهای آلپی اروپا) تبدیل می‌شود که در بهار و تابستان سبز می‌شوند. در جهت غرب به شرق نیز تغییر گونه‌های درختی و تراکم

جنگل محسوس است. در گذشته جنگل متراکم تر بوده و گسترش شمالی بیشتری داشته است، ولی به علت رشد جمعیت، توسعه کشاورزی و بهره برداری فزاینده، از وسعت جنگل کاسته شده و حد شمالی آن نیز به کوهپایه‌های البرز محدود گردیده است. جنگل‌های استان از درخت‌های متنوعی تشکیل شده است که مهمترین آنها عبارتند از بلند، مازو، ممرز، آزاد، انجیری، توسکا، زبان گنجشک، شاه بلوط، شمشاد، افرا، نم‌دار، نارون (ملج یا اوجا) و راش. این جنگل‌ها در اقتصاد، صنایع، اشتغال، شرایط آب و هوایی، آبهای سطحی و زیر زمینی و خاک استان مازندران نقش مهمی دارند.

مرتع: به طور کلی، چمن‌زارهای کوهستانی، گیاهان زیر جنگل و گیاهان استپی مراتع استان را تشکیل می‌دهند، این مراتع بر حسب ارتفاع و فصل مورد استفاده قرار می‌گیرند. مراتع ییلاقی به صورت چمن‌زار در ارتفاعات البرز در بالای حد جنگل‌های سوزنی برگ گسترش دارند و در فصل تابستان مورد استفاده دامداران استان قرار می‌گیرند. این مراتع توأم با گیاهان جنگلی، وسعت زیادی دارند و از نظر ارزش اقتصادی جزو مراتع خوب کشور به شمار می‌روند.

زندگی جانوری

استان مازندران به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط اکولوژیک، مجاورت دریا با کوه، دریاچه‌های فصلی، تنوع پوشش گیاهی و آب و هوایی، زندگی جانوری متنوعی دارد و مجموعه‌ای از جانوران کوهستانی، جنگلی، جلگه‌ای و استپی توأم با پرندگان بومی مهاجر و آبزیان، شرایط زیستی متنوعی به وجود آورده‌اند. پستاندارانی از قبیل گراز، پلنگ، گربه

وحشی، آهو، میش، قوچ، خرس، شغال، گرگ، گوزن و پرندگانی از قبیل شاهین، قرقاول، عقاب، کبک، و خزندگانی از قبیل مار، لاک پشت در این منطقه زندگی می‌کنند.

در دریای مازندران و دهانه رودهای آن، انواع ماهیان استخوانی و غضروفی (ماهی سفید، کپور، سوف، ماش، اورنج و ماهیان خاویاری) یافت می‌شوند که زیر نظر شرکت شیلات شمال اداره می‌شود (<http://ostan-mz.ir>).

باستان‌شناسی و تاریخ مازندران

با کشفیات دانشمندان در غارهای هوتو و کمربند، گواهی بر زندگی انسان‌ها در ۷۵ هزار سال پیش از این به دست آمده است، علاوه بر این، باستان‌شناسی در گوهر تپه، که ثابت کرد مازندران بیش از ۶ هزار سال پیشینه تمدن شهری دارد، مازندران را به یکی از مهمترین پایگاه‌های باستان‌شناسی در منطقه خاورمیانه و جهان شناسانده است که در فرهنگ سازی و تمدن شهرنشینی مردم در ایران نقش مهمی را ایفا کرده است. در حالی که آمل شهری که آن را دومین شهر کهن ایران می‌خوانند هم در این استان جا دارد و تاریخ آمل جزو تاریخ‌های اول شهری است که در زمان مردم آمارد یا همان آماردیان شکوفا شده است. مازندران جزوی از قلمرو پادشاهی ورگانا، و پس از آن یکی از استان‌های مهم پادشاهی طبرستان (که پس از شاه عباس طبرستان ایالتی از ایران و مازندران استانی از این ایالت شد)، بوده است.

مردم بومی آن تیوری (مازندرانی)، آمارد و گیلک هستند، مازندران اولین پایگاه اسلامی و شیعه دوازده امامی است. بعد از غلبه آریایی‌های مهاجم و مهاجرت بومیان، ساکنان جدید پس از مدتها ظاهرا زیر فرمان هخامنشیان قرار گرفتند. در کتیبه بیستون سرزمین مازندران به نام پشتخوارگی و در اوستا پزشخوارگر آمده است و مازندران قلمرو اشکانیان و آمل مرکز اصلی آن بوده است.

هم‌زمان با فتوحات مسلمانان از سلسله‌های پادوسبانان، آل باوند و افراسیابیان نام برده شده است که در طبرستان یا قسمتی از آن حکومت می‌کرده‌اند و استقلال نسبی داشته‌اند. مورخان درباره اولین حمله مسلمین به طبرستان وحدت نظر ندارند.

مازندران (تبرستان) تنها ناحیه‌ای از ایران است که در دوره اول فتوحات اعراب (۶۴۹-۶۳۷ میلادی) و حتی در زمان بنی امیه تسخیر نشد و در زمان بنی عباس (۷۶۵ میلادی) ضمیمه گشت.

ورود اقوام مختلف به مازندران

ساکنان قدیم غرب دریای کاسپین یا دریای مازندران کادوسیایان بودند. در منطقه میانی و شرقی دریای کاسپین یا دریای مازندران اقوام آنریاک - مردوی و تپورها ساکن بوده که بعدها ایرانیان آن را تپورستان و با آمدن اعراب این منطقه را تبرستان نامیدند. نمی‌توان گفت این اقوام کی و از کجا آمده‌اند اما به نظر استرابون، تپورها در حد فاصل آماردها و هیرکانیه زندگی می‌کردند. (یعنی میان آمل

و گرگان امروزی) اما دیاکونف نوشته: «تپورها در هیرکانیه ساکن بودند و تحت نفوذ هیرکانیان». مرز شرقی آنها استرآباد و مرز غربی آنها از چالوس بود. پس مازندران بخشی از تپورستان است که مرکز آن شهر تاریخی ساری بوده و هست. راستوفن می‌نویسد: «قبیله‌هایی که در کناره دریای کاسپین بودند عبارتند از: هیرکانیان، آماردها، آناری‌ها، کادوسها، آلبانیها، کاسیان» وی همچنین نوشته: «تپورها قبیله‌ای بودند که در سرزمین هیرکانی ساکن و جزو قبایل کنار دریا نبودند.» ظاهراً ایشان قبایل گسترده‌ای بودند که با آمدن آریایی‌ها عقب رانده شدند. در مسکوکات سلاطین مستقل مازندران که خود سکه می‌زدند نام پادشاه تپورستان آمده است. قوم جل یا گل هم از سفیدرود تا لومیر سکنی داشتند که نام گیلان از نام آنها بهره‌گرفته است. قوم دیگر مارد یا مازد یا آمارد که از سمت علمده نور به غرب سکونت داشتند و این قوم با جنگجویانی با کمان‌های کوچک که سه تیر داشت و شمشیر تیز و ۳۰ سانتی که همیشه همراهشان بود شناخته می‌شدند. این قوم تیر اندازان ماهری بودند و مرکز حکومت آنها بالای خرم‌آباد منطقه فیض (تنکابن فعلی) بوده که وسعت و پهناوری سرزمین این قوم از غرب تا رودسر فعلی از جنوب تا نصف قزوین و از شرق تا علمده نور ادامه داشته است و ویژگی خاص این قوم شکست ناپذیر و دلاور این بود که دور تا دور سرزمین را با درخت‌های تو در تو و نزدیک به هم حصار کرده بودند و همیشه در مقابل حاکمان زورگو و ظلم و ستم ایستادگی کرده و شکست ناپذیر بودند و گویش آنها پارسی و گیلکی متمایل بوده است که حالا در تاریخ طبرستان به نام لهجه شهسواری ثبت شده است (یوسفی نیا، ۱۳۷۱).

زبان و گویش مردم مازندران

اهالی مازندران به زبان فارسی و گویش مازندرانی تکلم می‌کنند. گویش مازندرانی بازمانده زبان ایرانیان قدیم (پارسی میانه) است که دیرتر و کمتر از سایر زبان‌ها تحت تأثیر زبان‌های

بیگانه‌ای چون عربی، مغولی و تاتاری قرار گرفته و تقریباً در همه جای استان متداول است ولی در شهرستان‌های غربی، مرکزی و شرقی استان، تفاوت‌هایی دارد.

بررسی کارشناسانه در جلگه‌ها و سپس نواحی کوهستانی موجب شناسایی دوازده لهجه مختلف درمازندران شده است:

۱. منطقه کردکوی: شامل هزار جریب شرقی، شاه کوه زیارت، بالاجاده، رادکان، گزشرقی و غربی و روستاهای ترکمن نشین از زنگی محله گرگان و چهاردانگه تا گلوگاه
۲. منطقه بهشهر: شامل چهاردانگه هزارجریب از سورتی تا کیاسر و روستاهای مناطق جلگه‌ای از گلوگاه، شاه کلیه تا انتهای منطقه قره طغان و رودخانه نکارود
۳. منطقه ساری: شامل چهاردانگه از کیاسر تا کوهستانهای دودانگه، جلگه‌های مابین میان دورود و جلگه‌های مناطق غربی تجن رود تا جویبار
۴. منطقه قائمشهر: شامل مناطق کوهستانی فیروز کوه، سوادکوه و روستاهای جلگه‌ای حد فاصل بین کیاکلا، جویبار و روستاهای کوهپایه‌ای بیشه سر
۵. منطقه بابل: از مناطق کوهستانی چلاو آمل تا بندپی، امامزاده حسن در سمت غربی آلاشت و نواحی جلگه‌های حد فاصل فریدون کنار، بابلسر، بهن میر، کیاکلا تا روستاهای کوهپایه‌ای کهنه خط، گنج افروز و بابل کنار
۶. منطقه آمل: از کوهستانهای بندپی تا چلاو، لاریجانات، نمارستاق و کلارستاق آمل تا حوالی امامزاده هاشم و جلگه‌های دو سمت هراز، دشت سر و محمود آباد و کوهپایه‌ها و جلگه‌های جاده چمستان، میان آمل و نور
۷. منطقه نور و نوشهر: شامل بخشی از روستاهای بیرون بشم، کجور، محال ثلاث و جلگه‌های حد فاصل سرخ رود تا رودخانه چالوس
۸. چالوس و تنکابن شرقی: شامل مناطق کلارباستانی، برخی از روستاهای کوهپایه‌ای منطقه بیرون بشم ولنکا و نواحی جلگه‌ای از آب چالوس و عباس آباد و رودخانه نشتا به مرکزیت عباس آباد.
۹. تنکابن مرکزی: شامل لهجه‌های دوهزار و سه هزار و خرم آبادی و گلیجانی و چالکش یعنی جلگه‌های حد فاصل آب نشتا تا آب شیروود.
۱۰. منطقه علی آباد کتول: شامل نواحی روستایی کوهستانی شمال شاهوار و مناطقی چون کتول، پیچک محله، محمود آباد، فاضل آباد و جلگه‌های غیرترکمن نشین بلوک استارآباد

۱۱. منطقه قصران باستانی: شامل مناطق لاوشان، فشم، شمشک، گاجره و روستاهای کوهپایه‌ای توچلال تا مناطق غربی رودخانه جاجرود

۱۲. منطقه دماوند: شامل نواحی کوهستانی شهرستان دماوند، رودهن، بومهن تا فیروزکوه
(<http://www.parpirar.org/articlesmainmenu>)

هم اکنون زبان طبری به زبان مازندرانی با لهجه مازندرانی مشهور بوده که به دلیل تغییرات آوایی در واژه‌های آن در میان روستاییان و شهرنشینان جلگه مازندران به لهجه‌های گوناگون تبدیل شده است.

دین و مذهب

از دیرباز مازندران در معرض نفوذ و کانون توجه و یا محل پیدایش اعتقادات دینی و مذهبی گوناگون بوده است و بر این اساس، مردم مازندران تحولات اعتقادی، دینی و مذهبی متعددی را پشت سر گذاشته‌اند. اولین اقوام بومی مازندران، (کاسی‌ها و تپوری‌ها و آماردها) عناصر طبیعت را می‌پرستیدند. سپس آیین دیوان یا پرستش روشنایی و خورشید در مازندران رواج یافت و پس از آن مردم این سامان به آیین زرتشت گرویدند. دین زرتشتی تا پایان قرن سوم هجری در برخی از نقاط مازندران، حضور خود را حفظ کرد. با ورود اسلام به ایران (در حدود اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری) به تدریج دین اسلام در مازندران نیز نفوذ کرد. اسلام آوردن مردم مازندران بیشتر بر مبنای صلح آمیز و کوشش‌های داعیان علوی زیدی بوده است. از میان مذاهب اسلامی، ابتدا مردم مازندران پیرو مذاهب سنت و جماعت شافعی و حنفی شدند. درباره چگونگی و علل گرایش و اسلام آوردن مردم مازندران باید گفت که نارضایتی مردم و ستم حکومت‌های محلی مازندران و اسلام آوردن برخی از حکام محلی کوچک تاثیر عمده‌ای داشته است. در مرحله بعدی مردم مازندران در آغاز به شیعه زیدی و بعدها به شیعه دوازده امامی روی آوردند. استمرار و رشد و گسترش مذهب شیعه در اثر علاقه و اعتقاد قلبی مردم، شعارهای عدالت جویانه داعیان علوی و گرایش‌های شیعی حکام محلی یعنی سادات مرعشیان مازندران و پادوسبانان رویان و رستم‌دار (نور و کجور) ممکن گردید (یوسفی، ۱۳۹۴). امروزه اکثریت مردم مازندران شیعه اثنی عشری هستند و اقلیت‌های از پیروان اهل حق، مسیحی و زرتشتی نیز در این منطقه زندگی می‌کنند.

ویژگی‌های اقتصادی استان مازندران

کشاورزی: این استان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی ایران شمرده می‌شود. برنج و مرکبات از محصولات اصلی این استان محسوب می‌شود.



تصویر ۳-۱؛ مزارع کشاورزی در مازندران

گندم و جو (به‌ویژه در هزارجریب) محصول اصلی زراعی این ناحیه است. در ناحیه میان‌بند دامداری و تولید فلوات رواج دارد. در ناحیه جلگه‌ای استان زراعت‌های آبی و دیمی و باغداری رونق فراوان دارد. کشت برنج که در فروردین و اردیبهشت آغاز می‌شود از محصولات اصلی نواحی جلگه‌ای است. محصولات عمده استان علاوه بر برنج و گندم، توتون، الیاف، پنبه، کنف، سویا، جو، آفتابگردان، چای، ابریشم، نیشکر و علوفه‌های دامی است. فرآورده‌های اصلی باغ‌های استان پرتقال، انار، کیوی، نارنج، لیمو و نارنگی است.

دامداری: دامداری در استان شامل پرورش گاو، گوسفند، بز، گاو میش و پرورش طیور خانگی است. صید آبزیان، ماهیان خاویباری، ماهی آزاد، ماهی سفید، کفال، کپور، کیلکا در منابع آب استان به‌ویژه دره‌های خزر و رودها رونق فراوان دارد.

صنایع کارخانه‌ای: صنایع کارخانه‌ای استان عمدتاً مشتمل بر حریربافی، چیت، پارچه، پنبه پاک‌کنی، برنج پاک‌کنی و صنایع چوب و کاغذ است که بیشتر در بهشهر، ساری، قائم‌شهر و آمل فعال است.

صنایع دستی: مهم‌ترین صنایع دستی استان گلیم‌بافی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، مصنوعات چرمی، مصنوعات چوبی (لاک‌تراشی)، تولیدات پشمی، سوزن‌دوزی، سفالگری، سرامیک و نمدمالی و ... است.

گردشگری و جاذبه های توریستی مازندران

استان مازندران به لحاظ موقعیت طبیعی و جغرافیایی در بخش طبیعت گردی جزء استان- های برتر و قطب گردشگری کشور محسوب می گردد. نزدیک به ۱۲ میلیون نفر گردشگر داخلی و دهها هزار توریست خارجی هر ساله به منظور گذراندن اوقات فراغت از این استان دیدن می کنند. وجود دریای مازندران (کاسپین) با ساحل زیبا و مناسب به همراه برخورداری از دامنه ها (و پارک های) جنگلی و کوهستانی، وجود قله دماوند با ۵۶۷۰ متر ارتفاع معروف به بام ایران، غارها، آبشارها، رودخانه ها، آب های متعدد سرد و گرم معدنی، چشمه ها، تالابها به ویژه شبه جزیره میانکاله در بهشهر بیش از ۸۰۰ آثار تاریخی شناسایی شده نظیر مجموعه تاریخی شهرهای آمل، چالوس و ساری، این استان را به مجموعه ای متنوع برای استفاده گردشگران با انگیزه مختلف بدل نموده است. نزدیک به یکصد واحد اقامتی شامل هتل، متل، هتل آپارتمان، مهمانپذیر و مجتمع تفریحی ساحلی، جنگلی و کوهستانی همراه با دهها آژانس خدمات مسافرتی و جهانگردی خدمات لازم را به گردشگران ارایه می کنند. بنیاد علمی مهندس حریری بابل و موزه های شهر بابل، مجموعه فرهنگی کندلوس کجور نوشهر، موزه تاریخ طبیعی خشکه داران در مسیر جاده اصلی تنکابن - چالوس، تماشاگاه خزر کاخ رامسر و ... امکانات بازدید بیشماری را برای بازدید گردشگران داخلی و خارجی فراهم آورده است.

جاذبه های طبیعی: علاوه بر سواحل دریا، مناطق جلگه ای سبز، دامنه جنگلی و کوهستانی بسیار زیبا به طول ۳۳۸ کیلومتر از شرق به غرب، سایر جاذبه های طبیعی آن به شرح زیر است:

- شبه جزیره میانکاله: منطقه ای در بهشهر که تا خلیج گرگان (آشوراده) ادامه دارد.
- پناهگاه حیات وحش: میانکاله، سمسکنده، دشت ناز و دودانگه و چهار دانگه در ساری و سیاه بیشه در آمل.
- دریاچه ها: ولشت کلاردشت (چالوس)، خضرنبی (نوشهر)، شورمست (سوادکوه)، سد لار (آمل).
- رودخانه ها: چالوس، تجن ساری، سجاد رود و بابل رود (بابل)، هراز در آمل، سرداب رود چالوس و چشمه کیله تنکابن.
- آب معدنی: آب های گرم روستاهای آب گرم، اسک و استراباکوه (بائیجان) در لاریجان آمل در مسیر جاده هراز، رامسر و سادات محله (رامسر) و آب سرد معدنی آمولو (آمل).



تصویر ۴-۱ جاذبه های گردشگری مازندران

- غارها: دانیال (سوادکوه)، اسک (لاریجان آمل) و هوتو در (بهشهر).
- پارکهای جنگلی: سی سنگان (نوشهر) و نور از بزرگترین و مهمترین پارکهای جنگلی استان و کشور هستند.
- جاده های توریستی: چالوس، هراز، فیروزکوه و سه خط طلای راه آهن سوادکوه) و پل ورسک)
- استان با جاذبه های فراوان طبیعی و تاریخی و وجود دهها هتل و مهمان پذیر و تأسیسات بین راهی متعدد، شرایط بسیار مناسبی را برای ورود ۱۲ میلیون گردشگر داخلی و خارجی به مازندران فراهم آورده است. (سایت شمال نیوز)

۱,۵ ویژه گی های شهر مرزن آباد

شهر مرزن آباد در کوهپایه های زیبای البرز در محل تلاقی دو رودخانه چالوس و براررود در دامنه تپه های کم ارتفاع منطقه بیرون بشم و کوهستان بخش مرزن آباد شهرستان چالوس قرار دارد و به واسطه شرایط خاص اقلیمی و آب و هوایی از گذشته بسیار دور محل سکونت بوده است. در کتاب البلدان در حدود ۱۲۰ سال قبل به شهر سعیدآباد مابین کلار و رویان اشاره شده است. سعیدآباد نام قدیمی شهر مرزن آباد بوده که در حال حاضر نام یکی از محلات شهر می باشد. این نام برگرفته از نام حاکم عرب دوران عباسی این منطقه بوده است که به نام سعید آباد نامگذاری شده بود و به سعیدآباد تغییر نام یافت.

مرزن آباد به واسطه وجود امامزاده خلیل که راه قدیمی از کنار آن می‌گذشت همواره مورد توجه قرار داشته و در دوران معاصر از حدود سال ۱۳۰۰ هجری شمسی تا سال ۱۳۱۰ هجری شمسی با احداث جاده زیبای چالوس و عبور آن از مرکز مرزن آباد و همچنین تأسیس پادگان بر اهمیت استراتژیک شهر افزوده شد.

در سال ۱۳۳۵ با پیشگامی عده‌ای از بزرگان با تلفیق محله‌های قدیمی مرزبان آباد، سعدآباد (سیدوامحله)، بابوده، کشک و کوهستان محله شهر مرزن آباد تأسیس گردید. جمعیت شهر در زمان تأسیس حدود ۳۰۰۰ نفر بوده است. و در حال حاضر جمعیت شهر ۷۳۴۵ نفر می‌باشد. که در سال ۱۳۸۹ با تشکیل کمیته‌ای تحت عنوان کمیته توسعه و آبادانی، توسط شورای اسلامی دوره سوم و شهرداری مرزن آباد، طرح بخش‌شدن مرزن آباد را به تصویب هیئت دولت رسید و از آذر ماه ۱۳۸۹ بخش مرزن آباد متعین بر دو دهستان بیرون بشم به مرکزیت "گویترا" و کوهستان به مرکزیت "طویر" به مرکزیت شهر مرزن آباد تشکیل گردید. در حال حاضر جمعیت بخش مرزن آباد حدود ۲۰ هزار نفر می‌باشد. (کیانی، ۱۳۹۴)



تصویر ۵-۱ تفرج‌گاه سعد آباد که در منطقه سعد آباد مرزن آباد واقع شده است

تاریخ مرزن آباد

تا قرن نهم هجری قمری نواحی ولایات رویان، رستم‌دار و مرزن آباد (سعیدآباد قدیم) در حکم یک منطقه محسوب می‌شدند. حتی زمانی تنکابن، کلارستاق، چالوس، کجور، طالقان و رودپار را یکجا در محدوده آن نوشتند. در این راستا به حکم ضرورت ابتدا باید از

چگونگی شکل‌گیری حکومت‌های گاوباریان و پادوسبانیان در رستم‌دار و رویان اشاره کرد. آن‌گاه ضمن بررسی رخدادها و رویدادهای رویان و رستم‌دار، به مرزن آباد نظر افکند تا به نتایج بهتر رسید و به اهمیت استراتژیکی منطقه پی برد. بهاء‌الدین محمد بن اسفندیار کاتب راجع به گاوباریان و پادوسبانیان می‌نویسد: "اولاد جاماسب و قصه گاوباره آن است که چون قباد پدر انوشیروان را به شاهنشاهی نشانند، جاماسب که کهتر برادر بود با قهر برادر بلاش موافق بود. او بگریخت به بار زمینه مقام ساخت از دربند بحرخرز و سقلات تافتها بر دو حدود آن ولایت مستخلص گردانید و آنجا متأهل شد" (اقبال آشتیانی، ۱۵۴: ۱۳۴۱).

وی می‌افزاید: «یکی از فرزندانش نرسی بود که در جنگ دربند خزر در گذشت پسر دیگر او فیروز که آمد به خوبی، یوسف عصر بود و یمروی رستم زال، ممالک اطراف دربند خزر را بزور تصاحب کرد. تا حدود گیلان را تصرف نمود سال‌ها تلاش کرد و سرانجام مستلم شد که وی مردی منقاد و مطیع است. از شاهزادگان گیلان زنی درخواست کرد که در اثر این ازدواج صاحب پسری شد به نام جیلان‌شاه و منجمان پیش‌بینی کردند که او صاحب پسری خواهد شد که به پادشاهی بزرگ تبدیل شود. تا اینکه این فرزند بزرگ شد و از او فرزندی خجسته طلعت ماه پیکر حق تعالی بوی داد.

اوراجیلان بن جیلان‌شاه نام گذاشتند. جیلان، پادشاهی بزرگ گردید. جمله گیل و دیلم، بر او اطاعت کردند و از منجمان می‌شنود که طبرستان از نو خواهد شد. ناییبی از آمانا و ثقات خود به گیلان منصوب کرد و دو سر گاوباگیلی پیاده روانه طبرستان شد و نایب اکابره آن وقت آذرولاش بود. ولایت خود را به او دادند. همراه او ملازمت کردند. به علت گرفتاری با اهل فارس، به خصومت عرب ترکان به طبرستان حمله می‌کردند. جیلان بن گیلان‌شاه گاوباره مبارزه و مجاهدی بود آوازه شجاعت او در طبرستان فاش شد. لقب «گاوباره» در زبان‌ها افتاد.

روزی آذربلاش، گفت به خانه می‌روم و فرزندان به خدمت به‌گمارم و خود به مطالعه می‌پردازم و دوباره به خدمت می‌آیم. اجازه بده تا به ولایت تو بیایم و ساز لشکر کرد حدود، هزار گیل و از دیلم، به طبرستان آمد. در این زمان بلاش (آذربلاش) چون مطلع شد. مُجَمَزی (شترسوار) نزد کسری یزدگرد فرستاد. خسرو انوشیروان، جواب داد که دقت کند این خارجی کیست؟ و از کدام قوم است؟ آذرولاش، بررسی کرد متوجه شد از داخله است «آذرولاش» حال باز کرد که مردی داخلی است پدران او از ارمینه آمدند و گیلان گرفتند. آنچه او انجام داده بود برای خسرو انوشیروان شرح داد. موبدان (روحانیون اهل دیوان زرتشتی)، دریافتند که جیل بن گیلان‌شاه گاوباره از نسل جاماسب برادر کوچک است. او صلاح در آن دیدند که به آذرولاش بفرستند. از او اطاعت نماید چون نامه رسید و گاوباره را

معلوم شد که پادشاه است با تحفه و هدایایی نزد او رفت و او را لقب گیل گیلان فرشواذجر شاه داد. پس از مدتی درگذشت، آذرولاش در میدان گوی بازی از اسب فرو افتاد مرد. در نتیجه همه نعمت و مال و ملک طبرستان که تصرف آذرولاش بود جملگی به جیل بن جیلان شاه گاوپاره رسید که آنرا سال ۳۵ عجمی نوشت. وی از گیلان تا گرگان را تصرف گردید و قصرهای عالی ساخت. اما دارالملک گیلان تا ۱۵ سال حاکم بود و سرانجام درگذشت. در همان جا دفن گردید. از گیل گیلان فرشواذجر شاه، دو پسر باقی ماند. یکی «دابویه» و دیگری گادوسبانان. دابویه مردی با سیاست و با هیبت بود و درشت خویی و بداخلاق. در گیلان بر تخت نشسته و پادوسبانان در رویان پادشاه شدند (آملی، اولیاء...، ۱۵۳: ۱۳۱۳).

رویان

رویان شهر بزرگی در کوهستان طبرستان و سرزمین پهناوری است. رویان به دست عمر بن علاء که صاحب کوشکی در ری بود گشوده شد. هم او رویان را آبادتر ساخت و مرکزیت داد. بین کوهستان رویان و دیلم، بازارها، رهگذرها و دیه‌هایی بود که مردم بسیار در آن زندگی می‌کردند. به هنگام خلافت هارون الرشید، ۴۵۰۰۰۰ درهم خراج بر آن بسته شد. گروهی از دانشمندان به رویان منسوب اند که یکی از آنان ابوالمحاسن عبدالواحد بن احمد رویانی طبری از پیشوایان مذهب شافعی سرآمد فقیهان زمان خود و صاحب کتاب‌های بسیار منجمله «التجريد» بود. وی در علم فقه کتابی شگرف بنام «البحر» را تصنیف کرد. مولف می‌گوید: «من جماعتی از فقهای خراسان را دیدم آنرا بر بسیاری کتب فقهی دیگری برتری می‌دادند. مولف معجم البلدان می‌نویسد: «این پیشوا که به سال ۴۱۰ هجری متولد شده بود بر اثر تعصبات، در محرم سال ۵۰۱ یا ۵۰۲ هجری در مسجد جامع آمل به شهادت رسید (حکیمان، ۱۳۶۸: ۲۲۷).

در ارتباط با این مسأله، آثار البلاد و اخبار البلاد، می‌نویسد: «رویان ناحیه ایست بین طبرستان و بحر خزر از ولایت مازندران که ابوالمحاسن رویانی از اهل رویان است و او اول کسی است که به الحاد و کفر اسماعیلیه فتوا داد. اسماعیلیه را مذهب آن بود که معلمی برای خلاق ضرور است که ایشان را تعلیم راه هدایت نماید و می‌باید مردم از سخن آن معلم بیرون نروند. ابوالمحاسن رویانی به قزوین آمده فتوا به الحاد اسماعیلیه داد. پس از مراجعه به رویان یک فدایی اسماعیلی به رویان رفته ابوالمحاسن را به قتل رسانید» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۴۲). اولیاء... آملی سال واقعه را ۵۰۱ یا ۵۰۲ هجری قمری نوشت.

ولایت کوهستانی رویان و رویانچ که هر دو در دامنه سلسله عمده کوه و بلاواسطه در شمال «ری» واقع بود، در ابتدا جزو دیلم، داخل بود، «شهر شالوس» را هم جز ولایت مزبور داخل می‌کردند. شهر عمده این ولایت «کچه کلار» بود. ولایت رویان فقط در زمان فرمانروایی «عمر بن علاء» که سکه‌های او از سنه هفتصد و هفتاد میلادی به بعد شروع می‌شود به طبرستان ملحق است. در چهار فرسخی «شالوس» مدینه محدثه، واقع شده بود. به قول بارتلد، مششرق آلمانی، به نقل از ابن فقیه همدانی می‌گوید:

«قسمتی از این ولایت که در دامنه جنوبی واقع بود از مرکز «ری» و قسمت شمالی آن از مرکز طبرستان اداره می‌شد. بارتلد به نقل از اصطخری نوشت که مردم رستم‌دار، سنی بودند ولی ملک کیومرث بن بیستون (۸۰۷-۸۵۷ هجری) اهالی رویان و رستم‌دار، را مجبور ساخت که به مذهب شیعه در آیند و ابوالقدا، در تقویم البلدان می‌نویسد: «شهر رویان به شهرستان نیز معروف و بر قلعه کوهستانی در ۱۶ فرسخی قزوین واقع بود...» رویان عمارت‌هایی زیبا داشت. نزدیک رویان شهر کوچک سعیدآباد، واقع بود (در نزدیکی مرزن آباد فعلی) ... رویان (که کجور هم خوانده می‌شد) در حمله مغول ویران شد. رابینو در کتاب (مازندران و استرآباد) و یاقوت حموی می‌نویسد: رویان پایتخت ناحیه کوهستانی طبرستان بود طوری که آمل مرکز قسمت جلگه‌ای و هموار آن بود. رویان دارای عمارت‌هایی زیبا، باغ‌های آن حاصل‌خیز و مشهور بود. فرمانروایان رویان دارای عنوان «استندار» بودند. از معروفترین سلسله‌های امرای رویان پادوسبانان بودند که از سال ۴۵ هجری تا ۱۰۰۶ هجری قمری حکومت آنها دوام داشت و هنگامی که در گذشت قلمرو او به این ترتیب بین دو پسرش تقسیم شد طوری که اسکندر در کجور منصوب شد و کاوس در نور به حکومت رسید. از عقاب آن امرای رستم‌دار می‌باشند که تا اوایل صفویه دارای خودمختاری بودند.

ولایت رستم‌دار یا رویان (کجور فعلی): رستم‌دار شامل کجور و کلارستاق و نور بوده است. حمدا... مستوفی در نزهه القلوب می‌نویسد: «ولایت رستم‌دار قریب سیصد پاره دیه از توابع طبرستان است. هواش به گرمی مایل است و میان قزوین و آمل در سمت غرب رویان قرار دارد. در کنار شاهرود رود شاهرود از شعبه سفیدرود واقع است.

از سوئی مولف کتاب جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، نام رستم‌دار را از یادگارهای دوران مغول می‌داند و معتقد است که گاهی هم بر رویان، اطلاق می‌شد و یا درباره حمله اولجایتو ایلخان مغول که در سال ۷۰۵ هجری قمری تصمیم به فتح ولایت گیلان گرفت. نقل می‌شود که امیر طغان و امیر مومن که از طرف کلاردشت و رستم‌دار عازم گیلان بودند به آسانی حدود شرقی آن خاک را مسلم ساختند و به لاهیجان پیش اولجایتو رفتند... (آشتیانی: ۱۳۶۵) و مولف کتاب «طبرستان و رویان و مازندران» نیز درباره رستم‌دار چنین

می‌نویسد: «فرزند سید مرتضی، سید محمد با فرزندان امیر سید محمد سید ناصر کیا بر او و سید احمد را به ضیافت به وثاق خود طلب داشتند و ضیافت لایق تقدیم اسب و باز متعدد و امتعه و اقمشه مناسب پیش کش کرده، روان گردانیدند عهد و محبت صداقت کرده و به جهت ضبط رستم‌دار. چنان مقرر شد که ناحیه نائل رستاق و کچه رستال را به ملک نوذر نامی از نبیره زاده‌های طوس ملک ماضی بدهند و این ملک توذر دخترزاده ملک کیومرث بود که مادرش را به ملک جهانگیر نامی داده بودند و...

پس از آشنایی اجمالی از رخدادهای ولایات رویان و رستم‌دار قدیم به بررسی میراث دار این ولایت مرزن‌آباد اشاره می‌شود.

مرزن‌آباد

به‌طور اجمالی در مورد وجه تسمیه مرزن‌آباد باید اذعان نمود که نام این شهر سعید آباد آمده است که حدوداً به فاصله یک کیلومتری از «قریه بابوده» فعلی به سمت شمال واقع بود. شهر سعیدآباد را یکی از سلاطین و حکام عرب زمان منصور دوانقی خلیفه عباسی به نام «سعید بن دعلج» بنا کرده بود. هنوز بنای شهر سعیدآباد به پایان نرسیده بود که حاکم قبلی عزل و شخصی دیگری بنام «عمر بن العلاء» از طرف خلیفه به حکومت این شهر منسوب شد. «عمر بن العلاء» شهر سعیدآباد را به اتمام رسانید و کاخ بسیار بزرگ و زیبا در آن بنا کرد با برج و بارو که محل و مقر حکومت رستم‌دار بود (آملی، ۱۳۱۳: ۴۷).



تصویر ۶-۱ نمایی از شهر مرزن‌آباد

عمر بن العلاء با مخالفت‌ها و فشارها و جنگ و گریز، مردم را به مرکز فراخواند و «خالد برمکی» پس از مدتی در این شهر حکومت کرد و بعد از خالد مجدداً عمرالعلاء، برای بار دوم یعنی در سال‌های ۱۵۴ الی ۱۵۸ هجری در این جا مقیم شد. چنان‌چه در تاریخ تصریح شد این شخص سه بار به حکومت سعیدآباد منسوب گردید. از سوئی عرب‌ها سال‌ها در این ولایت تاخت و تاز کردند. حتی حاکمی بی‌رحم و سفاک توسط (المتعصم بالله...) خلیفه عباسی به نام محمد بن اوس عنوان حاکم سعیدآباد منسوب کرد. وی فرزندی داشت به نام احمد بن اوس که او را به حکومت شالوس (چالوس) گماشت.

گفتنی است که تمامی این ولایت در آغاز به نام رستم‌دار شهرت داشت که شامل رویان- کجور- کلار و نور بود. مقر حکومت این ولایت گسترده و وسیع بوده و مرکز آن شهر سعیدآباد نام داشت. «محمد بن اوس» پس از استقرار در سعیدآباد به ظلم و ستم زیاد مشغول شد. به طوری که مالیات سه ساله را با قساوت و بی‌رحمی یک‌جا گرفت. این رویه مردم را به تنگ آورد و باعث گردید که بزرگان شهر سعیدآباد و قرب و جوار آن حرکتی دسته جمعی علیه او بنمایند. عریضه‌ای تهیه کرده توسط چند تن از افراد مشهور منطقه به یکی از علما ولایت کجور به نام «آقا سید محمد دبیر صالحانی یا محمد بن ابراهیم از نوادگان امام حسن» فرستادند و از وی درخواست کردند تا آن‌ها را یاری کند. وی گفت اگر فکر می‌کنید که من حاکم شما شوم هرگز نمی‌پذیرم. ولی اگر صلاح می‌دانید فردی را به شما معرفی کرده که حاکمی منصف و با ایمان است. او داماد خود را به نام سید حسن بن زید از پیروان مذهب زیدیه به آن‌ها معرفی کرد. سپس نامه‌ای به سید حسن بن زید نوشت که این نامه توسط سران سعیدآباد در شهر ری به وی رسید. او به محض خواندن نامه آن‌را بر دیده گذاشت و در روز بیست و پنجم ماه مبارک رمضان سال ۲۵۰ هجری وارد سعیدآباد شد. اهالی این منطقه با او بیعت کرده و سپس وی در روز بیست و هفتم ماه مبارک رمضان وارد رویان گردید و مردم آنجا نیز از او استقبال به عمل آورده و اطاعت کردند. بنابراین حکومت سید حسن بن زید تمام رستم‌دار را تحت شعاع خود قرار داد و بعدها تا مرز دامغان و سمنان گسترش یافت که در تاریخ به داعی کبیر شهرت یافت و او را بنیان‌گذار سلسله علویان در مازندران می‌دانند.

هر چند قسمت‌هایی از مرزن آباد فعلی به مساحت حدود ۹۰ هکتار آن هنوز با نام سعیدآباد مشهور است اما نام رسمی این شهر فعلاً مرزن آباد است. حال این که واژه مرزن آباد از کجا ناشی شده مورد بحث است. بنا بر روایتی بنای آن‌را از دیوی به نام «مرزبان

دیو» می‌دانند که در افسانه‌های محلی آمده که بر روی دو چنار کهن‌سال واقع در مرزن‌آباد بالا که حدوداً یک هزار سال قدمت دارد مسکن داشت. این دیو از کاروان‌هایی که از تهران به چالوس و بالعکس رفت و آمد می‌کردند یا به‌سوی کلار در حرکت بودند باج‌گیری می‌کرد تا بدین طریق امرارمعاش نماید. روایت دیگری نیز وجود دارد که پس از سلسله قاجار مالکیت کلیه املاک و اراضی محمدآباد واقع در مجاورت «پل کرات» یا کافه سلطانی فعلی تا روستای کرمایک متعلق به طایفه میار بوده است. به شخصی به نام ملک مرزبان نامی از این طایفه نسبت می‌دهند و معتقدند که مرزن‌آباد ابتدا «مرزبان‌آباد» بوده است. در سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ به مرزن‌آباد تغییر نام یافته و به مرور با تخفیف الف به مرزن-آباد تبدیل شد. شاید نظر اخیر به واقعیت نزدیک‌تر باشد که این هم دقیقاً مشخص نیست. اما اهالی مرزن‌آباد به نام‌گذاری اخیر بیشتر تأکید می‌کنند چرا که معتقدند بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان میرپنج پسران طایفه میار خصوصاً لطف‌علی خان معروف به سالار مکرم را به مرودشت شیراز تبعید کرد. املاک وی را تملک نمود و در مرودشت به عنوان معوض آب و ملک در اختیار او گذاشته است. حتی می‌گویند اراضی پادگان مرزن‌آباد نیز از املاک متعلق به طایفه میار است که پس از تصرف آن توسط رضاخان میرپنج به پادگان نظامی تبدیل شد که تا به امروز موجود است. به هر حال مرکزیت شهر مرزن‌آباد از سال ۱۳۳۰ هجری آغاز گردید که یکی از بخش‌های شهرستان چالوس است.

گروه‌های قومی مرزن‌آباد

اولین قومی که در مرزن‌آباد ساکن بود طایفه ی "متیکه" نام داشت. رئیس این طایفه " شیخ گل بابا متیکه" نام داشت که حکم او را مرحوم ملا علی رضا ملقب به "ردا" از روحانیون قریه‌ی پردن‌گون (در دوران ناصرالدین شاه)، به روی پوست آهو نوشته است. در قسمتی از ضلع شرقی مرزن‌آباد، "میارها" و "صیادها" اسکان داشتند و طایفه‌های دیگر، فاخری‌ها و نجارها بودند که به کشت و کار، گله‌داری، آسیابانی و غیره مشغول بودند. سپس در محله‌های قدیمی مرزن‌آباد، طایفه‌های سام و صیاد ساکن شدند (اقبال، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

گویش‌های مردم مرزن‌آباد

برخی از روستاهای مجاور این شهر و منطقه کلاردشت اغلب محل سکونت کردها بوده و به همین گویش تکلم می‌کردند. (مثل کلنو، مکارود، گویترا، بی‌قلعه، بنفشه ده، سنگ سرد، پیشنبور، واحد، طویدره، اوجابیت، تا حدودی رودبارک حتی حسنکیف و سایر مناطق

کلاردشت و بیرون بشم) در کل زمان نقل و انتقالات اکراد را به دوره زندیه و اوایل دوره قاجار از کردستان و کرمانشاه به کلاردشت و مناطق غرب چالوس و کجور نوشتند. از طرفی روایت می‌شود که این انتقال جمعیت از دوره آقا محمدخان قاجار انجام شد. البته در این باره مدارک متقن وجود ندارد که موید این نظریه باشد. در روایت دیگر آمده که در عصر افشاریه توسط نادرشاه به این منطقه کوچانده شدند. در اواخر سلطنت کریم‌خان زند بخشی از آنها به منطقه اصلی خود مراجعت کردند که مجدداً در عهد آقا محمدخان قاجار به منطقه مرزن آباد، کلاردشت، چالوس و کجور انتقال یافتند (دپلانول، ۱۳۵۸: ۸۷). به هرحال در این مورد نظریات ضد و نقیضی وجود دارد و سند رسمی در دست نیست. در حال حاضر مردم مرزن آباد به زبان گیلکی مرز آبادی صحبت می‌کنند و حدود ۹ روستا هم به زبان کردی کرمانشاهی تکلم می‌کنند.

روستاهای مرزن آباد

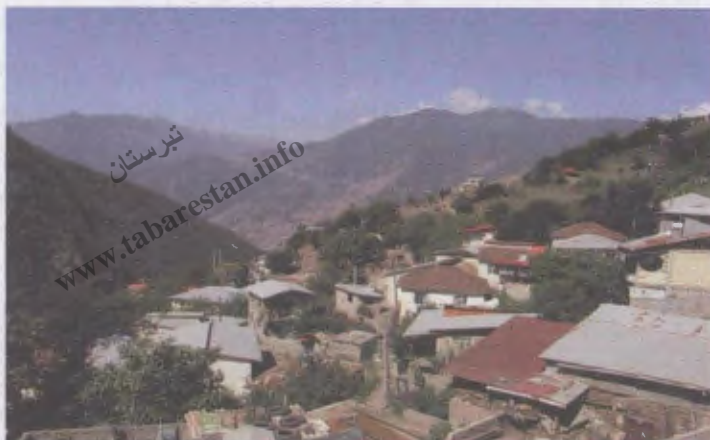
روستاهای قدیم مرزن آباد و اطراف آن عبارتند از: زنان، متکا رودبار، محمود آباد، لَکَه جار، میان دشت (محل میدان تیر فعلی پادگان شهید ادیبی) و رزان که هر یک از روستاها، تیره‌ها و طایفه‌های بومی خود را دارد. در بین روستاهای مرزن آباد، سه قریه دارای مراکز علمی و دینی است. قریه ی پردنگون که از سیصد سال قبل تا کنون، مرکز علم و ادب و روحانیت بوده است. روستای برار دارای روحانیون بزرگی چون مرحوم سید ذبیح الله مطهری و مرحوم حاج سید حجت الله موسوی بوده که از بانیان مسجد جامع چالوس می‌باشند. و روستای دلیر که مرحوم سید محمد تقی مطهری اهل آن جاست (اقبال، ۱۳۸۹: ۱۳۱).



تصویر ۷-۱ مصاحبه دکتر منصوری با ساکنین بومی روستای پردنگون مرزن آباد

وضعیت فعلی روستاهای مرزن آباد

به نقل از آقای کامران پولادی بخش‌دار مرزن آباد، در حال حاضر بخش مرزن آباد دارای ۱۰۴ روستا می‌باشد که از این تعداد ۴۶ روستا توسط شورای اسلامی اداره می‌شود. توضیح اینکه در مرزن آباد نزدیک به هفتاد درصد روستاها در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند و عموماً روستاها به یکدیگر نزدیک اند اما گاه بین ۲ روستا ۸۰ کیلومتر فاصله وجود دارد.



تصویر ۸-۱ نمای از روستای ولشت

اسامی روستاهای دهستان کوهستان:

دلیر، الیت، نوکرس، مچر، دزماکوتی، انگوران، گیجان، پولادکوسر، پولادکوه، سیاه بیشه، هریجان، ولی آباد، انارک، لارک، پل اوشن، ساطره، سیدخانه سر، مجار، لاروسر، ولشت، پنجک، آشیر، کریم آباد میانک،

رزان، گل پشت، اشکارت، باندر، سیدکلمسر، متکارودبار، ناتر، بیجدنو، فشکور، تله، مکار، آلی رو، کنس دره، مرس، کتیر، طویر، سرچشمه، دهنار، چال زمین، ده‌شهر، لیکر، مرادچال و میچ‌کار.

اسامی روستاهای دهستان بیرون بشم

کلنو، چلاجور، سماء سرکاء، دیمو، لرگان، بنفشه ده، شهری، سنگ سرک، گویتتر، گلکا، پردن‌گون، سنار، برار، آغوزداربن، کلاک، حریث، سیرگا، گوهرکلا، خشک دره، به کله (مرزن نیوز)

پوشش گیاهی و جانوری مرزن آباد

پوشش گیاهی

تاتوره، ختمی، گزنه، گلپر، مارشیر، قیطران، پونه، تمشگ، گل‌گاو زبان، زال زالسک، زرشک، صنوبر، توسکا تبریزی، چنار، ازار، راش، افرا، ون، بید مجنون و...

پوشش جانوری

یوز، خرس، پلنگ، گرگ، گورکن، کفتار، خرگوش، جوجه تیغی، سنجاب، لاس، گراز، آهو، گوزن، شوکا، گربه وحشی، کبوتر صحرائی، کلاغ، زاغ، شغال، روباه، عقاب، کرکس، سار، فاخته، بلدرچین، شانه به سر، قرقاول غاز وحشی، بلبل، کبک و...
تبرستان
www.tabarestan.info

باستان‌شناسی در مرزن آباد

با توجه به بررسی‌های انجام شده اولیه (مصاحبه با مطلعین محلی و بررسی اسناد موجود) در خصوص منطقه مرزن آباد مشخص گردید هیچ گونه پژوهش باستان‌شناسی اعم از بررسی‌های علمی و یا کاوش در مرزن آباد انجام نشده و یا اگر چنین پژوهش‌هایی صورت گرفته است گزارش مکتوب یا شفاهی از آن وجود ندارد (به نقل از آقای ابوالقاسم حاتمی باستان شناس).

فقط در منطقه کلاردشت در شمال مرزن آباد در یک کاوش تصادفی جام طلایی به صورت ریتون شیر دال با نقوش کنده به دست آمده که قدمت این جام حدود ۸۰۰ سال پیش از میلاد است. این جام هم اکنون در موزه ی ایران باستان موزه ی ملی ایران نگهداری می-شود جام مورد نظر به "جام کلاردشت"



تصویر ۹-۱ آقای حاتمی (باستان شناس) در حال جمع‌آوری نمونه سفال در منطقه قلعه گردن مرزن آباد به همراه آقای صیادی نژاد از آگاهان محلی

و "جام طلایی دو شیر" معروف است. مصاحبه‌های به عمل آمده با مردم بومی و روستاییان مرزن آباد به‌خصوص اهالی روستاهای برار، ولشت و دلیر مشخص گردید که در گذشته‌های نه چندان دور افرادی به صورت غیر علمی و غیر قانونی و گاه به‌صورت تصادفی حفاری‌هایی در گوشه و کنار روستاهای یاد شده و در دامنه‌های کم شیب تپه‌ها و کوه‌های اطراف روستاها انجام داده اند که از این حفاری‌ها اشیاء سفالی و ابزار فلزی از جنس مفرغ و آهن به‌خصوص ابزار آلات جنگی و همچنین وسائل تزئینی همانند گوشواره‌های مارپیچی طلا به دست آمده است. در ادامه بررسی‌های گذرا و اولیه باستان‌شناسی که توسط گروه باستان‌شناسی به سرپرستی آقای ابوالقاسم حاتمی در روستاهای نام برده انجام شد قطعاتی از سفال‌های قرمز رنگ خشن و ظریف که بعضی کاملاً پخته و بعضی نیم پخته بودند جمع‌آوری گردید و در مطالعات مقدماتی این سفال‌ها، شباهت آن‌ها به سفال‌های دوران تاریخی به‌خصوص آثار سفال دوران اشکانی (پارتی) مورد تأیید قرار گرفت.



تصویر ۱۰-۱ نمونه سفالهای جمع‌آوری شده در منطقه قلعه گردن

در نتیجه می‌توان گفت این قطعه سفال‌ها مربوط به قبرهایی بوده که در دامنه‌های شرقی کوه احداث شده و همراه مردگان دفن شده‌اند و به مرور در اثر فرسایش و یا دست‌کاری و دخالت انسان بر محیط زیست از دل کوه خارج و به اطراف پراکنده شده‌اند. همچنین در ادامه این بررسی‌ها قطعاتی از سفال‌های لعاب‌دار و بدون لعاب با تزئینات خطوط کوفی صدر اسلام و تزئینات لعاب‌پاشیده و یا کنده‌کاری‌های مربوط به قرون سوم

و چهارم هجری و همچنین سفال‌های مربوط به ظروف معروف به دیگچه‌های ایلخانی در منطقه دز بند در یک قلعه راه‌داری و دفاعی مشرف به جاده مرزن آباد به کندوان جمع آوری شد. این سفال‌ها گویای این است که از دوران تاریخی تا اواخر دوران ایلخانی استقرارهایی گسترده در این مناطق شکل گرفته و جاده تهران چالوس از هزاره‌های اول قبل از میلاد تا کنون احتمالا تنها جاده‌ی ارتباطی شمال - جنوب در این منطقه بوده است.

گاه‌شماری محلی

ماه‌های تبری در کلارستاق (مرزن آباد نیز در این منطقه واقع شده است) اندکی با قسمت‌های مازندران میانی از یک سو و دیلمان از سوی دیگر تفاوت دارند. این اسامی در واقع همان ماه‌های تبری هستند که به دلیل مجاورت با گیل و دیلم تأثیر اندکی از آن نیز پذیرفته و کمی متفاوت شده‌اند.

بن روز یا بن ما

از اول تا نهم هر ماه واژه‌ی "بن روز یا بن ما" را به دنبال دارد مانند: تیر ماه بنه پنج (بنه روز) یعنی ۵ روز اول از تیر ماه تبری کلارستاقی.

مادر مه: اولین روز هر ماه مادر مه نام دارد.

ماسر: آخرین روز هر ماه "ما سر" نام دارد.

اسامی ماه‌های معادل بهار خورشیدی

سیما: مادر مه (بن روز) ششم فروردین. ماسر: ۴ اردیبهشت

دی‌ما: مادر مه (بن روز) ۵ اردیبهشت، ماسر: ۳ خرداد

وهمن‌ما: مادر مه (بن روز) ۴ خرداد، ما سر: ۲ تیر

اسامی ماه‌های معادل تابستان خورشیدی

نورزما: مادرمه (بن روز) ۳ تیر، ماسر: ۱ مرداد

فردین‌ما: مادرمه (بن روز) ۲ مرداد، ماسر: ۳۱ مرداد

کرچ‌ما: مادرمه (بن روز) ۱ شهریور، ماسر: ۳۰ شهریور

اسامی ماه‌های معادل پاییز خورشیدی

خرا‌ما: مادر مه (بن روز) ۳۱ شهریور، ماسر: ۲۹ مهر

تیر‌ما: مادر مه (بن روز) ۳۰ مهر، ماسر: ۲۹ آبان

مردال ما: مادر مه (بن روز) ۳۰ آبان، ماسر: ۲۹ آذر
اسامی ماه‌های معادل زمستان خورشیدی
شروور ما: مادر مه (بن روز) ۳۰ آذر، ماسر: ۲۹ دی
میرما: مادر مه (بن روز) ۳۰ دی، ماسر: ۲۹ بهمن
انما: مادرمه (بن روز) ۳۰ بهمن، ماسر: ۲۹ اسفند (ابراهیمی، ۱۳۹۴).



تصویر ۱۱-۱: مصاحبه با آقای مومن توپا ابراهیمی پژوهشگر و نویسنده

صنعت گردشگری در مرزن آباد

امروزه بهترین بخش از اوقات فراغت افراد در همه جوامع به گردشگری اختصاص یافته و از این رو گردشگری برجسته‌های گوناگون زندگی انسان امروزی تاثیر فراوان گذارده و پیامدهای گوناگون اقتصادی اجتماعی و فرهنگی را نیز به همراه داشته است. از پیامدهای مثبت اقتصادی- اجتماعی گردشگری چنین می‌توان گفت که، گردشگری اقتصاد جهانی را کاملا تحت تاثیر قرار داده و منبعی مهم برای شکوفایی اقتصاد کشورهای در حال توسعه و برقرار کننده توازن مالی در اقتصاد بین الملل کشورهای فقیر و غنی به حساب می‌آید و در عین حال، زندگی اجتماعی جوامع را با ایجاد مشاغل گوناگون و ارتقای سطح درآمد و... تغییر داده است. البته در کنار این اثرات مثبت، گردشگری بر فرهنگ، آداب و رسوم و همه

جنبه‌ها و مظاهر فرهنگی و معنوی مردم نیز تاثیر قابل توجه داشته که بعضی از آن‌ها منفی تلقی می‌شوند.

سرزمین چهارفصل ایران دارای مناطق، آثار و شهرهای باستانی و تاریخی گوناگون گردشگری است. مناطق و شهرهایی که بر اساس ویژگی‌های منحصر به فردشان (از نظر داشتن محصولات کشاورزی و یا سوغات و...) علاوه بر نام اصلی به نام دیگری نیز مشهورند که این ویژه گی‌ها می‌توانند در جذب گردشگر موثر باشند، مثلاً شهر رشت را «شهر باران»، رودبار را «شهر زیتون»، لاهیجان را «شهر چای»، بابل را «شهر بهارنارنج»، سرعین را «شهر آب گرم‌های معدنی»، کرج را «ایران کوچک» می‌نامند. شهر مرزن آباد نیز به لحاظ موقعیت جغرافیا به شهر اکسیژن مشهور است (به نقل از مهندس جعفرردایی شهردار مرزن آباد).

زیرا این شهر در ارتفاع ۴۵۰ تا ۶۵۰ متر از سطح دریا قرار دارد. در جایی که رطوبت و بخار آب موجود در سطح بالایی نیست و وجود نسیم شبانه از کوه به دشت و روزانه از دشت به کوه از گپ هژا جلوگیری می‌نماید.

در ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر با وجود پاکی و لطافت هوا به علت فقدان آلاینده‌ها و گردوغبار کمبود اکسیژن مانع تنفس در حد نرمال می‌گردد. از طرفی در مناطق ساحلی به علت رطوبت بالا و وجود مقدار زیاد بخار آب پنهان در هوا علیرغم فشار هوای بالا تنفس دچار اختلال می‌گردد. بنابراین بهترین شرایط هوا از لحاظ فشار و غلظت را باید در ارتفاعی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از سطح دریا جستجو کرد. در مرزن آباد خبری از آلاینده‌ها و گردوغبار و دود هم نیست. وجود جنگل در گرداگرد شهر و درختان پرشمار که منبع و کارخانه اکسیژن سازی است خود یک مزیت محسوب می‌شود. هموطنان بسیاری که دچار بیماری قلبی، عروقی و تنفسی بودند با سکونت در شهر مرزن آباد بهبود یافته و یا از شدت بیماری آن‌ها کاسته شده است. بر این اساس منطقه مرزن آباد به عنوان مرکز اکسیژن درمانی طبیعی کشور می‌تواند مورد توجه گردشگران بویژه از منظر پزشکی و درمان (توریسم درمانی) قرار گیرد.

منطقه مرزن‌آباد به دلیل واقع شدن و گذر محورکندوان به‌عنوان یکی از زیباترین و پرترددترین محورهای مواصلاتی کشور از جایگاه بالایی برخوردار است. وجود دریاچه زیبا و گردشگری ولشت، بزرگترین سد تلمبه‌ای ذخیره‌ای کشور و همچنین برخورداری از نعماتی چون جنگل، کوه، رودخانه‌ها نهرها و

چشمه‌های متعدد بر زیبایی‌ها و اهمیت این بخش تاریخی و کهن افزوده است. بر این اساس منطقه خوش آب و هوای مرزن آباد در سال‌های اخیر پذیرای مسافران زیادی در غالب تورهای دسته‌جمعی و به صورت سفرهای خانوادگی بوده که این امر موجب رونق درآمد و کسب و کار مردم و صاحبان اماکن و هتل‌داران منطقه گشته است اما در عین حال با خود تغییرات فرهنگی - اجتماعی نیز به همراه داشته است.



تصویر ۱۲-۱: نمایی از روستای برار

در سال‌های اخیر گردشگرانی بی‌شماری از مناطق دریاچه و لشت، آب‌گرم دلیر، امامزاده فضل (فاضل) امامزاده خلیل، محوطه گردشگری ایت، لامره و چشم اندازهای کوهستان تکه و سایر مناطق گردشگری مرزن آباد دیدن نموده‌اند. بر این اساس باید در حوزه صنعت گردشگری در مرزن آباد اقدامات مناسب‌تری اعمال نمود و به شیوه صحیح‌تر؛ اصولی و علمی از این صنعت استفاده بهینه به عمل آورد و با ایجاد گردشگاه‌های زیبا و امن و با امکانات گردشگری بیشتر و پیشرفته‌تری هم‌چون هتل، واحدهای اقامتی، دفتر خدماتی، رستوران مجلل و بهداشتی چه در بین راه‌ها و چه در مقصد و احداث مجتمع‌های تفریحی و سالم به جذب گردشگر بیشتری همت گماشت و از طرف دیگر با برنامه‌ریزی دقیق و اصولی و به موازات این اقدامات به حفظ و نگهداری میراث فرهنگی، محیط طبیعی و آثار تاریخی منطقه نیز توجه داشت و علاوه بر آنها به تغییرات فرهنگی - اجتماعی حاصله از ورود بیش از حد گردشگران به منطقه نیز دقت نمود.

فرهنگ بسیج، جبهه و شهادت

مرزن آباد در دوران دفاع مقدس ۹۵ شهید، ۱۲۸ جانباز بسیجی بالای ۲۵ درصد، ۹۸ رزمنده بسیجی جانباز زیر ۲۵ درصد تقدیم انقلاب و اسلام نموده است و هم اکنون نیز ۵ هزار و ۳۵۰ بسیجی زن و مرد در ۲۴ پایگاه مقاومت بسیج روستایی و دو پایگاه بسیج شهری و گردان ۱۰۲ عاشورا در این منطقه در حال فعالیت هستند. (به نقل از آقای مجید درخشان فرمانده حوزه مقاومت امام حسن مجتبی)

نقش روحانیت در مرزن آباد

از روزگاران گذشته تا به حال روحانیت دارای قرب و ارزش والایی در منطقه مرزن آباد بوده و مردم در امور جاری زندگی خود به صور گوناگون از روحانیون و روحانیت کمک می گرفتند. به عنوان مثال برای انجام اموری هم چون استخاره و مشورت گرفتن در خصوص ازدواج و حل و فصل درگیری های گوناگون و... به روحانیون محله مراجعه می کردند. در زیر به برخی از وظایف روحانیت و نقش آنان از گذشته تا به امروز در منطقه مرزن آباد اشاره می شود:

- جاری نمودن خطبه ی عقد
- تلقین اذان و ذکر نام کودک در گوش او
- تشویق مردم برای دفاع از تمامیت ارضی و حفظ اعتقادات
- تشویق مردم به همکاری در امور موقوفات
- رفع اختلافات
- نظارت، هوشیاری و تنویر افکار عمومی در خصوص مسائل اجتماعی و در صورت نیاز حتی در امور سیاسی و نظامی
- ثبت اسناد و مدارک زمین، تاریخ تولد یا فوت اشخاص که عموماً در پشت قرآن ثبت می شد
- تدریس قرآن مجید به دانش آموزان در مکتب خانه
- تلقین شهادتین و بر پایی نماز میت
- فعالیت در امور عمران و آبادانی برای ساخت مسجد، درمانگاه، مکتب خانه و...

بنابراین با توجه به نکات ذکر شده روحانیون اعم از روحانیون با تحصیلات حوزوی و یا روحانیون منبری بدون تحصیلات حوزوی در تمامی مراحل زندگی افراد نقش تاثیرگذار بر عهده داشته و دارند به عبارت دیگر روحانیون از بدو تولد با تلقین اذان و ذکر نام کودک در گوش او تا پایان یافتن زندگی افراد با تلقین شهادتین و نماز میت همراه همیشگی این مردم می‌باشند و به شهادت تاریخ افراد نامی قابل توجهی را در خود تربیت نموده است، که می‌توان از حضور بزرگانی همچون:

- علامه ملاعلی فاخر (که پیکر پاکش در نجف دفن شده)
- ملا علیرضا ردا از علمای بنام منطقه کلارستاق ساکن روستای پردنگون
- شیخ حسن فاخری زاده
- آیت الله کلارستاقی
- آیت الله ذبیح الله مطهری و... در منطقه مرزن آباد نام برد (به نقل از آقای محمود علی - خانی امام جمعه مرزن آباد).

تاریخچه و اهمیت این شهر را در دوره ساسانیان، صفویه و قاجاریان بررسی می‌کند. در ادامه، به بررسی معماری و هنر این شهر می‌پردازد و به معرفی بناهای تاریخی و آثار هنری آن می‌پردازد. در پایان، به بررسی وضعیت کنونی این شهر و تلاش‌ها برای احیای آن می‌پردازد.

تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان، سرزمین کهن و باستانی ایران، دارای تمدنی با بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت است.

فصل دوم

سنت‌های رفتاری

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه

سنت‌های رفتاری مجموعه رفتارهایی است که در جامعه میان عده زیادی از افراد مشترک است و نوعی فشار عمل کردن به آنها وجود دارد و جنبه غیر شخصی و الگویی دارد. سنت‌های رفتاری ریشه در نظام ارزش‌ها و باورهای جامعه دارند و برای جامعه مهم تلقی می‌شوند اما میزان اهمیت آنها یکسان نیست. برخی مهم‌تر بوده و عدم توجه به آنها مجازات به همراه دارد و برخی دیگر با فشار اجتماعی با ضمانت اجرایی کمتری توأم است.

سنت‌های رفتاری که در مرزن آباد بررسی شده اند عبارتند از:

۱- مراسم و مناسکی که در یک سال هجری در مرزن آباد انجام می‌شوند.

۲- آئین‌ها و مراسمی که در گردش یک سال قمری در مرزن آباد انجام می‌شوند.

۳- آئین‌ها و جشن‌های منطقه‌ای و محلی

۴- بازی‌های محلی

۵- ورزش و تفریحات منطقه‌ای و محلی

۶- آئین‌ها و مراسم مربوط به فعالیت‌های تولیدی

۷- موسیقی محلی

(۲،۱) مراسمی که در یک سال هجری در مرزن آباد انجام می‌شود:

در مرزن آباد آیین‌های گوناگونی در یک سال هجری برگزار می‌شود. اما معروف‌ترین آن‌ها مراسم نوروز است. این مراسم به دو قسمت آیین‌های پیش‌نوروزی و آیین‌های آغاز سال نو

قابل تقسیم است. ناگفته نماند برخی از این آیین‌ها به طور کلی از یاد رفته و انجام نمی‌شوند و برخی از آن‌ها به مرور زمان تغییر کرده و به شیوه دیگری انجام می‌شوند.

آیین‌های پیش نوروزی

نوروز خوانی

نوروز خوانی نوعی خبررسانی و آگاه‌سازی مردم از فرا رسیدن بهار و نوروز باستانی و عید ملی ایرانیان است که از دیرباز در مرزن آباد شناخته شده است. این آیین دارای ویژگی‌هایی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در پی می‌آید: تبرستان
- زمان آمدن نوروزی خوانان، حدوداً از اول اسفند ماه هر سال تا شب چهارشنبه سوری و گاه تا شب آغاز سال نو بود.

- نوروزی خوانان، افراد شناخته شده و معمولاً با سواد روستایی بودند و بعضی از آنان به شکلی افراد پر نفوذ در روستا به حساب می‌آمدند و نوروزی خوانی فقط بخشی از کارشان را تشکیل می‌داد، زیرا در زمان‌های مختلف سال، مرثیه می‌خواندند و تعزیه و شبیه خوانی اجرا می‌کردند.

- گروه نوروزی خوان، معمولاً بین سه تا پنج نفر عضو داشت.

در هر گروه یک نفر مسن و باتجربه، که اشعار اصلی نوروزی را حفظ داشت، سرخوان محسوب می‌شد. او بداهه‌گویی و بداهه‌خوان هم بود و با توجه به شناختی که از مردم روستا داشت و یا با پرس و جو به دست می‌آورد و به ذهن می‌سپرد. در وصف افراد خانواده‌ها، در حد اندک سواد می‌داشت، فی البداهه اشعاری می‌سرود که بیش‌تر از وزن و قافیه برخوردار بود و همین بداهه‌گویی‌ها بر میزان هدایا می‌افزود و درآمد بیش‌تری نصیب نوروزی خوانان می‌کرد.

هدایای مردم به نوروزی خوانان مقداری برنج، چند عدد تخم مرغ، لباس، گندم، قند، چای خشک، شکر و امثال آن‌ها بود. نوروزی خوان‌ها دریافت پول را بیشتر می‌پسندیدند.

دعا کردن نشان پایان یافتن نوروزی خوانی بود. سرخوان دعا می‌کرد و دیگران آمین می‌گفتند:

در روستاهای طویر و پردن کون مرزن آباد مراسم نوروز خوانی به قرار زیر انجام می‌شد: وقتی زمین گرم می‌شد و زیر برف آب می‌افتاد و بهمن سرازیر می‌شد صخره‌هایی بر اثر چکه‌ی آب یخ می‌زد و آویزان می‌شد. این‌ها نشانه‌های بهار بود و گفته می‌شد که "زمین

دزدی نَفِس بکشیه" آهسته آهسته نوروز خوان ها با سرازیر شدن بهمن و فروریختن یخ ها از دامنه ی صخره سر و کله شان پیدا می شد. نوروز خوان ها یک تیم معمولاً سه، چهار و یا پنج نفره بودند و از سه نفر کمتر و از پنج نفر بیشتر نمی شدند. هر چندگاهی پیش می آمد که نوروز خوان های ماهری بودند که به صورت تک خوانی هم می رفتند. ولی آن سوز و استقبال نوروز خوان های گروهی که با هم هم خوان بودند را نداشت. در ترکیب این نوروز خوان ها، نوروز خوان اصلی باید طبع شعری می داشت چون هیچ شعر از پیش حفظ شده ای را نمی خواند و منزل هر شخص شعری متفاوت می خواندند. مثلاً جلو خانه ای می رفت و شروع به خواندن می کرد مادرشوهر، پسران، دختران، و عروس های تازه وارد به خانواده ها را در نظر می گرفت. حال از کجا می فهمید که فرد مخاطب تازه عروس است یا نه؟ از لباس های او به گونه ای که عروس ها معمولاً یکی دو سال اول جلو زلف هایشان را می کشیدند و می گفتند چت بزا. و نوروز خوان ها آدم ها را نگاه می کردند و با توجه به ویژگی ظاهری شان برای آنان شعر می خواندند. و در آخر از طرف خانواده هدایایی از قبیل تخم مرغ، قند، نان های خانگی و ... دریافت می کردند و با جمع آوری هدایا بین گروه خود تقسیم می کردند. سپس مراسم با دعای خیر برای خیرین به پایان می رسید.

خانه تکانی

امور مربوط به عید نوروز در مرزن آباد معمولاً از ۱۵ - ۱۰ اسفندماه آغاز می شود و مقدمات این جشن مانند خانه تکانی، خریدهای نوروزی، فراهم نمودن آجیل، شیرینی، نان های محلی، خرید وسایل سفره ی هفت سین، لباس نو و ... تا عصر سه شنبه ی آخر سال پایان می پذیرد. خانه و کاشانه، برای نوروز، شسته، معطر و تمیز می شود. نشانه های سال نو با خانه تکانی هویدا می گردد و مردم با دقت و حوصله خاص خانه تکانی را آغاز می کنند. تا چندی پیش در مرزن آباد رسم بود برای ورود به سال نو دیوارها را به منظور زیبا سازی و تمیزی، گل مالی کنند. اگر خانواده ای بضاعت مالی خوبی داشت در قسمت پائین دیوار از گل سفید استفاده می نمود و در قسمت بالا گل معمولی به کار می برد ولی خانواده هایی که بضاعت مالی خوبی نداشتند یک دست از گل معمولی استفاده می کردند. در اکثر روستاهای مرزن آباد مراسم گل مالی مهم ترین بخش مراسم خانه تکانی محسوب می شد گاه همسایه ها و اقوام برای خانه تکانی به هم یاری و مدد هم می رفتند و این عمل به صورت کمک متقابل انجام می شد.

کاشت سبزه

از مقدمات سال نو تهیه سبزه است که مردم به تهیهی آن سخت توجه دارند زیرا بر آن باورند که هنگام تحویل سال چشمشان باید به سبزه بیافتد تا زندگی در طول سال نو برای آن‌ها پرخیر و برکت باشد. در شهر مرزن آباد نیز چندروز مانده به عید نوروز (حدود ۱۵ اسفند به بعد) در داخل کاسه یا بشقابی مقداری گندم یا شاهی ریخته و پارچه نازکی روی آن کشیده و به آن آب می‌دهند، تا گندم یا شاهی سبز شود و برای روز عید آماده گردد. گاه تخم شاهی را به نشانهی رزق و روزی بر روی کوزه سبز می‌کنند. البته در حال حاضر بعضی از خانواده‌ها سبزه آماده را از بازار تهیه می‌کنند. سبزه مورد نظر باید تا روز سیزده نوروز نگهداری و در سیزده بدر طی مراسمی بدور انداخته شود.

آیین «چل چل خای»

با نزدیک شدن فصل بهار در مرزن آباد گلی به نام چل چل خای سر از خاک بیرون می‌آورد که اولین کسی که آن را می‌یافت خوش‌شانس‌ترین فرد محسوب می‌شد. او گل را از جای کنده و به خانه می‌آورد تا توسط کودکان به درب منازل برده شود و با خواندن این کلام موزون: «چل چل خای، تپ پیر خای، مپ پیرخای، هر دوکله سرآمی» عمردیو سرما را پایان یافته تلقی کنند و خبر رویش اولین نماد تجدید حیات زمین را به دیگران نیز برسانند تا آنان را در شادی خود شریک گردانند. و به ازای آن مزدگانی دریافت کنند. مزدگانی معمولاً تخم مرغ یا شاخه‌ای نبات بود.

معنی و مفهوم این عبارت چنین است: «این گل چل چل خای است که، پدر تو در آرزوی دیدنش بود، پدر من نیز آن را در آرزوهایش می‌خواست اکنون در کنار چپر سربرآورد»

چهارشنبه سوری

یکی از جشن‌های آتش که در ایران باستان برای پیش درآمد یا پیش‌باز نوروز برگزار می‌شد و آمیزه‌ای از چند آیین گوناگون بود، جشن سوری نام داشت. سوری به معنی سرخی است و اشاره به سرخی آتشی است که در این روز بر افروخته می‌شد. در تاریخ بخارا آمده است: «چون امیر سدید منصور بن نوح به ملک نشست، هنوز سال تمام نشده بود که در شب سوری چنان که عادت قدیم است آتشی عظیم افروختند.» این آتش را در شب سوری که هم‌زمان با روزهای «بهیژک» یا «پنچه دزدیده» بود

برای گریزانیدن سرما و فراخوانی گرما، آن هم بیشتر بر روی بامها می‌افروختند که هم شگون داشته و هم به باور پیشینیان، تنوره آتش و دود بر بامها، فروهر درگذشتگان را به خانه‌های خود رهنمون می‌کرده‌است.

به دیگر سخن این آتش‌افروزی بر بام خانه‌ها، آخرین گام از آیین‌های «گاهنبار پنجه» یا ده روز پایان سال است. این ده روز را ده روز فروردیان یا فروردیگان می‌گویند که دربرگیرنده پنجه کوچک (پنج روز نخست- از ماه اسفند در گاه‌شماری زرتشتی، برابر با بیست و پنجم اسفند ماه بنا به گاه‌شمار رسمی کشور) و پنجه بزرگ (پنجه دزدیه، پنج روز پایان سال) می‌باشد.

چند روز پیش از نوروز مردمانی به نام آتش‌افروزان که پیام‌آور این جشن مقدس بودند به شهرها و روستاها می‌رفتند تا مردم را برای این آیین آماده کنند. آتش‌افروزان، زنان و مردانی هنرمند بودند که با برگزاری نمایش‌های خیابانی، دست‌افشانی‌ها، سرودها و آوازهای شورانگیز به سرگرم کردن و خشنود ساختن مردمان می‌پرداختند؛ آنها از هفت روز پیش از نوروز تا دو هفته پس از نوروز با پدید آمدن تاریکی شام‌گاه، در تمامی نقاط شهر و ده آتش می‌افروختند و آن را تا برآمدن خورشید روشن نگاه می‌داشتند. این آتش، نماد و نشانه نیروی مهر و نور و دوستی بود. هدف آتش‌افروزان برگرداندن نیروی فزاینده و نیک به مردمان برای چیره شدن بر غم و افسردگی بود. همین هدف مهم‌ترین دلیل برپایی جشن سده در میانه زمستان هم هست (رضی: ۱۳۸۴). آیین آتش‌افروزی تا روزگار ما بر جای مانده و نام «چهارشنبه سوری» بر خود گرفته است.

در مرزن آباد نیز این سنت کم و بیش حفظ و در چهارشنبه آخر هر سال اجرا می‌شود. در این منطقه برای برافروختن آتش مقداری کاه یا بوته جمع‌آوری می‌شود و در حیاط خانه یا در کوچه یا یک میدان باز آتش افروخته می‌شود و شعر زردی من از تو سرخی تو از من را زمزمه می‌کنند بدین نیت که بیماری‌ها و ناخوشی‌ها را به دور ریزند و سلامتی و تندرستی را طلب کنند.

در مرزن آباد سبزی پلو و کوکو و گاه غذاهای دیگری هم چون بورانی یا انواع تره حلوا زینت بخش سفره‌ی شام چهارشنبه سوری است.

در گذشته نه چندان دور در بعضی از روستاهای مرزن آباد برای شب چهارشنبه سوری کله پاچه طبخ می‌شد به این کله پاچه که به صورت تنوری پخته می‌شد "پت مین" می‌گفتند یعنی از نوع پختنی‌ها.

آیین‌های آغاز سال نو

رسم "مادرمج"

یکی از آیین‌های آغاز سال نو در مرزن آباد رسم "مادرمج" بود. (مادرمج یعنی ماه در آن قدم می‌گذاریم / ما = ماه) در مرزن آباد معمولاً کودکان و نوجوانان به عنوان مادرمج انتخاب می‌شدند و مادرمج حق داشت صبح‌دم و پیش از هرگونه ورود و خروج درب را بگشاید و وارد خانه شود. انتخاب مادرمج به عهده‌ی مادران و مادر بزرگ‌ها بود. آن‌ها قبل از درنظر گرفتن مادرمج مورد نظر، استخاره می‌کردند، اگر خوب می‌آمد موضوع را از شب قبل به فرد منتخب اطلاع می‌دادند. گاه پیش می‌آمد که یک کودک یا نوجوان مودب و خوش‌نام «مادر مج» چند خانواده می‌شد و چون کار سختی نبود از عهده آن برمی‌آمد. مادرمج پیش از بر عهده گرفتن این وظیفه، لباس تمیز می‌پوشید. و با این کار پلیدی‌ها را از خود دور می‌کرد و چون فرشتگان درب خانه را می‌گشود تا روز، ماه و سال نو را با خود به درون بیاورد.

برای مادر مج شدن در روز نوروز مقدمات کار و مواد و ابزاری خاص نیاز بود. گل چل‌چل‌خای، دسته‌ای سبزه که معمولاً از جوانه‌ها و برگ گیاه چمنی «ریکک» برمی‌چیدند، مقداری حبه نبات و اگر نبود «قند» به همراه کتاب آسمانی در پوششی از جامه‌ی سبزه، آینه، شمع و یا فانوس که باید توسط مادرمج روشن می‌شد، حبه سیر، مقداری سرکه، سکه و تعدادی سیب جنگلی خشک شده که از پاییز برای چنین روزی تدارک دیده شده بود محتویات مجمعه‌ی مادر مج را تشکیل می‌داد. مادرمج از نظر همگان شخصیتی قدیس‌گونه بود که احترامش بر همه واجب بود.

مادر مج گاه از میان خانواده انتخاب می‌شد و گاهی از میان کودکان همسایه، اگر از همسایگان بود به طور معمول ابزار ذکر شده را در یک سینی یا مجمعه گذاشته صبح‌دم با در زدن وارد خانه می‌شد و مورد استقبال قرار می‌گرفت. ولی اگر از میان عضوی از اعضای خانواده بود شب را در اتاقی دیگر به سر می‌برد و صبح وارد اطاق یا سالن عمومی می‌شد. با ورود «مادرمج» خانه از شادی و شغف پر می‌شد و تک تک افراد خانواده به رسم احترام به دست بوسی کهنسالان خانواده اعم از پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر و مادر و همچنین برادریا خواهر بزرگ رفته و همدیگر را در آغوش می‌گرفتند و بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها عیدی می‌دادند. عیدی معمولاً به صورت غیر نقدی بود. تخم مرغ رنگ کرده، شیرینی و نبات، و گاه دستمال گردن یا جوراب.

گاهی پیش می آمد که بعضی از خانواده ها مادرمج خود را از میان حیوانات برمی گزیدند، این حیوانات باید ویژگی خاص و خصوصیات مثبتی می داشتند (حیوان خوش یمن)! مثلاً ممکن بود پرشیرترین گاو در میان گاوها، مادرمج شود یا ورزوی (گاو نر) شخم زنی که همه ی زمین ها با زور و نیروی او آباد می گردید یا حتی اسب بارکشی که همه جا یار و یاور خانواده بود به عنوان مادرمج برگزیده شود. اگر مادرمج حیوان بود حتما کسی آن را هدایت می کرد و شخص هادی نیز با استخاره برگزیده می شد.

کسی که حیوان مادرمج را وارد خانه می کرد باید سحرگاه بیدار می شد و حیوان را می آراست. شاخ های او را تمیز می کرد، به پاهایش پاپوش می پوشانید، برگردنش دستمال می بست و پشم دمش را شانه کرده، آن را با منگوله ای تزئین می نمود و به پیشانی اش حنا می بست. حیوان که به داخل خانه آورده می شد همه در پیش پای او بلند می شدند و بعضی ها پیشانی او و همراهش را می بوسیدند این حیوان در طولیه نیز با علوفه پذیرایی می شد و هدایای مادرمج را به کسی می دادند که همراه حیوان آمده بود.

آنچه که مادرمج با خود آورده بود در واقع همان سفره ی هفت سین خانواده ها محسوب می شد. کمتر پیش می آمد که همه ی اجزاء هفت سین در مجمعه باشد. این موضوع بسته به وسع مالی خانواده ها داشت. در خانواده های متوسط حتما سفره کامل بود اما برای خانواده های معمولی به هر مقدار که امکان آماده کردن آن وجود داشت بسنده می کردند. ولی پای ثابت این سفره گل چل چل خای و سبزه بود.

چراغ یا «فانوس» روشنی را که مادرمج با خود می آورد تا ظهر سبزه بدر هم چنان میبایستی روشن نگاه داشته می شد.

سفره ی نوروزی

درسفره نوروزی ایرانیان هفت چیز وجود دارد. این هفت عنصر نمادین عبارتند از: سبزه، سنبل، سیب سمنو، سنجد، سیر و سپند.

«سبزه» نو دمیده است، «سنبل» خوش بر و خوشبو، «سیب» میوه بهشتی و نمادی از زایش، «سمنو» مائده تهیه شده از جوانه گندم که یادآور بخشی از آیین های باستانی ایران است، «سنجد» که بوی برگ و شکوفه درخت آن محرک عشق و دلباختگی است، «سیر» دارویی برای تندرستی، «سپند» به معنی «مقدس» که دورکننده بیماری ها و دافع چشم بد است.

اما وسایل سفره ی نوروزی در مرزن آباد و روستاها ان متنوع تراست. مشترکات این سفره‌ها علاوه بر هفت سین عبارتند از: قرآن کریم، آینه، ماهی قرمز، نان‌های محلی، حلوهای خانگی، برنج، تخم مرغ رنگی، نبات، پنیر و گاه هر چیزی که در خانه برای پذیرایی وجود داشته باشد بر روی سفره هفت سین گذاشته می‌شود.

در گذشته علاوه بر این موارد بعضی از روستاییان مرزن آبادی بر سفره ی نوروزی حنا می‌گذاشتند و آن را بعد از تحویل سال بر کف دست و ناخن‌ها می‌نهادند.

دیدارهای نوروزی

در روستای‌های مرزن آباد در آغاز سال نو ابتدا مردان روستا به راه می‌افتند و به خانه‌ای می‌روند که سال پیش یکی از اعضای خانواده شان فوت نموده است. بعد از طلب آمرزش و شیرین کردن دهان، مرد یا پسر بزرگ خانواده را با خود همراه می‌آوردند. آن‌گاه به خانه ی مسن ترین فرد در ده می‌روند و به همین ترتیب به همه ی خانه‌ها سر می‌زنند.

در گذشته نه چندان دور در مرزن آباد اگر در خانواده‌ای فردی تازه ازدواج کرده بود و این اولین عید در زمان ازدواجشان بود خانواده‌ی داماد همراه با فامیل‌های دیگر برای مبارک باد به خانه ی عروس می‌رفتند و هر دو خانواده متقابلاً به هم عیدی می‌دادند. این رسم هنوز هم در مرزن آباد رواج دارد منتهی از سادگی زمان قدیم خارج و بر تجملات آن افزوده شده است.

سیزده بدر

در فرهنگ عامه مردم ایران عدد سیزده نحس است و تا جایی که امکان داشته باشد از به‌کار بردن آن پرهیز می‌شود. حتی امروزه بعضی از مردم در به‌کار بردن این عدد در پلاک خانه‌های خود پرهیز می‌کنند و به پیروی از نیاکان و سنن باستانی، معتقدند که روز سیزدهم فروردین باید پا از خانه بیرون گذاشت و به باغ و صحرا رفت و این روز را در داخل طبیعت گذراند. به همین لحاظ چند روز قبل با هم فکری و مشورت اعضای خانواده و فامیل مکانی را در نظر گرفته و با تهیه و وسایل خورد و خوراک روز سیزدهم عازم آن مکان می‌شوند و از صبح تا عصر به تفریح و گشت و گذار می‌پردازند و معمولاً سبزه ی عید خود را با خود برده و گره زده و به آب می‌اندازند.

از سحرگاه چهاردهمین روز سال، همه چیز در مرزن آباد به روال عادی بر می‌گردد. همه زندگی عادی و روزمره ی خود را با امید و روحیه‌ای شاد آغاز می‌کنند. زیرا آغاز سال را با

آرزوی نیک بختی و تندرستی در دامن طبیعت، پشت سر نهاده اند و گمان دارند که بقیه ی سال خوب و با برکت خواهد بود.

در مرزن آباد آیین سیزده بدر اگرچه همچنان تداوم دارد اما سنن مربوط به آن همراه با تغییرات فرهنگی تغییر در نوع معیشت به خصوص با انقراض شیوه سنتی دام داری دست-خوش تغییرات شده است. در این قسمت به یک مورد از مراسمی که در سیزده بدر در مرزن آباد تا گذشته نچندان دور (با توجه به معیشت وابسته به دامداری این مردم انجام می شد) اشاره می شود.

مراسم شاخ آنا

شاخ آنا (آنا=اندازه) مسابقه ای بود که در روز سیزده بدر در میان دام دارانی که به اصطلاح ریزمال داشتند انجام می شد (ریزمال به بز و گوسفند گفته می شد). در آن ایام معمولاً دام-داری موفق تر بود که شاخ بزغاله او از شاخ بزغاله ی دیگران بلندتر باشد. در این روز پس از ورزا جنگ، مسابقه «شاخ آنا» انجام می شد. شبانان در این روز چابک ترین بزغاله ای را که حتما بلندترین شاخ را هم داشت به میدان می آوردند و داور با نخ یا چوبی نازک به نام «آنا چو» شاخ هارا اندازه می گرفت و با چاقو بر روی چوب، اندازه شاخ بزغاله هرکسی را علامت می زد. هر بزغاله ای که بلندترین شاخ را داشت صاحبش لایق عنوان دام دار نمونه شناخته می شد و ضمن دریافت هدایای نقدی و غیرنقدی مورد تشویق همگان قرار می گرفت و در پایان مسابقه روش پرورشی خود را برای همه توضیح می داد تا دیگران نیز از او یاد بگیرند. در شیوه ی دام داری سنتی معمولاً بزغاله ها تا روز سیزده بدر در طویله به سر می بردند و به هیچ وجه دامداران آن ها را از «کرس» بیرون نمی آوردند زیرا بیم داشتند سرمایه گزنده ی زمستان به آن ها آسیب وارد کند اما در روز سیزده بدر برای اولین بار بزغاله ها را با گله همراه می کردند و دیگر از سرما هراسی نداشتند.

دامداران چنین آیینی را «سر به مار» می نامیدند (سر به مار = بطرف مادر).

۲،۲) آئین ها و مراسمی که در گردش یک سال قمری در مرزن آباد انجام می شوند

منظور آئین هایی هستند که در گردش یک سال قمری قرار می گیرند و برگزاری آن ها به روز یا روزهای معینی از این تقویم وابسته است. مانند مراسم سوگواری محرم و روز عاشورا که معمولاً از روز اول تا دهم محرم برگزار می شود. آئین ها و مراسمی که بر اساس این تقویم انجام می گیرند. عمدتاً در شمار مراسم مذهبی اسلامی محسوب می شوند. ضمناً این

نکته گفتنی است که در روزگاران کهن در بیشتر فرهنگ‌های جهان، ماه معیار تقسیم بندی زمان بود و چه بسا که آثاری از تقویم‌های کهن هنوز در لابلای عناصر فرهنگی مناطق دور افتاده باقی مانده باشد. در این قسمت به مهم ترین این مراسم که در مرزن آباد انجام می‌گردد اشاره می‌شود.

ماه مبارک رمضان

شروع ماه مبارک رمضان در مرزن آباد به مانند بسیاری از نقاط دیگر ایران با غبارروبی مساجد و امامزاده‌ها توسط اهالی محل آغاز می‌شود. گرفتن روزه پیشواز که در اغلب مناطق مازندران یک روز و در برخی مناطق نیز سه روز است، دیگر رسم مهم مردم مرزن آباد در استقبال از ماه خدا محسوب می‌شود.

در ماه مبارک رمضان معمولاً تمامی سی شب، مردم مرزن آباد در مساجد و تکایا برنامه‌های مذهبی مختلفی را انجام می‌دهند و اکثر آنان خود را موظف می‌دانند که به مسجد بروند و اگر در محله روحانی وجود داشته باشد برای سخنرانی بعد از نماز مردم را بی نصیب نمی‌گذارد. معمولاً مراسم نماز بعد از افطار صورت می‌گیرد. در قدیم رسم بود هر خانواده خود را موظف بداند تا روحانی محل را برای افطار به خانه خود به صورت نوبتی دعوت کند. در این منطقه شب‌های قدر و مخصوصاً شب نوزدهم و بیست یکم شب ضربت خوردن و شهادت امام علی (ع) بسیار مورد توجه است و در تمامی مساجد یا تکایا مردم در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند.

در مرزن آباد در شب‌های قدر نوحه خوانی و سخنرانی مذهبی توسط روحانیون و مداحان انجام می‌شود. در قدیم افرادی بودند که بدون داشتن سواد مدرسه یا مکتب، تمامی دعای جوش کبیر را حفظ بودند که از آنان برای قرائت این دعا استفاده می‌شد.

یکی از مهم‌ترین رسوم اهالی مرزن آباد در ایام ماه مبارک رمضان برگزاری «نذر ختم انعام» است. در این منطقه افرادی که حاجتی دارند، برای برآورده شدن آن طی ماه رمضان نذر ختم انعام می‌کنند و برای این کار از افراد دارای مهارت در قرائت قرآن برای حضور در خانه خود دعوت می‌کنند. آن‌ها هنگام خواندن قرآن، مقداری نمک، چند قرص نان و چند ظرف آب در سینی بزرگی می‌گذارند و در مجلس قرار می‌دهند. افراد حاضر در ختم انعام که اغلب از فامیل و همسایگان هستند، پس از خواندن سوره انعام، روزه خود را با این غذاها، باز می‌کنند و نان‌های باقیمانده را به عنوان تبرک، در سفره نان قرار می‌دهند تا برکت پیدا کند. البته در ادامه مراسم صاحبخانه از آنان با پهن کردن سفره افطار پذیرایی می‌کند. قدیم

در بعضی از روستاهای مرزن آباد رسم بود افرادی که فرزند پسر می خواستند نذر می کردند که در طول ماه مبارک رمضان مردم را برای خوردن سحری بیدار کنند، به این صورت که یک پیت حلبی خالی به گردن خود می آویختند و با چوب به آن ضربه می زدند تا مردم برای سحری بیدار شوند.

بعضی از مردم مرزن آباد رسم جالبی برای روزه اولی ها دارند. آن ها برای نوجوانان تازه رسیده، هدیه ای می خرند که اجرای آیین آن تاحدی مشابه زیرلفظی عروس است. زیرا نوجوان تنها پس از دریافت «روزه سری»، افطار می کند. پدر و مادر فرد تازه مکلف شده برای برگزاری این مراسم از تمام اقوام و بستگان دعوت می کنند. پس از حضور میهمانان در منزل و قبل از اذان مغرب و شروع افطار، پدر و مادر و همچنین اقوام و بستگان حاضر در مراسم هدایای خود را به نوجوان مورد نظرها می کنند تا به این طریق انگیزه انجام فریضه روزه در دیگر نوجوانان ایجاد شود.

عید فطر

یکی از باشکوه ترین اعیاد مذهبی در مرزن آباد عید فطر است، مردم با رویت ماه و مشخص شدن عید به جشن و سرور می پردازند و به یکدیگر تبریک می گویند و برای اینکه توانسته اند از این فریضه ی الهی سر بلند بیرون آیند شاد و مسروراند.

در روز عید فطر و بعد از اقامه ی نماز عید بعضی از مردم جهت دید و بازدید و عید مبارکی به خانه های یکدیگر می روند. در قدیم در این روز در میان اکثر خانواده ها به اندازه توان مالی سفره ای پهن می شد که مزین بود به مقداری خوراکی های خانگی از جمله حلواهای محلی، نان های محلی و... که به وسیله آن از میهمانان پذیرایی به عمل می آمد. این دید و بازدید تا ظهر ادامه داشت و اگر کسانی که عزیزی از دست داده بود و همچنین بزرگان فامیل در اولویت این دید و بازدید قرار داشتند.

ایام محرم

مردم منطقه مرزن آباد همه ساله به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم، علاوه بر مراسم سخنرانی و مداحی سنت های ویژه خود را اجرا می کنند. در دهه اول ماه محرم، این عزاداری ها همه شب بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء آغاز می شود. پس از سخنرانی روحانیون و وعاظ، مراسم سینه زنی با اطعام گسترده عزاداران و اهالی محل به پایان می رسد. هزینه برپایی این مراسم مذهبی و اطعام سوگواران و عزاداران حسینی از محل موقوفات و کمک های مردمی تأمین و پرداخت می شود.

در قدیم در مرزن آباد از شب اول تا چهاردهم ماهِ مُحرم عزاداری انجام می‌شد و شیوه عزاداری به صورت سینه زنی و زنجیر زنی بود. اما به نقل از آگاهان محلی، عزاداری به سبک سینه زنی شیوه غالب عزاداران مرزن آباد بود. در حال حاضر نیز مراسم عزاداری به شکل هیات‌های زنجیر زن و سینه زن از اوایل محرم شروع شده و در روزهای تاسوعا و عاشورا به اوج خود می‌رسد. در این ایام دسته‌های عزاداری به در هر خانه که می‌رسد صاحب خانه نذر خود مانند شربت، خرما، شیر، دود کردن سپند را به جا می‌آورد. اگر کسی نذر قربانی داشته باشد گوسفندی قربانی می‌کند. تا چند سال پیش مراسم تعزیه خوانی نیز در محرم برگزار می‌شد. امروزه در بعضی از روستاهای مرزن آباد کم و بیش تعزیه خوانی اجرا می‌شود.

در روستای بَرار در ایام محرم رسم بود که بر روی اسب سفید رنگی پرمنگنات (دواغلی) می‌مالیدند و پارچه سبز رنگ بر پیکرش کشیده و از اسب چکمه آویزان می‌کردند. اسب که نمادی از ذوالجَناح بود را به جلوی در مسجد می‌آوردند، سپس آن را بر سر مزار عزیزان از دست رفته برده و دعا می‌خواندند. در همین روستا در ظهر روز عاشورا خانم‌ها غذاهای نذری پخته و به مسجد می‌آوردند، و به نیت شفای بیماران آن را خیرات می‌کردند. این رسم به چهل تیکه معروف بود. در مرزن آباد روز ۱۱ عاشورا مراسم غلم گردانی بر پا بود و در قبرستان غلم را سر مزار بزرگان و عزیزان برده و مرثیه می‌خواندند. از معروف‌ترین مرثیه‌های متداول در این منطقه و در ایام محرم می‌توان از مرثیه حضرت قاسم، حر، امام حسین، حضرت علی اکبر، حضرت مسلم، حضرت ابوالفضل، زنجیر و... نام برد در حال حاضر یکی از قدیمی ترین مرثیه خوان‌های منطقه مرزن آباد مشهدی عیسی کیا دلیری ساکن روستای دلیر است که در سن ۹۰ سالگی دارای صدای رسا و دلنشین می‌باشد.



تصویر ۱-۲: مشهدی عیسی کیا دلیری مرثیه خوان

عید قربان

یکی از اعیاد مذهبی که در مرزن آباد از گذشته وجود داشته و هنوز با شکوه خاص انجام می شود عید قربان نام دارد. در مرزن آباد هر کسی توان مالی داشته باشد حتما گوسفند و گاو قربانی می کند و بعضی از کسانی که توان خرید گوسفند ندارند، خروسی را قربانی می کنند. اما در قدیم از آن جا که اکثریت روستاییان مرزن آباد دامدار بودند مراسم عید قربان به گونه ای متفاوت اجرا می شد. در تابستان روستاییان یک تعاونی روستایی تشکیل می دادند و هر یک از افراد دامی برای قربانی کردن به تعاونی می سپردند و از آن جا که دامها شبیه به هم بودند برای شناسایی آنها، صاحبان دامها یک نشانی را روی گوش یا روی صورت حیوان داغ می زدند.

حیوانی که برای قربانی کردن انتخاب می شد نباید نشان می داشت در غیر این صورت به عقیده عوام بدن حیوان ناقص بود و حیوان برای قربانی کردن مناسب نبود. کسی که قربانی می کرد نباید به اعضای خانواده یا دیگران اطلاع می داد که کدام حیوان را برای قربانی کردن در نظر گرفته است، چون اعتقاد داشتند که ممکن است این حیوان قبل از عید قربان بمیرد و این چهره خوشی نداشت. اگر حیوان قبل از قربانی تلف می شد باور داشتند خداوند نمی خواست قربانی اش را قبول کند. روز عید بعضی از مردم کارد و چاقوی ذبح گوسفند را به منزل روحانی محل می بردند تا دعای قربانی را روی آن بخواند و بعد گوسفند را قربانی کنند.

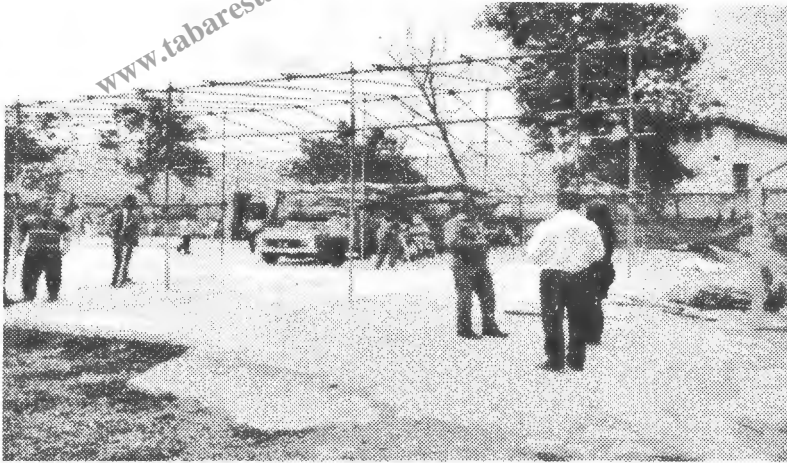
گوشت قربانی حتما باید به همه ی خانواده ها می رسید مخصوصا به خانواده هایی که بضاعت مالی آنها ضعیف بود از آن جا که قربانی دارای قداست بود استخوان و ضایعات حیوان قربانی شده حتما باید دفن می شد تا توسط حیوان نجسی مثل سگ خورده نشوند. در بعضی از روستاهای مرزن آباد روز عید قربان، گوسفند، بز و یا گاو را برای قربانی انتخاب می کردند و به چشم های قربانی سورمه می کشیدند

وبه پیشانی آن آینه کوچکی آویزان می کردند. با این مراسم قربانی را به قربان گاه می آوردند و پس از خوراندن آب و خواندن دعا، قربانی را ذبح می کردند و گوشت قربانی را بین مستمندان تقسیم می کردند. در بعضی از روستاها کسانی که به هر نیتی نذری داشته باشند انگشت به خون قربانی می زنند و به پیشانی می مالند.

نیمه شعبان

نیمه شعبان سالروز ولادت امام زمان (ع) (آخرین امام شیعیان) است. شب و روز نیمه شعبان را تقریباً در همه جا جشن می‌گیرند و تنها جشن سنتی است که در آن مردم، معابر، بازار و مغازه‌ها را آذین می‌بندند و چراغانی می‌کنند و در معابر شربت، شکلات و شیرینی توزیع می‌کنند.

در تمامی مناطق روستایی و شهری مرزن آباد جشن‌های نیمه شعبان با شکوه خاصی بر پا می‌شود اما در روستای پردن‌گون مرزن آباد این مراسم رنگ و بوی ویژه‌ای دارد و شاید بتوان گفت که مرکز جشن‌های نیمه شعبان مرزن آباد روستای پردن‌گون است.



تصویر ۲-۲: مردم روستای پردن‌گون در حال آماده سازی محل بر پای مراسم نیمه شعبان

مراسم جشن میلاد امام زمان در روستای پردن‌گون حدود پانزده سال است که توسط گروهی داوطلب و خودجوش از اهالی این روستا بدون هیچ چشم داشت مالی و فقط با اجر معنوی برگزار می‌گردد. در این مراسم نامی از هیچ‌کس به‌عنوان رئیس برده نمی‌شود. در ابتدا تیم اجرایی این مراسم هشت نفر بودند ولی در سال ۱۳۹۴ این تعداد به سی و شش نفر افزایش یافته است. ضمن این‌که تعداد میهمانان جشن از سیصد نفر در سال اول به بیش از دو هزار و هفتصد نفر در سال ذکر شده افزایش یافته است. این جشن همه ساله از استان مازندران و تهران و سایر شهرها میهمانان زیادی را پذیراست و تاثیر مطلوبی بر گردش‌گری مذهبی منطقه گذاشته است. در این روز ضمن جشن و سرور و اجرای بازی‌ها و جشن‌های محلی از مدعوین پذیرایی به عمل می‌آید و مراسم با نیایش و دعا برای ظهور امام مهدی (عج) به پایان می‌رسد.

عید غدیر

عید غدیر در منطقه مرزن آباد با مراسم و سنت های خاصی همراه است و مردم در این روز ضمن تعظیم شعائر دینی، به جشن و شادمانی می پردازند تا واقعه غدیر، همواره زنده بماند. در مرزن آباد در روز عید غدیر خم رسم بوده و هست که دست و صورت و شانه هفت نفر سید محرم را بپوسند و سیدها به مردم سکه به عنوان برکت هدیه دهند. در مرزن آباد به علت اهمیت این روز بسیاری از خانواده ها سعی دارند تا عروسی فرزندان خود را در عید غدیر برگزار نمایند.

۲،۳) آئین ها و مراسم منطقه ای و محلی

نمایش از جمله کهن ترین رفتارهای فرهنگی و در شمار عناصر فراگیر فرهنگ در تمام جوامع و گروه های انسانی است. نقش و نگاره های منقوش بر روی سفالینه های کهن و دیواره غارهای محل زندگی انسان های نخستین، که حرکات و رقص های نمایشی مبتنی بر اعتقادات جادویی را نشان می دهد و نیز وجود این گونه آئین ها و مناسک در میان بومیان امروزی مناطقی از جهان که از جریان عمومی فرهنگ و تمدن به کنار مانده اند و نمونه های دیگر عناصر نمایشی در فرهنگ های باستانی و تداوم آن ها تا زمان حال، همه حاکی از این واقعیت است که نمایش قدمتی به عمر فرهنگ انسانی و وسعتی به پهنای عرصه زندگی انسان دارد.

نمایش به تناسب مقتضیات و شرایط فرهنگ و مکان و زمان، رشدی متفاوت داشته است و در شکل کهن خود نه به عنوان یک هنر، بلکه به صورت بخشی از زندگی و جزئی از آئین ها و مراسم، در فرهنگ جامعه حضور دارد. امروز آنچه را که نمایش های سنتی و مردمی (عامه) می نامیم، در واقع تداوم همان نمایش به معنای کهن آن است و با تفاوت هایی، کم و بیش دارای همان نقش و پایگاه می باشد.

در منطقه مرزن آباد صورت های متفاوتی از نمایش سنتی به مفهوم عام آن، یعنی همه رفتارهایی که به نحوی دارای جنبه نمایشی است، وجود دارد. از این شمار است آئین های نمایشی طلب باران، لال بازی (در تیرماه سیزه) و تعزیه و...

در این قسمت به چند نمایش سنتی و چند مراسم محلی در منطقه مرزن آباد اشاره می شود.

مراسم تیرماه سیزده شو

تیرماه سیزده شو همان جشن معروف ایرانیان باستان است که در تاریخ باستانی تبری مصادف با دوازدهم آبان برگزار می‌شود. برگزاری مراسم تیرماه سیزده، در عصر دوازدهمین روز از تیرماه تبری آغاز (حدوداً یازدهم و دوازدهم آبان ماه شمسی) و گاه تا نیمه‌های شب به طول می‌انجامد.

درباره تاریخچه جشن تیرگان روایات مختلفی وجود دارد؛ برخی پیروزی کاوه بر ضحاک و جشن مهرگان را مبنای جشن می‌دانند و برخی مردم معتقدند که تیرگان شب تولد حضرت علی (ع) است ولی برخی نیز معتقدند که جشن تیرماه سیزده شو یکی از کهن‌ترین جشن ایرانیان و مردم استان مازندران است و ارتباطی به تولد حضرت علی (ع) ندارد.

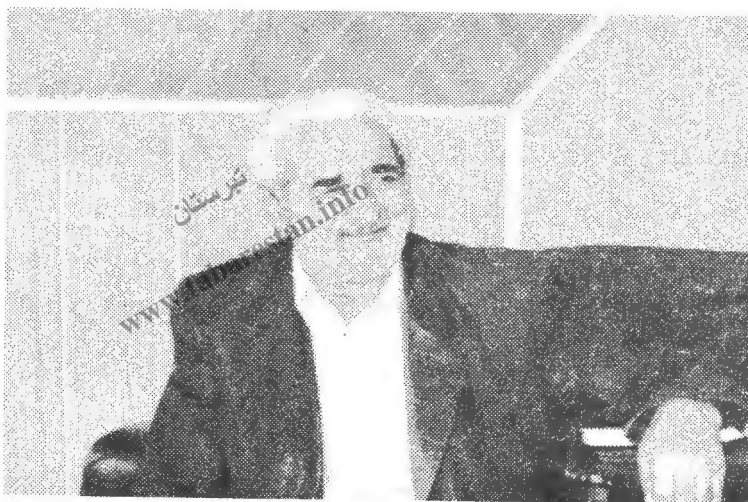
در مرزن آباد تمامی خانواده‌ها در این شب کنار هم جمع می‌شدند و تا پاسی از شب را به خوردن تنقلات و گوش دادن به قصه و افسانه‌های بزرگ‌ترها سپری می‌کردند. در گذشته در مرزن آباد در غروب روز سیزده، جوانان با در دست داشتن چند ترکه بلند با کیسه‌ای که به انتهای آن بسته شده بود، همراه کودکان به در خانه‌ها رفته و با سر و صدا و کوبیدن چوب به در خانه‌ها و لال‌بازی و شعر «لال بی‌مو، لال بی‌مو، پارسال و پیرار بی‌مو، چل بزن دیگه بزن، لال اینه لالک اینه، سالو ماه ارزون بوه، لال مار رسوا تو، لال اینه لالک اینه، پار بورده امسال انه» را سر داده و از صاحب خانه تقاضای هدیه می‌کردند و صاحب خانه نیز اغلب به آنها پول، میوه و شیرینی می‌داد در این شب افزون بر خوراکی‌هایی که مناسب میهمانی بود بنا بر رسم دیرینه، خوراکی‌های ویژه‌ای مثل کاجی، شیرینی، کماج و... تدارک دیده می‌شد.

لال مار

شگون چوب خوردن از لال نیز از دیگر برنامه‌های مخصوص این جشن بود، به گونه‌ای که در این شب شخصی با لباس مبدل، دستمالی به سر بسته و صورتش را سیاه می‌کند و مانند لال‌ها با کسی حرف نمی‌زند. این شخص که او را لال، لال مار و لال شیش می‌گویند با همراهی چند نفر وارد خانه‌های محل می‌شود و با چوب و ترکه‌ای که در دست دارد، ضربه‌ای به ساکنان خانه می‌زند. مردم، آمدن لال را به

خانه و کاشانه خود به فال نیک می‌گیرند و باور دارند که «لال» هر کس را بزند تا سال دیگر مریض نمی‌شود. معمولاً چند روز پیش از اجرای مراسم اهالی روستاها مقدمات برگزاری آن را تدارک می‌بینند. آن‌ها به تمیز کردن منزل پرداخته و به آماده سازی مواد غذایی جهت پخت غذاهای ویژه، شیرینی، آرد

کردن گندم و برنج برای تهیه خوراکی های مرسوم می پردازند. برای اجرای این کار در قدیم ابتدا لال در عصر روز دوازدهم تیر ماه تبری حمام کرده و در برخی مناطق خود را با آب سرد رودخانه می شویند. سپس با سیاه کردن صورت خود البسه ویژه خود را به تن کرده و به همراه سایر اعضای گروه که آن ها نیز وسایل و ادوات مورد نیاز خود را از قبل فراهم کرده اند شروع به اجرای مراسم می کند.



تصویر ۳-۲: آقای سیدحسین کاشی زاده، فرهنگی فرهیخته و از آگاهان محلی ساکن روستای گوهرکلا مرزن آباد

لال در پیشاپیش گروه به درب تک تک منازل روستا رفته و با ورود به درون اتاق بدون هیچ گونه کلامی با یکی از ترکه های موجود در دست های شیش دار یکایک افراد حاضر در منزل را با ضربتی می نوازد این ضربه به پهلوها و شکم افراد زده شده و اعتقاد بر این است که این عمل به خوش یمنی و برکت دهی منجر می شود، اگر در منزل زنی نازا یا دختران دم بخت حضور داشته باشند لال ضرباتی بیشتر به آنان وارد کرده تا زنان زایا شده و دختران نیز تا حضور دوباره لال در سال آتی ازدواج کنند.

از دیگر اقدامات لال، ترکه زدن به حیوانات نازا و درختان بی ثمر است که با پادرمیانی فردی و ضمانت کردن این که تا سال آینده این نقیصه برطرف خواهد شد لال از ادامه ترکه زدن خودداری می کند. اگر فردی از ترکه زدن لال به خود ممانعت کند ضربات ترکه بیشتری از سوی لال بر او وارد می شود.

در پی برگزاری مراسم، لال به هیچ عنوان اجازه صحبت کردن ندارد در صورت به سخن واداشتن از سوی افراد حاضر، شخص لال مورد تنبیه ترکه دار قرار می گیرد. اگر لال پرسشی یا سخنی با افراد داشته باشد با اشاره و همراه با حرکت دادن ترکه به سایرین

تفهم کرده و لال مار در این مواقع منظور و هدف وی را به سایرین انتقال می‌دهد. شیش دار تنها مسئول حمل ترکه‌های به هم بسته شده از چوب درخت توت یا بید است. لال سپس ترکه را در پشت بام منزل یا در جای دیگری نهاده و افراد منزل آن را متبرک دانسته و تا سال آینده آن را در محلی امن نگه می‌داشتند. پس از مراسم گروه از سوی صاحب خانه‌ها هدایایی هم‌چون شیرینی، گردو، تخم مرغ، میوه و... دریافت می‌کرد. در این شب غیر از رسم لال شیش زن رسم دستمال "دیم ب داک" هم انجام می‌شد.

رسم دستمال دیم ب داک

معمولاً بچه‌ها در مرزن آباد به صورت خود جوش جمع می‌شدند و کاری به پدر و مادران خود نداشتند و انتظار می‌کشیدند که تیرماه سیزده شو برسد و این کار را انجام دهند. یک دستمال بر می‌داشتند سردستمال را به نخ بلندی می‌بستند و زیر دریاچه منازلی می‌رفتند و دستمال را داخل خانه می‌انداختند و اعضای خانواده کنجکاو نمی‌کردند که این دستمال را چه کسی انداخته. آن‌ها بهترین چیزهایی از قبیل هشتیکا (گندم برشته‌ای که ممکن بود با نخود و کشمش مخلوط شده باشد). آجیل و... را به دستمال می‌بستند و از همان دریاچه قبلی آرام به بیرون می‌انداختند و بچه‌ها تمامی هدایا را، از خانواده‌ها جمع آوری می‌کردند یکی از اعضای آن تیم که به آن "جادارک" می‌گفتند خوراکی‌ها را درون توبره یا کیسه‌ای می‌ریخت و بین اعضا تقسیم می‌کرد.

تعزیه

تعزیه به معنی سوگواری، برپایی یاد بود عزیزان از دست رفته، تسلیت، امر کردن به صبر و پرسیدن از خویشان درگذشته و در برخی مناطق ایران مانند خراسان به معنای مجلس ترحیم است (همایونی و صباحی، ۱۳۸۲: ۷). اما آن‌چه به عنوان تعزیه مشهور است گونه‌ای از نمایش مذهبی منظوم است که در آن عده‌ای اهل ذوق و کارآشنا در جریان سوگواری‌های ماه محرم و برای نشان دادن ارادت و اخلاص به اهل بیت، طی مراسم خاصی بعضی از وقایع مربوط به حادثه کربلا را پیش چشم تماشاچی‌ها بازآفرینی می‌کنند. در تعزیه چون اهمیت خواندن هنرمندانه اشعار بیش از روش اجرا و نمایش واقعه‌هاست، آن را در قیاس با روضه‌خوانی، تعزیه‌خوانی نیز گفته‌اند (شهیدی و بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۳۱).

تعزیه معمولاً با به اجرا درآمدن پیش‌خوانی نمایش مجلس اصلی آغاز می‌شود. کسی که تعزیه را برپا می‌کند «بانی» و گرداننده آن را «تعزیه‌گردان» و بازیگران آن را

«تعزیه خوان» یا «شبییه خوان» می-نامند. شبیه خوان-ها برای آسانی ادامه مطلب مربوط به نقش خود، معمولاً به هنگام اجرا، تکه کاغذی به نام «فرد»، در دست دارند که در آن-ها مصراع های آخر نقش طرف مقابل یا نخستین مصراع از ادامه نقش-شان یادداشت شده تا بتوانند به موقع و بدون زحمت نقش آفرینی خود را دنبال کنند. بازیگران ناشی یا خردسال را شخص تعزیه گردان، از کنار محدوده نمایش راهنمایی می-کند؛ حتی گاهی به شبیه خوان های کارآموده هم تذکراتی می-دهد. نقش زنان را هم مردان بازی می-کنند که در این حالت به آن-ها «زن خوان» می-گویند. چنین بازیگرانی برای این که در نقش خود بهتر ظاهر شوند باید صدایی زیبا داشته باشند و ترجیحاً نقاب بر چهره بپوشند. گاهی نیز برای بهتر شدن بازی نقش زنان، از پسران نوجوان کارآمخته استفاده می-شود.

شبیه خوانان در اجرای هر مجلس معمولاً دو دسته-اند: اولیاخوان و اشقیابخوان. شبیه خوان هایی که نقش اولیا و یاری دهندگان دین را بازی می-کنند، اولیاخوان، مظلوم و انبیاخوان نامیده می-شوند و کسانی که نقش اشقیا و دین-ستیزان را بازی می-کنند اشقیابخوان یا ظالم خوان-اند. اولیاخوان-ها نقش های خود را موزون و خطابه ای سرمی-دهند، اما اشقیا خوان-ها سخنان خود را ناموزون و معمولی و در پاره ای از موارد، تمسخرآمیز بیان می-کنند. اولیاخوان-ها جامه سبز یا سیاه بر تن می-کنند و اشقیابخوان-ها لباس سرخ.

اهمیت موسیقی آوازی در تعزیه چشم گیر است به گونه ای که ایفاگران نقش-ها می-بایست از دستگاه های موسیقی آگاه باشند تا اگر نقش آن-ها تغییر یافت، بتوانند در آواز معین بخوانند. در موسیقی تعزیه برای نقش های افراد سخت دل آوازهای متناسب با نقش های آن-ها انتخاب می-شوند مانند "شمر" که در نوا یا رجز و علی اکبر که در دشتی می-خوانند. برای پیش گیری و آمادگی از جابه جایی ناگهانی نقش، هر کس باید لحن-ها و شعرهای دیگر نقش-ها را فراگیرد) ستایش گر، ۱۳۸۱: ۲۲۶).

تعزیه خوانان معتقدند که تعزیه خوانی را باید پله پله آموخت و نمی-شود ره صدساله را یک شبه طی کرد و از امام خوانی آغاز کرد. در قدیم اکثر کسانی که وارد تعزیه

می‌شدند ریشه‌ای در تعزیه داشتند؛ پدر یا پدربزرگ یا برادرشان تعزیه‌خوان بودند؛ یا حتی در محله‌ای زندگی می‌کردند که یک گروه تعزیه‌خوان ثابت در آن محل زندگی می‌کردند و استادان تعزیه به هیأت‌ها رفته و استعدادیابی می‌کردند و کسی را که صدایش خوب بود اجازه می‌گرفتند و به تعزیه می‌آوردند. به باور استادان این هنر، هرکسی نمی‌تواند تعزیه‌خوان شود بلکه باید جوهره اصل تعزیه را داشته باشد؛ یعنی علاوه بر صدای خوب باید در خواندن بی‌پروا بوده، ترسو نباشد. بعضی از بچه‌خوان‌ها صدای خوبی داشتند اما در جنگ بی‌پروا نبودند و تا یکی از اشقیا برای بازی جنگ به مقابلشان می‌آمد می‌ترسیدند یا در مقابل جمع صدایشان را رها نمی‌کردند.

از قدیم الایام در مرزن‌آباد تعزیه‌خوانی بر اساس یک سلسله مراتب بود. به نقل از آقای سید حسین کاشی زاده، تعزیه‌خوانی احتمالاً از منطقه طالقان به مرزن‌آباد آمده است و از همان زمان‌ها کسانی که وارد تعزیه می‌شدند از کودکی با نقش بچه‌خوان آغاز می‌کردند. طبقه‌بندی تعزیه هم این‌گونه است که زمانی که کسی بچه‌خوانی می‌کند اول نقش سکینه و رقیه را بازی می‌کند؛ سپس طفلان مسلم و بعد قاسم‌خوان می‌شود. به اعتقاد تعزیه‌خوانان، یک طفلان مسلم‌خوان خوب می‌تواند یک قاسم‌خوان

خوب باشد؛ یک قاسم‌خوان خوب هم می‌تواند یک علی‌اکبرخوان خوب شود؛ زیرا این نقش‌ها مکمل یکدیگر بوده و آوازها در دل هم قرار می‌گیرند. دوره علی‌اکبرخوانی که طی می‌شود، تعزیه‌خوان وارد دوره شهادت‌خوانی می‌شود. اگر صدای خوبی داشته باشد شهادت‌خوان می‌شود؛ اما اگر صدای تعزیه‌خوان ضعیف اما خوب باشد زن‌پوش می‌شود. بعد از این که یک تعزیه‌خوان دوره شهادت‌خوانی را به پایان برساند دیگر محاسنش سفید شده می‌تواند امام‌خوان باشد. کسی که در رأس شهادت‌خوانی قرار می‌گیرد هم امام‌خوانی می‌کند و هم عباس‌خوانی. آخرین مرحله امام‌خوانی است که در آن باید از یک سنی گذشت تا به این مرحله رسید. در این سن صدا کمی ضعیف‌تر می‌شود و سوز بیشتری دارد. به نقل از کربلایی علی احمد توپا اسفندیاری ۸۹ ساله تنها بازمانده از گروه تعزیه‌خوان روستای الیت: "بسته به ظرفیت مجلس گاه تعزیه ۴ ساعت به طول می‌انجامد و منبع درآمد تعزیه‌خوانان معمولاً از وجوهات نذری تامین می‌شد. البته گاه به منظور کسب درآمد و امرار معاش تعزیه‌خوانان مراسم سینی گردانی هم انجام می‌شد."

از میان اساتید قدیمی مرثیه خوان روستای الیت می توان به افراد زیر اشاره نمود:
حاج رحیم ابراهیمی، شهادت خوان، اولیا خوان
مشهدی شیر افکن میردار (معروف به درویش) اشقیا خوان، شمر
مشهدی ولی ملکی، اشقیاخوان
سید مسلم محمدی، امام خوان
ملا علی بابا حیدری، زینب خوان
محمد قلی (مشهدی) تو پا ابراهیمی، علی اکبر خوان
یاد آور می گردد هنوز در بعضی از روستاهای مرزن آباد از آن جمله روستای برار، میجکار و..
مراسم تعزیه انجام می شود.



تصویر ۴-۲: (از راست به چپ: آقای حاتمی، کربلایی علی احمد توپا اسفندیاری، آقای توپا ابراهیمی)
کربلایی علی احمد توپا اسفندیاری ۸۹ ساله تنها بازمانده از گروه تعزیه خوان روستای الیت

۲,۴) بازی های عامیانه و محلی

بازی امری است که از آغاز تولد تا هنگام مرگ همراه آدمی است. بازی در واقع درس درست زیستن، درس احترام و ادب به هم نوعان و درس شناخت محیط است که در کنار تجربه اندوزی و کسب مهارت، به کارگیری هوش و عاطفه را نیز به ما می آموزد. بازی به ما می آموزد که چگونه با دیگران رابطه درست و مناسب و در کنار آن با محیط پیرامون خویش

سازگاری برقرار کنیم. بازی و روش اجرای صحیح آن، فرد را قانون مند می‌کند و روش احقاق حق و حق‌گذاری را به همراه خشوع به انسان می‌آموزد. محیط بازی، مکانی است که انسان تمام هوش و حواس خود را بر نحوه صحیح انجام دادن آن متمرکز و با تمام وجود، آن را حس می‌کند و از آن لذت می‌برد.



تصویر ۵-۲: کودکان روستای پنجک

کارکرد و نقش بازی‌ها

شخصیت اجتماعی فرد به واسطه ایفای نقش‌های اجتماعی تکوین می‌یابد. کودک به تدریج زبان را فرا می‌گیرد و به وسیله تمرین‌هایی که در «خود ساختن» نقش دیگران به عمل می‌آورد، رفتار خود را معنا می‌کند. در راستای چنین روندی، من فاعلی فرد به نفع من مفعولی او تضعیف می‌گردد. انواع بازی به کسب مهارت‌ها و شکل گرفتن رفتار اندیشمندانه کودک کمک فراوان می‌کند. یکی از وظایف اصلی بازی نزد کودک، ایفای نقش و تکوین شخصیت اجتماعی و تمرین آزاد در مناسبات و روابط گروهی است براین اساس بسیاری از بازی‌های سنتی و محلی در گذشته هم‌دلی، همراهی و صمیمیت را رواج می‌دادند در حالی - که بسیاری از بازی‌های کامپیوتری امروزی، تنهایی و خشونت را آموزش می‌دهند. باز ی‌های محلی مردم منطقه مرزن آباد که از گذشته اجرا می‌شده و بعضی از آن‌ها هنوز هم انجام می‌شوند عبارتند از:

سوک سوک، یه چک دو چک، هسکا هسکا یک قل دو قل، وسط بازی یا وسطی، هفت سنگ، گردو بازی، کمر قیش، شاه و وزیر، گولی کاج، ویش کائیک، خرپلیس، تپ تشک، تخم مرغ جنگی، هریاچخه، توتی کایی، چشم دونک (قایم باشک) و...

کمر قیش کا

این بازی از جمله بازی های نوجوانان و جوانان مرزن آباد است که در اوقات فراغت انجام می شود. برای اجرای بازی افراد به دو گروه مساوی ۴ تا ۶ نفری تقسیم می شوند، سپس دایره ای به قطر ۲ تا ۴ متر (بستگی به تعداد افراد شرکت کننده هر تیم دارد) روی زمین رسم می کنند. بر حسب تر و خشک یا شیر یا خط، یک تیم بازی را از داخل دایره و تیم دیگر در بیرون آغاز می کند. زمانی که وضعیت تیم ها از لحاظ موقعیت قرارگیری مشخص شد، تیم داخل دایره به تعداد افراد خود هر کدام یک کمر بند همراه خود داخل دایره می برد و یک سر آن را به وسط دایره و سر دیگر را روی لبه دایره قرار می دهد افراد تیم مقابل سعی می کنند ضمن دفاع از خود به شیوه های مختلف یک یا چند عدد از کمر بندهای داخل دایره را بر بایند چنانچه موفق به این کار شوند با استفاده از کمر بندهای ربوده شده افراد داخل را می زنند و ضمن کتک کاری آنان سعی می کنند که بقیه کمر بندها را از آنان بگیرند.

مرغنه جنگی

یکی از بازیهای منطقه مرزن آباد که از چند روز قبل از عید شروع و تا سیزده بدر تداوم می یافت مرغنه جنگی بود. مرغنه جنگی در واقع یک مسابقه و بازی مخصوص کودکان و نوجوانان بود.

شیوهی کار بدین گونه بود که تخم مرغ های هدیه گرفته شده را با هم به اصطلاح جنگ می دادند. کسی که تخم مرغش از هر دو سوی می شکست بازنده بود و باید تخم مرغ را به طرف برنده واگذار می کرد. در مرغنه جنگی به حکم قرعه، اول یکی می نشست، یعنی تخم مرغ خود را در مشت گرفته به سمت پایین نگاه می داشت و طرف مقابل به صورت نوک به نوک تخم مرغ خود را بر دیگری می کوبید. اگر تخم مرغ پایینی می شکست برای دور دوم نیز باید می نشست، اما اگر تخم مرغ طرف مقابل شکسته بود نوبت نشستن به او می رسید و این بار ته تخم مرغ ها را به هم می کوبیدند. آن کس که هر دو طرف تخم مرغش شکسته بود

بازنده می‌شد و باید آن را واگذار می‌کرد، اما اگر هر دو تخم مرغ یکی از سر و دیگری از ته می‌شکست بازی مساوی بود و هر کس صاحب مال خودش بود.

آغوزکا یا گردو بازی

بازی کنان گردوها را دو به دو روی یکدیگر چیده و هر یک به نوبت با گردویی به نام کل یا تیره (گردوی بزرگ تر) به گردوها می‌زنند. اگر نفر اول به گردوها زده و آنها را بیاندازد موقتا برنده محسوب می‌شود و بقیه بازی کنان باید به تیره او بزنند هر کسی موفق شد صاحب همه گردوها می‌شود در غیر این صورت نفر اول همه گردوها را جمع می‌کند.

گبرستان
www.tbarestan.info

گلی کاج

این بازی به صورت دو به دو و بین دو گروه انجام می‌شود. بازی گلی کاج معادل بازی الک دو لک در سایر مناطق دیگر است. یک قطعه چوب کوتاه بنام گلی و یک چوبدستی بزرگ به طول یک متر به نام کاج ابزار این بازی است. یک طرف بازی با چوب دستی خود چوب کوتاه‌تر را تا مسافتی پرتاب می‌کند، آن گاه کاج رادر همان ایستگاه اولیه به صورت افقی بر روی زمین قرار می‌دهد. فرد طرف مقابل از محل فرود چوب کوتاه، به طرف چوب دستی نشانه می‌رود.



تصویر ۶-۲: بازی گلی کاج یا الک دو لک (روستای برار)

اگر پرتاب اوبه چوبدستی اصابت کرد زمین بازی عوض می‌شود و طرف مقابل پرتاب کننده گلی خواهد شد. اما اگر چوب کوتاه پرتاب شده به چوبدستی روی زمین اصابت نکرد،

دارنده چوبدستی بر گلی یا چوب کوتاه تا سه مرتبه ضربه می زند و گلی را به فاصله ای دورتر پرتاب می کند فرد یا گروه مقابل از محل فرود آمدن گلی در آخرین پرتاب تا محل اصلی بازی، یک سره می دود و هم زمان با دویدن بدون تجدید نفس باید کلمه "زو" را بگوید این کار جریمه فرد یا گروه بازنده است و در صورتی که نفس کم آورد باید مابقی فاصله تا شروع بازی، فرد برنده را به دوش بکشد.

۲,۵) ورزش و تفریحات منطقه ای و محلی

در این منطقه ورزش ها و تفریحات گوناگونی وجود دارد که به دو مورد از آنها اشاره می کنیم

کشتی محلی

کشتی یکی از ورزش های مورد علاقه مردم منطقه مرزن آباد است. برگزاری این زور آزمایی، بسیار زیبا و دیدنی است. پیش از شروع، با صدای ساز و نقاره همه اهالی محل را با خبر می کنند و جمعیت بسیاری دور میدان کشتی گرد می آیند. آن گاه کشتی گیران هر محل در قسمتی از میدان در کنار هم قرار می گیرند و زور آزمایی آغاز می شود. در تمام این مدت با استفاده از یک آلت موسیقی بادی آهنگ هایی نواخته می شود که علاوه بر تشویق و تقویت روحیه پهلوانان بر شکوه و رونق این مراسم می افزاید در گذشته، کشتی در مراسم مختلفی مانند عروسی ها، جشن های خرمن، اعیاد رسمی و مجالس پذیرایی از امیران و خوانین اجرا می شد.

این ورزش که به صورت نوعی زور آزمایی جوان مردانه میان پهلوانان انجام می شود در گذشته جایگاه پر اهمیتی داشت. حضور پهلوانان و گردهمایی مردم برای دیدن این مسابقات، نوعی همبستگی را میان افراد جامعه به ویژه در جوامع کوچک ایجاد می کرد. اگرچه قواعد و شکل خاص اجرا کشتی در مناطق مختلف، متنوع است اما آنچه همه کشتی گیران رعایت می کنند، جوان مردی در طول اجرای مسابقه است. ترویج و اشاعه کشتی های بومی، ضمن احیای دوباره آنها می تواند نقطه عطفی برای ایجاد همبستگی در میان مردم تلقی شود. همچنین توجه به ورزش های بومی می تواند نقش هویت بخشی را برای کشور ایفا کند.

ورزا جنگ

یکی از سرگرمی‌های روستاییان مردم مرزن آباد، به ویژه مردان "ورزا جنگ" است. در زبان محلی گاو نر را ورزا گویند. ورزا جنگ از گذشته‌های دور به هنگام فراغت از کارهای زراعت و کشاورزی و مناسبت‌های مختلف انجام می‌شد. معمولاً ورزا جنگ در محوطه‌ای باز در علفزارهای طبیعی و بزرگ انجام می‌شد. اگر در چنین مکانی مراسم ورزا جنگ میسر نبود، محدوده‌ای از شالی‌زار را برای این کار هموار و سفت می‌کردند. در قدیم در مرزن آباد هر گاوداری معمولاً گاو نری در گله خود نگاه می‌داشت. این گاو نر که (کل ورزا) نام داشت همواره باید چاق و هیکل مند و سرچال می‌بود. گاو نر (ورزا) را از زمانی که گوساله بود برای جنگیدن آماده و تربیت می‌کردند. سه تا پنج سال طول می‌کشید تا گوساله آماده‌ی جنگیدن شود. گوساله‌ای را برای جنگیدن انتخاب می‌کردند که قوی‌تر باشد. معمولاً یک نفر در خانواده مسئول پرورش این حیوان می‌شد تا او را پروار و تیمار کند. گوساله‌ای که برای جنگ انتخاب می‌شد، جدای از گوساله‌های دیگر نگهداری می‌شد. نشان دادن این برتری با جنگیدن اکثراً در روز سیزده بدر مشخص می‌شد. میدان مبارزه هر روستا که «کای گرن» نامیده می‌شد عرصه این نمایش هیجان‌انگیز و شاید هم رعب آور بود. در روز سیزده بدر سرگالشان "ورزوها"ی خود را به میدان می‌آوردند و به نوبت به جنگ وادار می‌کردند. البته شرکت در مسابقه داوطلبانه بود. "ورزوها" باهم در می‌افتادند، سرانجام یکی مغلوب و دیگری پیروز می‌شد و ورزوهای پیروز با یکدیگر به جنگ وادار می‌شدند تا ورزوی سرچنگ مشخص شود. صاحب ورزوی سرچنگ هدیه‌های نقدی و جنسی می‌گرفت. معمولاً دام‌داران هم جوار در مرتع یا کوچه پس کوچه‌های اطراف ده یا هرکجا که با آن برخورد می‌کردند با دسته‌ای علف از ورزو پذیرایی می‌کردند. زیرا معتقد بودند که ورزوی برنده نظر کرده است و مردمی که "ورزوها"ی سرچنگ داشتند در واقع دام‌داران نمونه هم بودند و سند کار و تلاش و دام‌داری هوشمندانه‌ی آنان ورزوی سرچنگشان بود.

۲,۶ آئینها و مراسم مربوط به فعالیت‌های تولیدی

هر یک از مراحل کشت، آبیاری و برداشت محصول در کشاورزی و نیز مراحل مختلف تولید دامی، به شیوه سنتی، با رسم‌ها و آدابی همراه است و نیز عوامل محیطی مانند آفتاب، باران، سرما و گرما، به لحاظ نقش با اهمیتی که در باروری گیاه و پرورش دام دارند، از روزگاران کهن در اعتقادات و به تبع آن در آئین‌ها و مراسم جایگاه خاصی یافته‌اند. در این

بررسی در حد مجال به برخی از این آئین ها و رسم ها و تاثیرپذیری آن ها از عوامل گوناگون که امروز در مرزن آباد معمول است و یا در گذشته ای دور یا نزدیک مرسوم بوده است، می پردازیم.

هم یاری، تعاون و یاری گری در مرزن آباد

یاری گری از ویژگی های جوامع سنتی است. جامعه ی سنتی ما نیز در گذشته و حال، در موارد گوناگون و برای مقابله با دشواری های زندگی اجتماعی به چنین راه حل هایی نیازمند بوده و هنوز نیز نیازمند است. فقر اقتصادی، فقدان امنیت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی دشوار در درازای زمان، به ویژه روستاییان و کوچ نشینان ما را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است. برخورد سازنده و هشیارانه با این دشواری ها، چه در زمینه ی تولید و چه در زمینه ی مبارزه با طبیعت و سایر عرصه های اجتماعی، به آفرینش شکل های بسیار متنوع و سازگاری از یاری گری ها و تعاونی های سنتی در جامعه ی ایران انجامیده است.

با وجود برخی مشابهت ها، دگریاری و هم یاری در نمونه های بارز و ناب خود، دارای تفاوت های مهمی با یکدیگر هستند. چنین به نظر می رسد که دگریاری کنشی است یک سویه، عمودی یا افقی که بین هم ترازان یا ناهم ترازان (بین فراتران و فروتران، توانایان و ناتوانان) جریان می یابد، چه در زمینه های عینی و مادی و چه در زمینه های ذهنی و معنوی. در حالی که هم یاری جریانی است دوسویه و افقی که اغلب بین کسانی که کم و بیش توانایی های مشابه و یکسان دارند، (هم ترازان) یا کسانی که می توانند توانایی های هم-دیگر را تکمیل یا کمبودهای یکدیگر را جبران کنند به وجود می آید. به عبارت دیگر در اغلب دگر یاری ها، نقش یاری دهنده و یاری گیرنده به طور نسبی ثابت است، اما در هم یاری نقش این دو به طور متناوب تغییر می کند. به تعبیری می توان گفت که تفاوت دگریاری و هم یاری تفاوت بخشش با نوعی معاوضه و مبادله است. این معاوضه و مبادله می تواند در زمینه های نیروی کار، ابزار، مواد و مصالح، اطلاعات و عواطف صورت پذیرد و البته در هم-یاری های سنتی این موارد اغلب با یکدیگر آمیخته اند و هم یاری خالص و منحصر به یک موضوع کمتر به چشم می خورد. در روستا وقتی کسی حاضر می شود با دیگری هم یاری کند، گرچه ممکن است این هم یاری در زمینه ی تعویض نیروی کار و یا ابزار باشد، اما معنی دیگر آن این است که به وی علاقه دارد و برای او ارزش و احترام خاصی قائل است و در عین حال این کار در هاله ای از خیرخواهی و عواطف مذهبی نیز پیچیده شده است (فرهادی، ۱۳۷۳: ۵۴).

یاری‌گری که در مناسبات و روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی پدید آمده و با توجه به وضعیت هر منطقه، اشکال ویژه‌ای یافته‌اند، در شرایط گوناگون با هنجارها و سنن اجتماعی هم‌آوا و هم‌گرا شده و باورها و انگاره‌های بعضا دست و پاگیر عوام را هم‌رنگ آن مناسبات و روابط و ساختار حاکم ساخته است. و با تغییر ساختارهای اجتماعی حاکم بعضا دگرگون شده‌اند و با رشد و به‌کارگیری ابزار و تکنولوژی جدید تغییر کرده و تنها عناصر فرهنگی شان به زندگی ادامه داده‌اند. بی‌گمان آگاهی به یاری‌ها و مساعدت‌های بومی و ملی می‌تواند ما را با میراث و فرهنگ، تنوع و شکل‌پذیری، تمکین تاریخی، نرمش و گرایش و احساس نوع دوستی و میل به یاری و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و حل دشواری‌های روزمره‌ی هر منطقه و دیاری که مردمانشان به ناچار و برای کار و شور زندگی خالق آن بوده‌اند، آشنا گرداند.

تا گذشته نه چندان دور در میان روستاییان مرزن آباد برای شخم زدن زمین، خرمن کردن محصول، نگهداری دام، تولید لبنیات، برداشت محصولات کشاورزی و... هم‌یاری و یاری‌گری وجود داشت که در زیر به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

شیر واره

در بین دامداران مرزن‌آباد نوعی هم‌یاری و تعاونی دام‌داری وجود دارد که بدان شیر واره گویند. البته امروزه این سنت بسیار کم رنگ شده است. شیر واره نوعی هم‌یاری و تعاونی سنتی است که با تبادل شیر بین دامداران انجام می‌شود. در کار شیرگیری بیشتر خانم‌ها مشارکت دارند و شیر واره عموماً نوعی هم‌یاری میان خانم‌های دامدار است. شیوه کار بدین صورت است که با توجه به خاصیت شیر که زود فاسد می‌شود و دامداران نمی‌توانند مدت زیادی برای جمع‌آوری شیر دام‌های خود جهت درست کردن لبنیات صبر کنند، براین اساس به صورت نوبتی، همه دامداران شیر دام‌های خود را به دیگری قرض می‌دادند تا به مقدار کافی و قابل تبدیل شدن به ماست، کره، روغن، کشک و دوغ باشد و این روش به صورت چرخشی انجام می‌شود در بین این دامداران ظرف یا پیمانه‌ای وجود دارد که شیر دریافتی توسط شیرگیر یا واره‌گیر پیمانه می‌شود. بسته به تعداد دام و مقدار شیر، نوبت استفاده از شیر به دیگر اعضا می‌رسد در تشکیلات شیر واره همه‌ی دامداران اعم از دام-داران بزرگ و حتی آنانی که فقط یک راس دام دارند می‌توانند شرکت کنند.

کوپا سَری

در قدیم کشاورزان پس از جمع آوری گندم و جو بلافاصله آن را خرمن کوبی نمی کردند. بلکه برای ارتقاء مرغوبیت محصول، آن را روی هم انباشته می کردند و به آن کوپه یا کوپا می گفتند. از روز قبل از کوپا به کشاورزان محل اطلاع می دادند که مثلاً فردا کوپا داریم، عده ای داوطلب می آمدند و در خرمن کردن محصول کمک می کردند و سپس صاحب خانه و یا صاحب زمین یا کشاورز به جبران لطف داوطلبین در حد توان مالی خود بعد از اتمام کوپا سفره بلندی از غذا پهن می کرد و همه یاری دهندگان از آن غذا میل می کردند. البته در موقع لزوم شخص یاری گیرنده نیز به کمک و یاری افراد دیگر می رفت و این عمل باعث وحدت و دوستی میان این مردم می شد.

روجاری

در این تعاون اهالی یک محل یا طایفه برای درو و سایر امور مربوط به کشاورزی به یاری هم می رفتند. کسانی که برای روجاری فراخوانده می شدند، حق داشتند تا در مواقع ضروری از دیگران کمک بگیرند. در این معنا روجاری را می توان به عنوان یکی از اشکال تغییر شکل یافته ی کایّری = کاریاری دانست. اما در کایّری ارائه ی کار جمعی نیاز به بازپس دادن حتمی کار نبوده است و با این تعبیر می توان آن را شبیه تعاون از نوع قرضی تلقی نمود. با این تفاوت که قرضی جنبه ی طلبکارانه تری از روجاری داشته است و دارد.

کیله کنی

کیله بزبان محلی نهر معنی می دهدکندن زمین و ایجاد نهرآبه ها در اطراف و داخل مزارع و محل و همچنین تمیز و لایروبی کردن نهرهای قدیمی جهت آبرسانی به کشتگاه ها و مزارع را کیله کنی می گویند. در قدیم کشاورزان مرزن آبادی جهت ایجاد نهر آب، حفرکانال و کندن زمین برای استفاده از آب و کشاورزی که کاری بس طاقت فرسا و به گونه انفرادی بسیار دشوار بود با کمک و هم یاری یکدیگر بدین کار اقدام می نمودند.

کایّری

متداول ترین و قدیمی ترین شکل تعاون و یاری در مناطق مختلف مرزن آباد کایّری نام دارد. در این نوع تعاون، افراد رایگان و بی چشم داشت و با توجه به ضرورت و نیاز داوطلبانه به کمک هم می رفتند. به معنی واقعی تر، این یاری ویژه ی دورانی بوده است که در آن

پول به صورت امروزی وسیله ی مبادلات به شمار نمی رفته است. مبادله ی کالا با کالا، کار با کالا، کالا با کار، کار با کار، مضمون بازار و روابط داد و ستد روزگارانی به شمار می رفت که کاپیری یک قدم فراتر از این مناسبات می درخشید .

هم بندی

دو کشاورز که هر کدام یک اسب داشتند، اسب های هم را "هم بند" و یا "هم دوش" می کردند. و با اسب های هم بند کار خرمن کوبی یکدیگر را به انجام می رساندند.

مراسم طلب باران

باران خواهی و طلب باران از آیین های جمعی کشاورزان مرزن آباد است . هنگامی که چشمه ها می خشکید و رودخانه از آب تهی می شد و خشک سالی بروز می کرد، مردم دست به دعا بر داشته و مراسم طلب باران را اجرا می کردند .

آیین باران خواهی در روستاهای مختلف مرزن آباد به اشکال مختلف زیر اجرا می شده است: - برای باران خواهی و رفع خشک سالی در روستای ولشت رسم بود، مردان شیر دام خود را گرفته همراه آن مقداری برنج برداشته و به قبرستان می رفتند و در آن جا شیر برنج می پختند و همراه با دعا و راز و نیاز و واسطه قرار دادن پاکان و اموات، از خداوند باران طلب می کردند. گاه در بعضی از روستاها پس از پخت شیر برنج و توزیع کردن آن میان مردم، مقداری از آن را با این باور که باران ببارد روی پشت بام می گذاشتند.

- در روستاهای طویر و برار به منظور طلب باران عده ای به درب منازل روستاییان رفته و از آنان وسایل پخت آش را طلب می کردند. سپس در روز معینی اهالی در مکان مقدسی مانند مسجد، تکیه و امامزاده جمع می شدند و پس از پخت آش مراسم دعا و روضه خوانی انجام می شد و از خداوند طلب باران می کردند.

- در بسیاری از روستاهای مرزن آباد به امام زاده رفتن و ریختن آب روی مقبره، یکی دیگر از شیوه های باران خواهی بود. در این مناطق کشاورزان دسته دسته به طرف امام زاده ها و بقعه های محل سکونت خود رفته و در آن جا به دعا می پرداختند و یک کاسه آب به نیت آمدن باران بر روی قبر امامزاده می ریختند.

- در روستاهای پنجک و دلیر در مواقع خشک سالی جلد قران (جلد پارچه ای) را در آب خیس می کردند و معتقد بودند با این کار باران خواهد آمد.

- در مرزن آباد نماز باران یکی دیگر از مراسم باران خواهی بود که امروزه هم انجام می شود. به این ترتیب که مردم روستا به طور گروهی به اتفاق ریش سفیدان محل بر سر زمین های کشت و مزارع رفته و به ذکر دعا و نماز می پردازند.

آفتاب خواهی

از آن جا که اساس معیشت و کشاورزی بر پایه آب است، بنابراین کم و یا زیاد بودن باران و آب مشکلاتی را ایجاد می کند. اگر باران کم بیارد و مردم دچار کمبود آب شوند مراسم خاصی را به جای می آورند که به بعضی از آن ها اشاره شد. در مقابل در روستاهای مرزن آباد اگر باران زیاد می بارید و مانع فعالیت کشاورزی می شد و یا سیلاب به راه می افتاد و زندگی را بر آنان سخت می کرد راهکارهای زیر انتخاب می شد:

- در روستای ولشت مرزن آباد برای قطع شدن باران نام چهل فرد تاس یا کچل را بر روی کاغذی می نوشتند و بر درختی آویزان می کردند. به این نیت که آفتاب بیاید و زنان شعر زیر را به صورت گروهی می خواندند:

آقوتوقوتو آجارِ رم بپیسِه	درختان از پرابی و رطوبت زیاد پوسیدند
کَرْدِکیلی بِن بپیسِه	شلوار چوپان بر روی پا هایش پوسید
پیرزنا کِل سی بمرده	پیرزن از سرما مرد
کی کولی بمرده	مرغ درون لانه اش از سرما مرد.

- در روستای برار برای آفتاب خواهی، خانم ها دو تکه چوب به دست گرفته و بر هم می زدند و در کوچه ها به را افتاده و می خواندند: آخود کلا آفتاب بیار.

- در روستای طویر بر روی یک کاغذ، اسامی چهل کچل از هر محله ای که می شناختند را می نوشتند و کاغذ اسامی را به فرزند پسر بزرگ یکی از خانواده ها می دادند تا او کاغذ را از درختی آویزان کند. سپس همچنان که منتظر قطع باران بودند یکی از خانم های مُسن شعر زیر را می خواند:

کَلِ کَلان، شاه کَلان، کله حسن و... به همین ترتیب نام همه ی چهل فرد کچل را در شعر می آورد.

- در روستا میجکار هنگامی که باران به مدت چند روز ادامه داشت برای بند آمدن آن کودکان روستا قوطی حلبی را به نخ می بستند و دو سر نخ را می گرفتند و در کوچه های محل راه رفته و دسته جمعی شعر زیر را می خواندند:

قوطی قوطی آفتاب کن، یک مشمت برنج تو آبا کن، ما بچه های گرگیم، از سرمایی بمردیم، یا قران، یا کتاب فردا بشه آفتاب.

- در روستای پردن گون رسم بود برای قطع شدن باران پسر اول یکی از اهالی روستا آلك یا غربال را بر روی سر می گذاشت و بچه های کوچک تر نیز به دنبالش روانه می شدند و خانه به

خانه از محله عبور می‌کردند و درب خانه‌ها را می‌زدند از صاحب خانه نان، پنیر، چای و تنقلات می‌گرفتند و به مسجد رفته دعایی خوانده و مواد غذایی جمع آوری شده را استفاده می‌کردند.

- در روستای الیت برای بند آمدن باران فلفل سیاه را در آتش می‌انداختند تا بسوزد به نیت اینکه باران قطع شود.

۲,۷) موسیقی محلی

در مازندران هم مانند اکثر نقاط ایران، موسیقی با زندگی مردم همراه و عجین است. در شالیزارها، جنگل‌ها، دریا، در مراسم شادی و عزا و در هم‌راهی با مراسم مذهبی، موسیقی مازندران نقش چشمگیری دارد. موسیقی مازندران به دو گروه عمده قابل تقسیم است: موسیقی بامتر آزاد، موسیقی بامتر معین. مقام خوانی از شرق تا غرب موسیقی مازندران بامتر آزاد شامل آهنگ‌هایی است که در قالب مقام‌ها و با حالت آوازی اجرا می‌شوند. مقام خوانی از شرق تا غرب مازندران رایج است و مقام‌ها در شکل‌ها و نام‌های گوناگون متجلی می‌شوند. متداول‌ترین مقام‌های موسیقی بومی مازندران عبارتند از:

مقام امیری:

معروف‌ترین مقام بین مردم مازندران است. این آواز زیبا و دل‌انگیز به تنهایی می‌تواند بیان‌کننده خصایص و ارزش‌های موسیقی مازندران باشد. آواز امیری بیشتر در جنوب مازندران متداول است و شعرهای زیبا و تصویرگر امیر پازواری، شاعر بلند پایه مازندرانی (بابل)، زینت بخش آواز امیری است. مقام امیری در دو نوع امیری بلند و امیری کوتاه اجرا می‌شود و به همت شادروان استاد ابوالحسن صبا، مقام امیری مازندران ثبت شده و در کنار سایر گوشه‌های آواز دشتی در ردیف استاد صبا قرار گرفته است.

مقام کتولی

از مقام‌های معروف مازندران است که بیشتر در قسمت‌های شمال مازندران متداول است. آوازهای کتولی در نوع خود زیبایی ویژه‌ای دارد. مقام کتولی، حاوی مضامین بلند اخلاقی، قومی، اعتقادی و گاه توصیفی است. کتولی در ۳ نوع مختلف کتولی کوتاه (کل حال)، کتولی متوسط (میون کتولی) و کتولی بلند (بلند کتولی) اجرا می‌شود. علاوه بر امیری و کتولی، مقام‌های ولک سری، توری (طبری) و طالبک (طالبیا) را می‌توان نام برد.

چاووش خوانی

چاووش خوانی نیز از مقام های معمول مازندران است که در استقبال یا بدرقه زائران مشهد، کربلا، نجف یا مکه خوانده می شود. چاووش خوان، پیک خبردهنده است که مردم را در حال و هوای اعتقادی و توجه به مقدسات قرار می دهد.

مضمون عمومی در موسیقی مازندران، مسایل حماسی و اعتقادی و پرداختن به بیان ارزش-هاست. با این که موسیقی مقامی نواحی مختلف مازندران شباهت کلی و عام به هم دارند، اما در هر منطقه، بنا به شرایط اقلیمی و خصایص فرهنگی و نوع ارتباطات اجتماعی، رنگ و حالت مشخص تری می یابد. مثل سادگی در مازندران موسیقی هایی با متر معین به بیان ترانه هایی اختصاص دارد که عموماً دارای مضامین توصیفی و عاشقانه هستند.

ترانه های مرزن آبادی نیز با ملودی هایی ساده و روان و اشعاری لطیف و بی پیرایه، سخنان دلنشینی را بیان می کنند که جذابیت خاص یافته و در یادها باقی می ماند. ترانه های اصیل این منطقه با عناوین و نام های خاص، بیان گر قدمت و سابقه طولانی حوادث و مسایلی است که ریشه در زندگی مردم این سامان داشته و به زمان حال رسیده اند

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم

سنت‌های شفاهی

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه:

در هر جامعه ای، به طور معمول، ادبیات نانوشته‌ای وجود دارد که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و جزئی از نظام فرهنگی آن جامعه شده است. این ادبیات که «ادبیات شفاهی» نام دارد بخش مهمی از «فرهنگ مردم» و میراث معنوی گذشتگان به شمار می‌رود و حکایت‌کننده فراز و نشیب‌های زندگی، شادی‌ها، اندوه‌ها، دانسته‌ها، عشق‌ها، نفرت‌ها، باورها و خواسته‌هایی است که رها از قید ثبت و نگارش، به شکل شفاهی از پیشینیان به آیندگان می‌رسد و از طریق آنان استمرار می‌یابد. ترانه‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، لالایی‌ها، مثل‌ها، دوبیتی‌ها و افسانه‌های محلی، بخش مهمی از فرهنگ عامه و منبع گرانبهایی برای پژوهش‌گران فرهنگ‌شناس هستند.

فرهنگ‌شناسان و در راس آنان مردم‌شناسان، با استفاده از آثار فولکلوریک که از کهن‌ترین میراث فرهنگی انسان هاست و خاستگاهی جز زندگی ساده و فعال آنان ندارد، می‌توانند به ژرفای زندگی مردم راه یابند و از اندیشه‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و به طور کلی تطور و دگرگونی فرهنگ مردم آگاه شوند. فرهنگ‌های عامه، از مضامین غنی مبتنی بر گروه‌های سنی، جنسی، قومی و همچنین نهادهای اجتماعی مانند خانواده برخوردارند که با تحلیل آن‌ها می‌توان نوع نگرش، هنجار و جایگاه اجتماعی هر یک از این گروه‌ها را مشخص کرد. این مطالعه و بررسی برای هر جامعه‌ای مفید است؛ زیرا می‌تواند

نکات مبهم فرهنگی و اجتماعی را آشکار کند. در این قسمت با توجه به تعاریف ارایه شده از سنت‌های شفاهی به نمونه‌ای چند از آن در مرزن‌آباد پرداخته می‌شود.

۳،۱) داستانها و افسانه‌های محلی

در بیشتر لغت‌نامه‌ها و منابع فارسی کهن و گاه در کاربردهای امروزی، «قصه»، «افسانه»، «حکایت»، «اسطوره»، «روایت»، «مثل»، «نقل» و «داستان» مترادف یکدیگر آمده‌اند و هر یک به جای دیگری به کار برده شده است. این معانی گاه چنان درهم تنیده‌اند که داوری درست درباره حوزه معانی خاص آنها بسیار دشوار است (جعفریان، ۱۳۷۸).

جوزف شیپلی در فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان، تعریفی بسیار کلی از قصه ارایه کرده است: «به هر داستان منقول، چه به شعر و چه به نثر، قصه می‌گویند» (شیپلی، ۱۳۷۰). جمال میرصادقی در ادبیات داستانی می‌گوید: «به آثاری که در آنها بر حوادث خارق العاده بیشتر از تحول و پرورش آدم هاست قصه می‌گویند. در قصه محور ماجرا بر حوادث خلق الساعه می‌گردد» (میرصادقی، ۱۳۷۶).

«چون قصه پدیده‌های فوق العاده متنوع و متکثر است و بدیهی است که نمی‌توان آن را با تمام بسط و شمولش بررسی کرد، باید مواد قصه را به بخش‌هایی قسمت نمود، یعنی باید به رده بندی آن پرداخت. صحت و درستی تمام مطالعات بعدی، منوط به درستی تحقیق است» (پراپ، ۱۳۶۸). چون قصه‌ها از تنوع و پیچیدگی‌های خاصی برخوردارند، طبقه بندی کردن آنها همیشه نیازمند تعبیر و تفسیر عناصر مهم و برجسته در طرح‌های گوناگون قصه است و از آنجا که این تعبیر و تفاسیر نزد هر محقق متفاوت است، طبقه بندی‌ها هم بر اساس معیارها و نیت محقق، که با چه هدفی به سراغ قصه‌ها می‌رود، با یکدیگر تفاوت دارند. تاکنون قصه‌شناسان بر سر طبقه بندی واحدی با هم به توافق نرسیده‌اند.

جمال میرصادقی، داستان نویس معاصر، طبقه بندی نسبتاً جامعی را از قصه‌ها به قرار زیر به عمل آورده است.

- ۱- افسانه تمثیلی که درباره حیوانات است ۲- حکایات اخلاقی که شخصیت هایش انسان‌ها هستند.
- ۳- افسانه پریان ۴- افسانه پهلوانان (شامل پهلوانان تاریخی و افسانه‌ای) ۵- اسطوره (میرصادقی، ۱۳۷۶).

نمونه‌ای از قصه‌ها و اسطوره‌های مرزن آباد

قوز بالای قوز

مردی که قوز داشت، شبی از خانه بیرون رفت و دید مجلس شور و نشاطی برپاست. مرد از آدم‌های آنجا پرسید: چه خبر است؟ گفتند: عروسی شاه پریان. مرد شروع کرد به رقص و پای کوبی. شاه پریان از حرکات مرد خوشش آمد و گفت: هر خواسته‌ای که این مرد دارد، برآورده سازید.

او درخواست کرد که قوزش برداشته شود و آن‌ها برداشتند. مرد قوزی دیگری که در همسایگی این مرد زندگی می‌کرد از ناپدید شدن قوز او شگفت زده شد و پرسید: «چگونه توانستی آن قوز را برداری؟» مرد ماجرا را گفت. مرد قوزی دوم شبی از خانه بیرون رفت و متوجه شد که مجلسی برپاست. با خود گفت: امشب همان شب است و بی آنکه از کسی چیزی بپرسد، داخل مجلس شد و شروع کرد به رقص و پای کوبی. شاه پریان که پسرش مرده بود عصبانی شد و گفت: این مرد را مجازات کنید. مرد از آن‌چه می‌ترسید بر سرش آمد و خدمت‌کاران آن قوز را که از پشت مرد اول برداشته بودند، بر پشت او چسباندند و او دچار قوز بالای قوز شد (به نقل از خانم صدری صیادی نژاد معروف به ننه آقا ساکن طویر).

اسطوره اژدها

بعضی از مردم مرزن آباد بر این باورند در قدیم اژدهایی از گجور به قصد خشک کردن و بند آوردن آب رودخانه چالوس وارد این رودخانه شد، اما معجزه امامزاده خلیل اژدها را به سنگ تبدیل کرد این سنگ هنوز هم به شکل چهره اژدها وجود دارد (به نقل از رحمت الله ردایی الاملی، فرهنگی بازنشسته).

مهر مادری

پیرزنی پسری جوان داشت و همسری برایش برگزید. خانواده‌ی دختر به خاطر مادر پیر پسر با ازدواج آن‌ها مخالف بودند. پسر ناراحت شد و از مادر خواست مدتی در کلبه‌ی قدیمی کنار خانه زندگی کند. پیرزن که عشق فراوانی به فرزند داشت، پذیرفت و از او خواست گاهی او را از تنهایی در آورد.

چندگاهی از ازدواج آن دو گذشت، پسر لحظه‌ای به یاد مادر نیفتاد. مادر هم روز به روز حالش بدتر شد. روزی یکی از آشنایان به دیدن پیرزن رفت و دید حالش خوب نیست و ماجرا را به پسر و عروسش گفت و از آن‌ها خواست مادر را به خانه‌ی خود آورند. چند روز

از آوردن پیرزن نگذشته بود که عروس سر ناسازگاری گذاشت. پسر مادر را در چاه انداخت و چند روز بعد برای اطمینان به کنار چاه رفت تا ببیند مادرش مرده یا نه؟ هنگامی که بر سر چاه رسید، دید مادرش صدایش می زند که پسرم مواظب باش تا به درون چاه نیوفتی. پسر با شنیدن این حرف لرزید و به خود آمد.

خاله لاک به سر

در روستای آلامل اطراف منطقه سیاه بیشه سنگی مخروطی شکل وجود دارد که گذرآب اطرافش را صاف کرده و به شکل مخروطی شکل در آورده است. این سنگ به خاله لاک به سر معروف است زیرا به



تصویر ۱-۳: مصاحبه با یکی از فرهیختگان و آگاهان محلی (اقای رحمت الله ردایی الاملی)

زنی شباهت دارد که لاک (ظرفی) از نان بر سرش دارد. مشهور است که زنی نان تازه از تنور به سمت خانه اش می برد که امامزاده اسماعیل از او در خواست نان می کند و آن زن از هیبه ی نان (هدیه دادن نان) امتناع می کند و به خواست امامزاده اسماعیل، آن زن به شکل سنگ در آمده است (به نقل از رحمت الله ردایی الاملی، فرهنگی بازنشسته).

۳,۲ ضرب المثلها

مثل، سخن کوتاه و مشهوری است که به قصه ای عبرت آمیز یا گفتاری نکته آموز اشاره می کند و جلوی توضیح بیشتر را می گیرد. وقتی مثل گفتن صورت بی ادبانه پیدا کند ان را «متلک» می گویند.

در همه ی زبان های دنیا ضرب المثل وجود دارد و بعضی از مثلها در همه ی زبانها به هم شباهت دارد (یاوری، ۱۳۸۸).

عبارت مثل، گاهی کوتاه است و در دو یا سه کلمه خلاصه می شود مانند (فیل و فنجان) که می فهماند دو چیز از جهت کوچکی و بزرگی با هم تناسب ندارند. این مثل در اصل دارای پنج کلمه بوده (آب دادن فیل با فنجان) ولی معمولاً با همان دو کلمه به اصل مثل اشاره می کند.

عبارت مثل گاهی دراز است و گاه یک کلمه ساده است و گاه یک خط شعر هم چون شعر زیر:

شتر در خواب بیند پنبه دانه
گهی لپ لپ خورد گه دانه دانه

اهمیت و کارکردهای مثلها

یکی از مواردی که می توان درباره اهمیت و ارزش مثلها و کاربرد آنها ذکر کرد، وجود ضرب المثل های فراوان و استفاده از آنها در کتابها و متون دینی است. دانستن مثل ها، گفتن و نوشتن را آسان می کند زیرا این جملات کوتاه و زیبا است و بر دل می نشیند و گفتگوی دراز را کوتاه می کند و اگر در جای خود استفاده شود اثرش بیشتر می شود. علاوه بر فواید یاد شده مورخین، جامعه شناسان و مردم شناسان در بررسی روایات و اخلاق و فرهنگ مردم قدیم از مثلها استفاده می کنند.

در ادامه به چند مثل متداول در منطقه مرزن آباد اشاره می شود:

• بَزَکِ نَمیرِ فردا باهار

کنایه از وعده سر خرمن

• بِلَسکِ کِلِه بِنِگینی گَنه کار خیر دار وُن

بِلَسک به معنی: سیخ کِلِه: اجاق گلی بِنِگینی: بگذاری منظور فردی که خطایی ازش سرزده با دیدن سیخ داغ شده، خود را لو می دهد.

• بَخور بَمیر بهتره تا آرْمون به دل

آرْمون به معنی: آرزو

بخورم مریض شوم، حتی اگر بمیرم خیلی بهتر است تا آرزوش به دلم بماند



تصویر ۲-۳: مصاحبه با آگاهان محلی روستای برار

- گُوک نکرْد کِرس ها کُنه
گُوک به معنی: گوساله کِرس: فضا یا جایی که برای گوساله درست می کنند
گاو هنوز زایمان نکرده برایش جا درست می کنند.
- بز بزِ اِشینه پلهم خُورن
پلهم: گیاه خودرو
بز این گیاه خودرویی که می روید را نمی خورد ولی وقتی میبیند یک بز شروع به خوردن کرد او هم به محض دیدن شروع به خوردن می کند. (کنایه از چشم و هم چشمی)
- دونه که دوی انباره پلا پیتن چه کاره
برنج که در انبار باشد پلو پختن کاری سخت نیست
منظور موجودی باشد خرج کردن که هنر نیست (به نقل از خانم سراره ردایی و خانم بالا خانم ردایی ساکنین روستای پردن گون).
- اسیر شیه اشکمه
اسیر شکم خودش است
به افراد شکم پرست میگویند
- از شانس محمود دریا هاگنه دود
از شانس محمود آب دریا خشک شده و دود می کند
کنایه از بد اقبال و بد بیاری کسی که هر جا پا بگذارد قحطی و بد بختی همراهش باشد.

- اسب هادا خر هایتِه از خوشحالی پر هایتِه
اسب داده خر گرفته از خوشحالی پر گرفته
چیزی با ارزش دادن و در مقابل چیز کم بها دریافت کردن و تازه خوشحال از این معامله بودن
- این توبه سگ بویه دیر خربزه پوس نکِلاشه
این توبه سگ باشد بعد از این پوست خربزه را نخرشد چون چیزی عاید سگ نمی‌شود.
وقت گذاشتن برای امری بی ارزش که سودی نداشته باشد (به نقل از خانم هاگلثوم، سیما و عزیزه طویر سیاری ساکنین روستای طویر).
*دوای دله شه سیره نرخ معلومها گنه
وسط دعوا و درگیری دو نفر دنبال نفعی برای خود بودن
از آب گل آلود ماهی گرفتن
- شی کَمَل هال بویه دیوار کار دویه
شوهر پر کاه کنار دیوار باشد باز وجودش ارزش دارد
قدر شوهر را دانستن و اعتقاد داشتن به این که بعد از مرگ شوهر زن روزگار خوبی نخواهد داشت
- هر دَسْتِ همرا که هادای همون دست همرا گیرنی
با هر دست بدی با همان دست می‌گیری
هر عملی از انسان سر بزند بازتابش به او بر میگردد
- هودی ر نون قرض دَته
به همدیگر نون قرض می‌دهند
بیهوده از همدیگر تمجید کردن
- سگ خونه سازه؟ سگ خونه چمازه
مگر سگ خانه می‌سازد؟ خانه سگ بوته سرخس است
به آدم بی تعهد و غیر مسئول گفته می‌شود که در فکر زندگی نیست
- داشتیمه داشتیمه هنر نیه دارمه دارمه هنر
داشتیم داشتیم هنر نیست دارم دارم هنر است
به گذشته افتخار کردن هنر نیست به زمان حال افتخار کن اگر چیزی برای ارایه داری

- ناچار وینی گل پیر بُتن بابا
به ناچار بایستی به ناپدری گفت بابا
گاهی اوقات به اجبار و مصلحت باید بعضی چیزهای ناخوشایند را قبول کرد
- نداشته چنازه سر موری هاگردن
چنازه‌ای در کار نباشد و بیهوده گریه و زاری کردن
پیشاپیش برای اتفاق نیافتاده هیاهو کردن (به نقل از سکینه و گلی کیا پاشا از روستای برار)
- تی سا پلا خورش وُنه
خورش برای کته خالی می‌شود
از روی ناچاری چیزی را پذیرفتن
- سگ زور زور نُونه بُوردن شکار
سگ را بزور نمی‌شود برد شکار
تا کسی دلش نخواهد به اجبار نمی‌شود از او کار گرفت
- بشیه ابرور بیره شه چشم کورها کرده
رفت ابرو را مرتب کند چشم را کور کرد
کسی به خواهد کار انجام دهد منجر به شر شود
- چم چمه مستون بی فکر زمستون نوی
زمانی که مستانه مثل بلبل می‌خواندی فکر زمستونت را نکردی
به فکر آینده نبودن (به نقل از صالحه مطهری و غزاله و معصومه رحیم حسینی از روستای برار)

۳,۳ طنز شیرین و تلخ

طنزها گاهی تنها سرگرم کننده اند و گاه در عین سرگرم کنندگی، آدم‌های شیرین عقل و ساده لوح را به نمایش می‌گذارند. شخصیت‌های شیرین عقل گاهی به یاری آدم‌های عاقل کار خود را به پیش می‌برند و گاه با ظاهری ساده درونی پیچیده دارند و خود به خود کارهای خویش را رسیدگی می‌کنند و دارای زیرکی‌های ویژه‌ی خود هستند. برخی از شخصیت‌ها ستم‌گرد و درون مایه‌ی تلخی از عملکردهای آنان آفریده می‌شود. طنز این شخصیت‌ها به هجو نزدیک است، اما شخصیت‌های دیگری هم هستند که قهرمان واقعی نیستند و با سادگی و لودگی و به یاری شانس در کارهای خود به پیروزی می‌رسند. بنابراین

طنزهای شیرین و تلخ آدم‌های ساده، زیرک، لوده و ... از مؤلفه های این قصه‌ها است با این تعاریف به تعدادی از طنز منطقه مرزن آباد اشاره می‌شود.

* یک روزی از طرف دام‌پروری می‌روند گاوداری یک دام‌دار واز او می‌پرسند: شما به گاوها چی میدهید تا بخورند. دامدار می‌گوید پوست هندوانه، طالبی و ... دویست هزار تومان جریمه اش می‌کنند. مدتی بعد مجدداً می‌آیند و می‌پرسند چی می‌دهید به گاوها تا می‌خورند؟ دامدار می‌ترسد و می‌گوید: چلوکباب، چلومرغ، و ... این بار پانصد هزار تومان جریمه می‌شود. بازرسان چند وقت دیگر مراجعه میکنند و همان سؤال را می‌پرسند فرد می‌گوید پولش را می‌دهم گاوها خودشون میرن هر چی میخوان می‌خرن می‌خورن.

* یک روزی یک نفر صبح از خانه بیرون می‌آید می‌بیند سرکوجه یک پوست موز افتاده، با خودش می‌گوید: ای داد بیداد، باز امروز قراره یک زمینی بخوریم.

* یک فردی داشت برای دوستش تعریف می‌کرد: آره، چند وقت پیش داشتم توی جنگل می‌رفتم، که یک دفعه یک شیر وحشی به من حمله کرد، من هم نتوانستم فرار کنم شیر هم منو گرفت و خورد دوستش می‌گوید: آخه چطوری می‌شود؟ تو که الان زنده‌ای و داری زندگی می‌کنی فرد می‌گوید: ای بابا، کدام زندگی؟ تو هم به این می‌گویی زندگی؟

* به یک آقای می‌گویند با آره برقی ۱۰ تا درخت قطع کن، به تو جایزه می‌دهیم. فرد ۹ درخت قطع می‌کند و خسته می‌شود. به او می‌گویند پاشو روشن اش کن یکی دیگر بیشتر نمانده، می‌گوید مگر روشنم می‌شود.

* یک دانشمند یه تکه یخ گرفته بود رو به بالا و خیلی متفکرانه به آن نگاه می‌کرد. رفیقش از او پرسید: چه چیزی را نگاه می‌کنی؟ او می‌گوید: ازش آب می‌چکه ولی معلوم نیست کجاش سوراخه است.

* یک فردی می‌رود در صف نانوایی، شاطر می‌گوید: نان تا این جا بیشتر نمی‌رسد، بقیه بی- مورد نایستند آن آقا به مردم می‌گوید: ببخشید اگه می‌شود جمع‌تر بایستید نان به ما هم برسد.

۳,۴) چیستان

چیستان آن است که نام چیزی را پوشیده دارند، اما با ذکر اوصاف آن از شنونده بخواهند که نام آن چیست. در چیستان به جای ذکر اسم چیزی، اوصاف آن را بیان کنند و خواننده در ضمن آن اوصاف پی به مورد وصف می‌برد. چیستان ممکن است یک بیت یا یک شعر کامل

باشد. و چون بیشتر در هنگام طرح آن از لفظ «چیست آن» استفاده می‌شود به آن «چیستان» گویند و گاه این لفظ را به کار نمی‌برند (شمسیا: ۱۳۸۳).

چیستان را از دیرباز در ادبیات ملل مختلف می‌توان سراغ گرفت. در ادبیات عربی، عبری، یونانی، لاتینی و انگلوساکسون (انگلیسی کهن) نمونه‌های متعددی از چیستان یافت می‌شود. در آثار برجا مانده از ادبیات انگلوساکسون، غالب چیستان‌ها وصف یا تشریح خصوصیات اشیا و عوالم است و در پایان هر چیستان همواره سؤالی مندرج است که مخاطب، اسم موضوع چیستان را استفسار می‌کند. تفاوت چیستان‌های انگلوساکسون با چیستان‌های فارسی در آن است که چیستان‌های فارسی پرسش را در آغاز مطرح می‌کند و بیشتر با جمله «چیست آن» شروع می‌شود در صورتی که در ادبیات انگلوساکسون این پرسش در پایان چیستان ذکر می‌شود.

انواع چیستان

چیستان‌ها را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

- الف) چیستان‌هایی که شاعران سروده‌اند و سپس سینه به سینه به ما رسیده است.
- ب) چیستان‌هایی که ریشه در فرهنگ مردم داشته و سینه به سینه انتقال یافته و سپس به شعر درآمده که به آن چیستان‌های عامیانه می‌گویند.
- ج) چیستان‌هایی که به رخسار نثر درآمده و بیشتر با «آن چیست» آغاز شده است. مانند این چیستان درباره‌ی قلم:

آن چیست که می‌نویسد، ولی نمی‌تواند بخواند؟ (حیدریان: ۱۳۷۲).

نمونه‌های از چیستان‌های مرزن آباد

سرش بسته، تهش بسته، میانش صد عروس رو بسته؛

جواب: انار

آن چیست که تیز است و تبر نیست، سفید است و برف نیست، ریشه دارد ولی درخت نیست؟

جواب: دندان

دو برادر در کنار هم ولی نمی‌توانند همدیگر را ببینند.

جواب: چشم

آن چیست سرش را ببریم گریه می‌کنیم؟

جواب: پیاز

آن چیست که گاو سیاه روی گاو زرد نشسته است؟

جواب: دیگ روی آتش

آن چیست هر چه کثیف تر شود سفید تر است؟

جواب: تخته سیاه

آن چیست یکی دو تا نمی شود، دو تا سه تا نمی شود، سه تا چهار تا نمی شود؟

جواب: خدا، شب و روز، نماز مغرب (به نقل از خانم‌ها ماه نسا و سکینه ابراهیمی)

آن کدام مرغ است که سر نبریده حلال است؟

جواب: ماهی

آن چیست داخل طلا و بیرون نقره؟

جواب: تخم مرغ

آن چیست شش پا دارد و دو سم، میان کمرش یک دم؟

جواب: ترازوی سنتی (به نقل از خانم زینب رحیمی)

حیوانی است موزی، سر تا پا طلادوزی، گر با او کنی بازی، صد ناله بر اندازی؟

جواب: زنبور

آن چیست بی جان است ولی دنبال جان دار می گردد؟

جواب: تفنگ

بالا سنگ و پایین سنگ، بالا دو لوله تنگ، بالا دو شمع روشن، بالا دو نخ باریک، بالا تخت

سلیمان، بالا جنگل و بیابان؛

جواب: سر (بنقل از خانم گل بانو محمدی)

۳,۵) ترانه های محلی

به طور کلی انواع ترانه هارا می توان به شرح زیر تعریف نمود:

۱- ترانه های بومی: ترانه هایی با رنگ محلی که ورد زبان اهالی یک محل و روستاهای اطراف آن ناحیه است. در این ترانه ها، حرکت آهنگ (ملودی) و تأکیدات (آکسان های) شعری بر پایه ی لحن قدیمی محلی همان نواحی است ترانه های گیلکی، شیرازی، خراسانی و کردی و لری و غیره از این دست هستند.

۲- ترانه های قومی: ترانه هایی در حال و هوای آداب و رسوم، تفکرات و توتّم‌ها و عقاید اقوام با به کارگیری واژه های مصطلح در زبان و گویش های قومی هستند.

۳- ترانه های عامیانه: ترانه های معمول و مشهور و جاری به زبان عوام که به سادگی واژه‌ها و مضامین مختلف نزدیک به تفکر و زندگی مردم و به کار بردن اصطلاحات عادی و سادگی وزن قابل درک همگان، متصف است. این ترانه‌ها در یک بعد زمانی بیشتر از زبان خلق، شنیده و زمانی کاملاً به فراموشی سپرده می شود.

۴- ترانه‌های حرفه ای: ترانه هایی که به مناسبت حرفه و پیشه معمولاً از زبان مردم صاحب حرف باکلامی ساده و عامیانه به گوش می رسیده و از خصوصیات ترانه های حرفه ای، اینکه اشارتی به حرفه مربوط از ترانه می شده است. مثلاً ترانه هایی که جهت برداشت خرمن و انواع کشت، خوانده می شده است.

۵- ترانه های عاشقانه: ترانه هایی که به مناسبت هماهنگی احساسی و سخن عشق، در میان مردم طرفداران و گویندگان بیشتری داشته باشد.

۶- ترانه های توصیفی: به طور کلی در مقام وصف و ستایش سروده شده اند. در دوایین سعدی، نظامی و فردوسی از این دست ترانه‌ها ملاحظه می شوند که گاهی زیبایی های طبیعت و زمانی افرادی را که در نظر آن‌ها تشخیص داشته اند، موصوف قرار داده اند.

۷- ترانه های کودکان: ترانه هایی متناسب با ذوق و علاقه کودکان، به تناسب رشد، سن و دریافت آن‌ها. ترانه های مذکور از واژگان مورد علاقه کودکان و به زبان قابل فهم آنان ساخته شده است.

۸- ترانه‌های نوروزی: ترانه های نوروزی به خاطر طلیعه نوروز و ایام بهاران، بیان‌گر عواطف رقیق مردم در توصیف نوروز و فصل بهار است. ترانه های نوروز گاهی در لباس طنز و کنایه از دورنگی‌ها و نامردمی های طبقه حاکم سخن می گوید.

۹- ترانه های عروسی: ترانه های ویژه جشن پیوند زناشویی که در میان هر قوم و ملتی رایج است. مانند ترانه «مبارک باد» در ایران. در ترانه های عروسی بعضی جملات به صورت بندهای تکراری ادا می‌شود، مانند جمله: بادا مبارک بادا، ایشاله مبارک بادا (گلشن، ۱۳۸۶).

همه این ترانه‌هایی که تعریف گردید از انواع «ترانه های محلی» هستند؛ چون ترانه های محلی امروز دیگر فقط منحصر به روستاها و صحراها و اقوام و ایل و قبیله نیست، بلکه در برخی از مناسبت‌ها ترانه محلی در شهرها و موقعیت های شهری نیز از درون گروه های مردمی می جوشد، مقبولیت عامه پیدا می کند، خوانده می شود و استمرار می یابد. چند نمونه ترانه محلی مرزن آبادی به شرح زیر است:

توکه رفتی نگفتی چه کنم، من
در این محله نگاه برکه کنم من،
در این محله همه گبر اند و کافر،
میون گبر و کافر چه کنم من،
توکه رفتی نکردی دل نمایی،
من از لُج نگفتم کی می آیی،
چراغ مجلس و نور الهی،
سلامت بویی و هر وقت بیایی.

تبرستان
www.tabarestan.info

جان خُدا شهرِ تِهرونِ قُربون،
یه تا کفگیرِ پِلاتِ شومِ قُربون،
پنج هزار پول ناهارِ قلیونِ قُربون،
عزیزِ (گوک) کسَمشی جوونی قُربون.

بورم مَسجدو هاکِرمِ نِماز،
خراب مَکارو روزِ دِ دَوَباس،
پولی نِپه تِ رِ نَزینِ سَرواز،
تو کفیلِ تِ عَمیرِ بُوو دِرِراز.

یار می یار بوی، عاشق دلدار بوی
صاحب کردار بوی، عشق منصور

زمین و سبزه را ناله کنم من،
به درد عاشقی ناله کنم من،
همه گویند تو ترک یار خود کن،
کجا ترک گل لاله کنم من.

امام خواندم امام اولین را، شه کشور امیرالمومنین را، زبان بگشا بگویم این سخن را، امام دومین نام حسن را، امام سومین شاه شهیدان، حسینم کشته شد تیر لعینان، امام چهارمین زین العباد، گل باغ حسین نامراده، امام پنج بخوانم من ز باقر، گل گلدسته ی آل پیغمبر، امام شش بخوانم من ز جعفر، که ضامن میشود در روز آخر، امام هفت امام موسی کاظم، ز لطف او کرامت جا بسازم، امام هشت بخوانم من رضا را، رضا بخشنده ی روز جزا را، امام نه تقی خون ده تقی خون، که هر کس قرض دارد جمله ایمن، آدا فرموده‌ای یا شاه مردان، مبارک بر شما باد، امام عسگری را بنده ام من، غلامی می‌کنم تا زنده ام من، امام ده و دو ورد و زبان، محمد مهدی صاحب زمانه.

۳,۶) لالایی

لالایی‌ها از عناصر فرهنگ عامه محسوب می‌شوند که معانی و نشاناتگان خاص فرهنگی دارند. این عنصر فرهنگی از زمان های دور در فرهنگ‌ها و آداب ملل مختلف وجود داشته و بیشتر به عنوان زبانی برای برقراری ارتباط با کودکان به کار می‌رفته است. تعیین دقیق خاستگاه اولیه لالایی‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ عامه به دلیل ویژگی شفاهی بودن آن بسیار سخت و تا حدودی غیر ممکن است، اما به یقین می‌توان گفت لالایی‌ها در میان همه ملت‌ها وجود دارد و شاید به توان گفت که جزء نخستین آثار موسیقیایی جهان به شمار می‌آید. درون مایه و ساختار معنایی لالایی‌ها بازنمای تأملات درونی، بیان عواطف و احساسات و آرزوهای فردی و اجتماعی است.

بازنمایی تصویر مادر: لالایی‌ها از مهم ترین قالب‌های مردمی هستند که در آن‌ها بر نقش زنان به عنوان مادر بیش از هر موضوع دیگری تأکید شده است. دلیل اصلی این موضوع را می‌توان در کارکردهای لالایی که ابزار اصلی ارتباط مادر با فرزندانش است پیدا کرد. مادران در چارچوب نقش مادرانه خود و به واسطه عهده‌دار بودن رسالت تربیت فرزندان، بیشترین و مهم ترین ارتباط را با فرزندان خود دارند. به همین دلیل زبان لالایی‌ها بیشتر مادرانه و زنانه است.

بازنمایی نقش نگهداری و تربیت فرزندان: یکی از نقش‌های مهم زن در خانواده و جامعه نگهداری از فرزندان است. به عبارتی، رسالت تعلیم نسل آینده با مادران است و فرزندان از دامن مادران می‌توانند به کمال برسند.

بازنمایی نیاز زنان به داشتن فرزند در چارچوب نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی یکی از مهم ترین انتظارات جامعه از زنان، فرزندآوری بود و داشتن فرزند به نوعی تضمین امنیت آتی زن محسوب می شد.

بازنمایی نقش فداکارانه مادر: در شرایط اجتماعی متفاوت، بیان احساسات و عواطف در قبال فرزندان خصلت متمایزی به خود می گیرد. به عبارت دیگر، این ادبیات و بیان واژگانی آنها ناشی از تجربه زیستی زنان در وضعیت اجتماعی سخت است. در چنین وضعیت دشواری، قربانی شدن برای فرزندان امری عادی و معمول و به لحاظ عرفی پسندیده است و تحسین اجتماعی را با خود به همراه دارد.

بازنمایی نقش آرزومندانه مادر برای فرزند: در این دسته از لالایی ها، آرزوهای متنوع مادر مانند بزرگ شدن فرزند، تن درستی، عروسی، بچه دار شدن و پیشرفت فرزند در زمینه های مادی و معنوی بازنمایی می شود.

بازنمایی رازهای مادران به فرزندان: مونولوگ (تک گویی) مادر با فرزند یکی از مهم ترین مقوله هایی است که از زبان مادر در قالب لالایی ها ارائه می شود. تحلیل این مقوله حاوی چند نکته مهم است. فارغ از کارکردهای مثبت گفتگو، از جمله تخلیه روانی مادر، مضامین لالایی هایی با این رویکرد، نشان دهنده نقد شرایط موجود از سوی مادر به زبان لالایی است؛ شرایطی که مادر امکان نقد صریح آن را نداشته و مجبور به پذیرش آن بوده است. این لالایی ها حرف های ناگفته ای است که مادر در تنهایی خود برای فرزندش بازگو می کند.

چند نمونه از لالایی های منطقه مرزن آباد

لالا لالا گلّم باشی، بخوابی بلبلم باشی، تسّلائی دلم باشی، لالا لالا لالا لالا، گل آلو، درخت برگ آلبالو، لالا لالا، گل پنبه، چراغ مجلس غمه، لالا لالا، گل خشخاش، تو آروم دل من باش، تو جان برده خدا همراش، لالا لالا، لالا لالام گلدسته، لالا لالا کمر بسته، لالا لالا گل آلو، درخت برگ آلبالو، لالا لالا، ممل گیسی، سر تنور تو نون بستی، ما رفته ایم سر تنور، مرا زردی گرم امور، لالا لالا لالا لالا.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل چهارم

سنت‌های مادی

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه:

فرهنگ مادی به مجموعه پدیده‌هایی اطلاق می‌گردد که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی است. فرهنگ مادی شامل اشیاء قابل لمس و ابزار و اشیائی است که به دست اعضا پیشین جامعه ساخته شده و به ارث به اعضا حاضر جامعه رسیده است. ابزارهای کار، وسایل کشاورزی

لباس، لوازم خانه، فنون پزشکی، وسایل تولیدی، ساختمان و بنا و دست ساخته‌های دیگر انسان از جمله فرهنگ مادی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر فرهنگ مادی در واقع مشتمل بر کلیه دست‌آوردهای مادی یا تکنولوژی است که در جامعه وجود داشته و دارد. اما در مقابل فرهنگ معنوی مشتمل بر موضوعاتی است که جنبه کیفی دارد و با موازین کمی قابل اندازه‌گیری نیست و به آسانی نمی‌توان آن‌ها را مقایسه و ارزیابی نمود. آداب و رسوم، معتقدات، اخلاقیات، باورها، آثار ادبی و هنری، فکری و دانستنی‌های عامه و غیره... که عمدتاً به وسیله زبان و خط فراگرفته می‌شوند از اجزاء فرهنگ معنوی هستند.

فرهنگ مادی و معنوی در واقع "هویت فرهنگی" هر جامعه را تشکیل می‌دهند و از دست دادن و یا عاریه گرفتن آن، ضایعه‌ای است که قومیت و ملیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. فرهنگ‌های مادی را می‌توان عاریه گرفت، توسعه داد و غنی ساخت. در حالی که عاریه گرفتن "فرهنگ معنوی" نه به آسانی امکان‌پذیر است و نه ضروری. در هر حال بین جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ، کنش‌های متقابل وجود دارد و تغییر یکی موجب تغییر

دیگری خواهد شد. در این مورد بعضی از جامعه‌شناسان یعنی پیروان مکتب "تکنوکراسی" از جمله "آگ برن" معتقد هستند که دگرگونی در تکنیک اشیاء و ابزار مادی باعث تغییر در فرهنگ معنوی و طرز افکار و عقاید مردم می‌گردد. به عبارت دیگر آن‌ها معتقد هستند برای آن‌که در فرهنگ معنوی مردم تغییری حاصل شود و به توان نظرات و عقاید خود را بر آن‌ها تحمیل کرد باید در تکنیک و تکنولوژی آن‌ها دگرگونی حاصل گردد.

بدون تردید تغییراتی که در تکنیک و ابزار کار پدید می‌آید، محصول تفکر و اندیشه یا به عبارت دیگر آموزش و پرورش است. اندیشه‌های مترقی و خلاق انسان سبب تغییر در فرهنگ مادی می‌گردد. بنابراین جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ که هر دو از جمله پدیده‌های اجتماعی هستند درهم تأثیر متقابل دارند. این کنش متقابل در درون جامعه روی می‌دهد و نمی‌توان تغییراتی را که در پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آید با عامل واحد و مشخصی تبیین کرد. بلکه پدیده‌های اجتماعی "تام" هستند و عوامل مختلفی در آن‌ها مؤثر هستند. فرهنگ مادی از آن حیث که معرف نوع افکار و احساسات و الگوهای رفتاری نسل‌های گذشته و جنبه‌های سنتی جامعه کنونی است جزئی از فرهنگ عامه به شمار آمده و بسیار اهمیت دارد.

طی پژوهش به عمل آمده در منطقه مرزن آباد، سنت‌های مادی زیر بررسی شد:

۴،۱) خوراک

خوراک یکی از ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای زیستی انسان در کنار پوشاک و مسکن است. نیاز آدمی به غذا تلاش او را برای رفع آن شکل می‌دهد. نیازی که همواره بر زمان و مکان رخ می‌نماید و تأثیرش بر روش زندگی انسان‌ها نمایان می‌شود. تأثیری که تمام ابعاد زندگی انسان تحت سیطره آن است و بازتاب آن در همه جنبه‌های زندگی آدمی به چشم می‌خورد.

علاوه بر این گاهی آداب و رسوم تغذیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد و فرهنگ حاکم بر جامعه تعیین کننده آن خواهد بود که افراد چه چیزهای بخورند و از خوردن چه چیزهای خودداری کنند.

چگونه بخورند و ترتیب خوردن چگونه باشد.

غذاهای محلی مرزن آباد

برخی از غذاهای محلی مرزن آباد عبارتند از:

- سرپ پلا: (سرپ = کله پاچه) نوعی غذا که از مخلوطی از برنج، کله پاچه و قورمه که بسیار خوشمزه و خوش عطر است درست می شود.



تصویر ۱-۴: نان و غذاهای محلی (روستای دلیر)

- جزک: از ترکیب جگر و شش سرخ کرده حیوانات درست می شود.
- فسنگان: غذای ویژه که با گردو و گوشت اردک برای ضیافتها تدارک دیده می شود.
- چینگات: غذای ویژه گله داران مرزن آبادی است. آنان روغن گوسفندی را داغ می کنند و نان محلی داخل آن خورد نموده سپس مصرف می کردند.
- شیر ماست پلو: از ترکیبی از برنج، ماست و شیر درست می شود.
- ترشی: نوعی خورش با ترکیبات حاوی ترشی محلی، پیاز، روغن، گردو و سیر. این نوع خورش امروزه مصرف کمتری دارد.
- سیرابیچ: خورشی که از ترکیبات سیر کوبیده، تخم مرغ و ادویه جات تهیه می شود.
- تره: اغلب در فصل بهار تهیه می شود و شامل موادی هم چون: شیر، سیر تازه، تخم مرغ، اسفناج و گزنه است.
- آره شه: از ترکیب تخم مرغ، شکر، روغن حیوانی و آرد درست می شود.
- آدم پلا: در قدیم به علت گرانی برنج مردم کم بضاعت ارزن را می پختند و به عنوان غذا از آن استفاده می کردند (گاه با شیر و یا ماست صرف می شد و گاه با برنج ترکیب می شد) در زبان محلی به این غذا آدم پلا می گفتند (به نقل از حاج ابوذر پوستین دوز ۹۳ ساله از اهالی روستای میجکار).

انواع آش

- آش رشته: با رشته محلی درست می‌شود.
- آش شیر: با شیر درست می‌شود.
- دو آش: آشی که از دوغ تهیه می‌شود با ترکیبی از برنج، چغندر، لوبیا، سیر و نعناع.

سایر غذاهای محلی مرزن آباد عبارتند از:

بادمجان کباب، بادمجان مسما، باقلا قاتق، پلا سر تره، میرزا قاسمی، ماهی گردبیج و... توضیح اینکه برخی از این غذاها از سفره غذایی مردم مرزن آباد خارج شده و برخی هنوز رواج دارد.

نان‌های محلی

در مرزن آباد انواع نان‌های محلی زیر پخته و مصرف می‌شوند:

- پنجه گش: نان دراز و تقریباً باریک و خوشمزه‌ای است.
- تی تک: در برخی از روستاهای مرزن آباد بعد از پخت چندین نان پنجه گش برای بچه‌ها نان‌های کوچک‌تری می‌پزند که تی تک نام دارد.
- قرصک: به معنای نان کوچک است این نان از شیر، آرد، شکر، روغن، تخم مرغ و کنگد درست می‌شود..
- کِلوا: این نان ویژه چوپانان مرزن آباد است شیوه پخت بدین گونه است که خمیر نان را روی خاکی که زیرش خاکستر روشن است پهن می‌کنند و روی نان هم خاکستر و آتش و ذغال می‌ریزند تا نان از هر دو طرف کاملاً برشته و تنوری شود .
- نان فتیر: نانی که داخلش مغز گردو می‌ریزند و روی آن را تخم مرغ می‌زنند و بسیار خوشمزه است
- کماج: نانی که به آن شیر، سرشیر و روغن می‌افزایند.

۴،۲ پوشاک

پوشاک بارزترین سمبل فرهنگی، مهم‌ترین و مشخص‌ترین مظهر قومی و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه فرهنگی است و به دلیل حرکتی که به همراه انسان دارد زمینه‌ساز تاثیرگذاری و تاثیر پذیری فرهنگی آن بیشتر از هر نشانه فرهنگی دیگر است. در ایران گروه‌های متفاوت انسانی زندگی می‌کند که هر کدام دارای ویژگی برجسته‌ای هستند که در نگاه

نخست قومیت، حوزه زندگی، زبان، مذهب و سایر مشخصات فرهنگی آنان را در ذهن بیننده تداعی می کند.

عوامل گوناگونی را می توان در شکل گیری و ترکیب پوشاک محلی گروه های قومی در ایران دخیل دانست که مهم ترین آن ها عبارت است از:

(۱): مذهب (۲): شرایط جغرافیایی و اقلیمی (۳): نوع معیشت (۴): منزلت اجتماعی و ... (شریعت زاده، ۱۳۷۹).

پوشاک در میان اقوام مختلف گذشته از اینکه وظیفه اش از میان بردن نیاز مستوری و پوششی بدن می باشد و انسان را در مقابل نور، سرما و یا اشیاء دیگری که انسان ها با آن ها سروکار دارد حفظ می کند در عین حال معرف وضع مادی، توان اقتصادی، پایگاه اجتماعی و یا حتی صنفی و طبقاتی است. این موضوع در مورد پوشاک مردم مرزن آباد نیز صادق است: پوشاک زنان مرزن آباد در رنگ های شاد و الهام گرفته از طبیعت به طور کامل پوشیده و جذاب است، اما با گذشت زمان و همراه با تغییرات فرهنگی، استفاده از انواع پوشاک سنتی اعم از چادر، چاقچور، نیم ساق، روبند، نقاب، چارقد، شلیته و تنبان، کم رنگ شده، یا جای خود را به پوشش های منطبق با سایر فرهنگ ها داده است. پوشاک مردان این منطقه نیز بسته به نوع کار، کشاورزی یا دامداری، در فصل های گرم یا سرد، دارای تنوع بوده و علاوه بر کاربردی بودن دارای طراحی و رنگ بندی مختص مردان است که این نوع پوشاک نیز دچار تغییرات شده است.

پوشاک مردان مرزن آباد

تن پوش

جومه یا جامه: پیراهنی است که متناسب با فصل از پارچه های کرباس چیت یا چلوار دوخته می شود. نوع مرغوب آن را از ابریشم تهیه می کنند.

شلوار یا تنبان: شلوارهای سیاه یا آبی رنگ از جنس کرباس را گویند که گاه در زمستان از جنس چوخوا تهیه می شد.

نیم تنه: تن پوشی دکمه دار و معمولاً "یقه هفت از جنس پشم و به رنگ مشکی یا کبود است نیم تنه را مردان هنگام سرما بر روی جامه های خود می پوشیدند.

چوخت یا کولک: کت پشمی ساده تیره رنگ با یقه برگردان و جلو دکمه دار، که مردان در زمستان روی جامه می پوشند.

شولا: لباس پشمی بلندی برای چوپان‌ها در شب‌ها به شمار می‌رود. بوشلوق: تن پوشی با آستین بلند نمدی است که مورد استفاده چوپان‌ها قرار می‌گیرد. پستک: تن پوش نمدی و کوتاه‌تر از شولا و بوشلوق، شبیه جلیقه ساده و گشاد اما نمدی است.

سرپوش

شب کلاه: بیشتر از ایاف پشمی تهیه می‌شود ساده و کاسه‌ای شکل است و معمولا در خانه و هنگام خواب استفاده می‌شود. کلاه گوشی: کلاهی است که قسمت پشت و دو گوش جلوی آن لب برگشته و همین امر علت نامگذاری آن است. کلاه نمدی: جنس این کلاه از پشم حلاجی شده است این کلاه پوشش مناسبی برای فصل زمستان است. پوستین کلاه: بیشتر مورد استفاده رمه گردانان است بهترین نوع آن از پوست بره تازه تهیه می‌شود و به آن کلاه پوستی نیز می‌گویند.

پاپوش

چاروق: جنس آن چرم و دارای بندهای بلند برای بستن دور پا است. چوموشک یا چموشک: کفشی با کفی از چرم گاو و پاشنه نعل آهنی که تا مچ پا بود و در همه فصول استفاده می‌شد.

پوشاک زنان مرزن آباد

تن پوش

نیم تنه: این جلیقه به شکل جلیقه‌های مردانه با یقه هفت یا گرد و جلو باز است و چند دکمه می‌خورد. قسمت جلویی آن از پارچه پشمی و پشت آن آستری است. گاه جلیقه را از جنس مخمل سرخ یا زرد و آراسته به سکه و پول‌های قدیمی تزیین می‌کنند. کلیجه: کتی بلند و معمولا از جنس مخمل رنگی همراه با یراق دوزی است که در زمستان استفاده می‌شود. این کت آستین ساده بلند دارد. چادر شو: چادر شب مربع شکلی را سه گوش کرده دور کمر در پشت گره می‌زنند. جنس چادر شب در خانواده‌های اعیان از ابریشم است و مردم عادی چادر شب‌هایی از جنس کج (ابریشم درجه ۳) و یا مخلوطی از ابریشم و کج استفاده می‌کنند.

شلیته یا چرخشی شلوار: دامن پرچین و کوتاهی است از جنس پارچه ابریشمی و کتان های ظریف یک رنگ که معمولا دوردور لبه پایین آن را با نوار سیاه رنگی تزیین می کردند. در حال حاضر از شلیته فقط هنگام جشن ها و برای رقص های محلی استفاده می شود. تنگه تمبان: نوعی شلوار با الگوی ساده به رنگ تیره معمولا از جنس پارچه ای سنتی کرباس است.

نیم ساق: نوعی شلوار تنگ به رنگ های سبز، سفید یا سرخ از جنس ابریشم یا مخمل است که آن را معمولا دختران و زنان جوان در زیر پیراهن می پوشند.



تصویر ۲-۴: لباس محلی کودکان منطقه

جومه: پیراهن و دامن یک سره از شانه تا زیر زانو است. جنس این پیراهن معمولا کتان یا چیت است.

سرپوش

چارقده: روسری چهارگوش با رنگ روشن و گل دار از جنس وال، چیت و یا ابریشم است. مندل: سربندی است از جنس کتان که آن را سه گوشه و روی چارقده استفاده می کنند. سراقوچ: نوعی کلاه زنانه است از پارچه نخی و یا الگویی مشابه کلاه نوزاد که برای نگهداری گیسوان بافته شده به کار می رود. لبه این کلاه را چین کش می کنند.

پاپوش

گالش: بیشتر در رفت و آمدهای روزانه استفاده می شود و جنس آن از لاستیک سیاه است. چاروق: جنس این کفش از چرم گاو و گاومیش و یا نمد است.

۴,۳ صنایع دستی

صنایع دستی به آن گروه از صنایع گفته می‌شود که تمام یا بخش اعظم مراحل ساخت آن با دست انجام گرفته و در چارچوب فرهنگ و بینش هر منطقه و با دیدگاه‌های قومی ساخته و پرداخته می‌شود. صنایع دستی بازتابی از تاریخ تمدن هر ملت و قومی است و می‌تواند وسیله مؤثری برای نشر فرهنگ و سنن مناطق مختلف باشد.

صنایع دستی می‌تواند شکل کارگاهی و یا خانگی داشته باشد، و قابلیت استقرار در شهر و روستا را دارد. این صنعت بدون نیاز به فن‌آوری پیشرفته، بیشتر متکی به تخصص‌ها و مهارت‌های بومی و سنتی است و قسمت اعظم مواد اولیه مصرفی آن در داخل کشور موجود است. افزون بر این، صنایع دستی هر دو ویژگی مصرفی و هنری را داشته، برخوردار از بینش، ذوق، اندیشه و فرهنگ تولید کننده نیز هست و در مجموع آن را یک هنر-صنعت نامیده‌اند.

بررسی آمارهای مربوط به بازدیدگردشگران از مراکز تولید صنایع دستی، نشان‌گر آن است که صنایع دستی یکی از مظاهر فرهنگی و هنری محسوب می‌شود و می‌تواند از یک طرف عامل مهمی برای جلب و جذب گردشگران به حساب آید. و از طرف دیگر رونق گردشگری در منطقه موجب احیای صنایع دستی گردد. در یک تقسیم‌بندی صنایع دستی ایران را به شرح زیر طبقه بندی نموده‌اند:

طراحی سنتی و نگارگری

هنرهای مرتبط با فلز

رو دوزی‌ها و بافتنی‌ها

سفالگری و سرامیک سازی

هنرهای مرتبط با چوب

سنگ تراشی و حکاکی روی سنگ

بافته‌های داری

رنگرزی و چاپ سنتی

حصیر بافی

نساجی سنتی

صحافی و جلد سازی سنتی

فرآورده‌های پوست و چرم

شیشه گری
آثار لاکه و روغنی
سایر صنایع دستی

صنایع دستی ایران محملی برای میراث فرهنگی و هنری این مرز و بوم است که ریشه در اعتقادات مذهبی و باورهای قومی، محیط جغرافی و اجتماعی فرهنگی و نیز قوه ابتکار و خلاقیت استادکاران ایرانی دارد و هر منطقه و شهر و استانی در زمینه صنایع دستی خاصی معروف است در منطقه مرزن آباد نیز صنایع دستی زیر متداول است:

یکی از صنایع دستی مرسوم در مرزن آباد قالی بافی است که معمولا در بیشتر روستاهای این منطقه رواج داشته و دارد، گرچه قسمت اعظمی از کاربرد، شکوه و عظمت گذشته خود را از دست داده است. هنر قالی بافی در مرزن آباد توسط زنان مدیریت می شود و بیشتر خانمها این حرفه را از مادرشان آموزش دیده اند. به گونه ای که در بسیاری از روستاها یکی از وظایف مادران آموزش این حرفه به دختران خود محسوب می شود تا دختران بعد از ازدواج و پس از تشکیل خانواده بتوانند کمک حال خانواده باشند. در قدیم علاوه بر قالی بافی در بعضی از روستاها هنر نمدمالی وجود داشته است. به ویژه در مناطق کوهستانی این هنر با رنگ و نقش و نگارهای خاص انجام می گرفته است. استفاده از نمد چندین خاصیت داشت یکی این که نمد از نفوذ رطوبت جلوگیری می نمود و دیگر اینکه گرما و سرما نمی گرفت و همیشه گرم بود ضمن آن که برای کمر درد مناسب بود و استفاده از آن توسط طبیبان محلی توصیه می شد.

در قدیم صنعت دستی دیگری بنام شال مشته در مرزن آباد وجود داشت. شال مشته رختخواب بند بود که با پشم گوسفند بافته می شد. از صنایع دستی دیگر می توان به ازار یا چادر شب نیز اشاره کرد. از ازار یا همان چادر شب عموما خانمها استفاده می کردند و آن را به دور کمر می بستند از ازار در هنگام کار و نگه داری کودک به خصوص در مزرعه استفاده می شد و کمک حال خانمهای مرزن آبادی بود لازم به ذکر است که دو نوع ازار وجود داشت یکی معمولی بود که بانخ بافته می شد و دیگری با ابریشم بافته می شد که بسیار با ارزش و قیمتی بود.

علاوه بر موارد فوق در مرزن آباد صنایع دستی دیگری همچون سفالگری، موج بافی (رواندازی نازک تر و سبک تر از گلیم) شالک بافی (روانداز تهیه شده از پشم گوسفند) گلیم بافی، جاجیم بافی، پارچه بافی، چوقا (چوخا)، جوراب پشمی بافی، ساخت چرخ نخ

ریسی، صنایع چوبی همانند ظرف شیر دوشی چوبی ساخت گهواره، قاشق چوبی (کچه) ملاقه چوبی بزرگ (گتیرا) دوک و حتی صنایع سبک فلزی متداول بود که امروزه نقش این صنایع در منطقه کم رنگ شده است. ناگفته نماند مدتی است در مرزن آباد مجتمع آموزش صنایع دستی تاسیس شده که شامل کارگاه‌های کوچک سفال‌گری، سوزن دوزی، گلیم بافی و طراحی سنتی می‌باشد.

۴,۴) موسیقی سازی

موسیقی سنتی ایران شامل سازها، دستگاه‌ها، نغمه‌ها و آوازها از هزاران سال پیش تا به امروز سینه به سینه در متن مردم جریان داشته و آنچه دلنشین‌تر، ساده‌تر و قابل فهم‌تر بوده است تا امروز باقی مانده است.

هرگوشه و کنار میهن عزیز مان ایران دارای موسیقی خاص خود می‌باشد. موسیقی هر منطقه به عوامل گوناگونی هم‌چون فرهنگ و اعتقادات، موقعیت جغرافیایی، عوامل سیاسی اجتماعی و... وابسته است. این موضوع در مورد موسیقی استان مازندران و شهر مرزن آباد نیز صدق می‌کند.

استان مازندران از شرق با گرگان، از جنوب با سمنان و تهران، از مغرب با گیلان و از شمال با دریای خزر هم‌جوار است. این وضعیت خاص جغرافیایی باعث شده است فرهنگ موسیقی مازندران در ناحیه شرقی با خراسان و ترکمن صحرا آمیخته شود و در غرب، کمابیش خصایص موسیقی گیلانی را داشته باشد. بر این اساس این استان تنوعی از نغمه‌ها، آوازهای محلی و سازهای موسیقیایی را در خود جای داده است. اما در مجموع چنین می‌توان گفت که متداول‌ترین سازهای مازندران: کمانچه، دوتار، نی، سه تار، دهل، تار، نقاره، تنبک و سرنا هستند.

آلات موسیقی مرزن آباد

در میان سازهای نامبرده شده متداول در استان مازندران سازهای سرنا، نقاره، دهل و نی بیشترین کاربرد را در بین مردم مرزن آباد دارند.

نقاره

ساز نقاره عبارت است از طبل‌های کوچک با بدنه‌ای سفالی که پوستی روی دهانه کوزه سفالی کشیده شده و با طناب‌هایی در اطراف محکم می‌شود. نقاره را معمولاً با ۲ قطعه ی

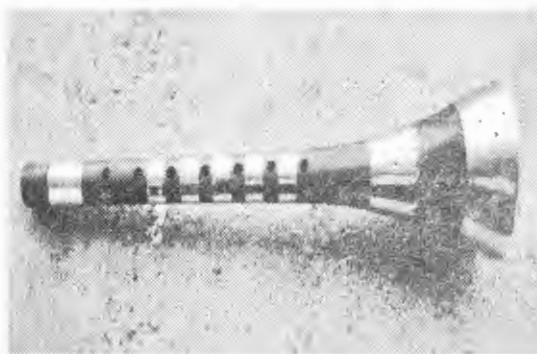
چرمی به صدا درمی آورند. نقاره در اجرای حرکات و رقص های جمعی، مراسم شادی و عروسی و به عنوان ساز خبرده، در همراهی سرنا استفاده می شود.

دهل

طبل بزرگی است که قطر دایره آن حدود ۱ متر و ارتفاع آن ۳۰ سانتی متر است. بر دو سطح دایره جانبی آن پوست حیوانات کشیده شده است. بر دو نقطه از بدنه دهل تسمه ای وصل شده که نوازنده هنگام نواختن آن را به گردن می آویزد و به این ترتیب «دهل» در جلوی سینه و شکم او طوری قرار می گیرد که سطوح پوست دار در سمت راست و چپ واقع شود. نوازنده در دست راست خود چوبی به شکل عصا و در دست چپ ترکهای را به پوست چپ می چسباند و با عصا به پوست راست می نوازد. دهل، سازی است که به تنهایی مورد استفاده نیست و سرنا آن را همراهی می کند

سرنا

سرنا در بین مردم مرزن آباد به عنوان سازی روستایی و پرصدا در اعلام خبرها استفاده می شود. مردم مرزن آباد سرنا را هم به تنهایی و هم در همراهی با نقاره به کار می برند. سرنا و نقاره علاوه بر جنبه های خبری در همراهی با رقص های بومی نیز استفاده می شوند.



تصویر ۳-۴: ساز سرنا

نی (للا)

نی از سازهای شناخته شده در مرزن آباد است. لایوا یا نی درواقع، ساز چوپانی به حساب می آید و در میان دامداران و ساکنان کوهستان های این منطقه معمول است. نقش نی در زندگی چوپانان از اهمیت بسیاری برخوردار است و می توان به نغمه های چوپانی ذیل همراه با موارد استفاده و کاربرد آن در مرزن آباد اشاره نمود:

آهنگ گوسفندچمر: چوپانان با نواختن این آهنگ گوسفندان را وارد چراگاه می‌کنند تا گوسفندان برای چرا آماده شوند.

آهنگ گوسفند چرا: چوپانان با نواختن این آهنگ گوسفندان را برای چرا ترغیب می‌کنند.

آهنگ مالینگا سری: این آهنگ ویژه خواباندن دام است. با نواختن این آهنگ در گوسفندان احساس آرامش ایجاد شده و پس از شنیدن آن در همان جا به خواب می‌روند.

آهنگ رج گاه سری: چوپانان با نواختن این آهنگ گوسفندان را وارد طویله می‌کنند.

آهنگ گوسفند توده: چوپانان با نواختن این آهنگ شیر دام‌ها را می‌دوشند (مصاحبه با آقای مومن توپا ابراهیمی).

۴,۵) معماری و مسکن

به طور کلی می‌توان معماری بومی مازندران را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

الف) معماری حکومتی

معماری سفارشی حکومت‌های وقت معمولاً با پشتیبانی مالی و تکنیکی حاکمان و کارفرمایان اصلی همراه بوده است. این دسته از آثار به سه گروه عام‌المنفعه (پل‌ها، آب انبارها، کاروانسراها) حکومتی (کاخ‌ها، قلعه‌ها) و مذهبی (آرامگاه و مساجد) تقسیم می‌شده است.

ب) معماری مردمی

این دسته از آثار معمولاً توسط مردمان عادی و یا به تولیت نهادهای مردمی شکل گرفته و بسته به موقعیت جغرافیایی هر محل تفاوت‌های اندکی با یکدیگر دارند. زیر گروه‌های این دسته نیز شامل بناهای مسکونی، بناهای مذهبی و عام‌المنفعه می‌باشند. صرفنظر از نوع فضاها و فرم‌های به کار رفته در هر یک از انواع فوق، دسته بندی یاد شده به دو گروه اصلی دیگر قابل تقسیم است که آن ابنیه ساخته شده در مناطق کوهستانی و ابنیه ساخته شده در مناطق جلگه‌ای مازندران است. با توجه به کمی رطوبت در نقاط مرتفع تفاوت‌های بسیاری در نوع ساختار ابنیه این مناطق با معماری ناحیه جلگه‌ای مشاهده می‌گردد. این تفاوت از ساختار کالبدی گرفته تا تزیینات وابسته به معماری کاملاً مشهود بوده و به راحتی قابل تشخیص می‌باشد.

ولی آنچه تقریباً در ۹۰ درصد ابنیه مازندران (بیشتر مذهبی و مسکونی) مشترک است استفاده از عنصر اصلی چوب به عنوان اسکلت و ساختار، عنصر تزیینی و حتی دیوارهای

جداکننده و باربر می باشد. تنوع این عنصر و فراوانی آن همواره موجب استفاده گسترده از آن در سازه های معماری شده است.

معماری و مسکن در مرزن آباد

سبک معماری و مسکن در مرزن آباد نیز تا حدود زیادی از همین قوانین پیروی می کند. خانه های قدیمی مردم مرزن آباد به ویژه در روستاها عموماً از خشت، گل، سنگ و چوب ساخته می شود. سقف خانه ها (تخته یا لت) دارای شیب تند بوده تا در موقع بارندگی و برف سنگین سرازیر شده و به زمین بریزد. کف خانه ها گلی است و این کار عموماً بر عهده خانم ها بوده است. در مساکن روستایی این منطقه خانه ها به صورت پراکنده در باغ ها ساخته شده و شکل خانه ها عموماً تابع مقتضیات طبیعی، مواد و مصالحی بود که طبیعت در دسترس مردم می گذاشت. مواد و مصالح عموماً از چوب، سنگ، گل بود و کپر علاوه بر حصار منازل و تفکیک حیاط، مرز باغ ها و مزارع را نیز مشخص می نمود و آن ها را از تجاوز چارپایان و گرازهای وحشی محفوظ نگه می داشت. شرایط اقلیمی و مقتضیات محیطی منطقه مرزن آباد موجب شده که خانه های مسکونی این منطقه چه از نظر سبک معماری و چه از جهت مصالح ساختمانی، از مساکن سایر مناطق ایران متفاوت باشد. اما به مرور زمان و همگام با مدرنیته، شیوه ی معماری سنتی این منطقه تا حد زیادی تحت تاثیر سبک و شیوه های معماری مدرن قرار گرفته و به جای خشت، گل و چوب از بلوک، سیمان، تیر آهن، میلگرد و.. استفاده می شود. همان گونه که می دانیم معماری و فرهنگ نسبت به یکدیگر متأثر هستند و تا زمانی که معماری با فرهنگ یک منطقه مطابقت داشته باشد، عموماً دارای کارکردهای مفیدتری خواهد بود.



تصویر ۴-۴: نمایی از یک خانه روستای (روستای دلیر)

آنچه که امروزه به وفور در مرزن آباد دیده می‌شود، ساخت ویلاها و آپارتمان‌هایی است که با سرعت بالایی در حال افزایش هستند و در طراحی این آپارتمان‌ها، معماری مدرن جایگزین معماری سنتی شده است. در این تغییرات نمای بیرونی به شدت اهمیت پیدا کرده و زیبا سازی از درون به بیرون منتقل شده است. در حالی که در گذشته، به درون ساختمان توجه بیشتری می‌شد و تزیینات و زیبایی سازی در درون ساختمان به کار می‌رفت و نمای بیرونی ساختمان بسیار ساده بود. از طرف دیگر هم راه با این تغییرات فیزیکی، هجوم مردمان شهری با فرهنگ‌های مختلف از شهرهای گوناگون تغییرات فرهنگی، اجتماعی را در منطقه به وجود آورده است. براین اساس چنین به نظر می‌رسد که در این منطقه میان مسکن و معماری با فرهنگ تعارضی صورت گرفته است.

خونه سری

در اکثر روستاهای مناطق مورد مطالعه مردم برای ساخت خانه از هم‌یاری و مساعدت دیگران بهره می‌جستند. عده‌ای بنا، کارگر ساختمانی و مصالح آور در این شیوه هم‌یاری بدون داشتن هیچ‌گونه چشم‌داشتی و به صورت داوطلبانه در ساخت مساکن روستائیان دیگر کمک می‌کردند که در زبان محلی به این نوع هم‌یاری خونه سری اطلاق می‌شده است.

فصل پنجم

نظام خانواده و مراسم گذار

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه

اصطلاح گذر یا گذار در واقع گذشتن از یک مرحله و در آمدن به مرحله‌ای دیگر از حیات زیستی و فرهنگی است که با آیین‌ها و مراسم ویژه‌ای همراه می‌شود. این مناسک مربوط به تغییر و تحول در موقعیت اجتماعی و یا جنسی یک فرد هستند. آیین گذار، در لحظه‌های حساس زندگی انسان، به منظور ثبت و رسمی کردن گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر اجرا می‌شود و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. تغییر موقعیت‌هایی نظیر تولد، بلوغ، ازدواج، پدر شدن، پیشرفت‌های تحصیلی، تخصصی شدن شغل و مرگ ... چنان در زندگی انسان‌ها مهم بوده‌اند که معمولاً با تجمع، دعوت کردن، غذا دادن و برپایی جشن و آزمون‌های گوناگون و دشوار همراه شده‌اند.

۱, ۵) ساختار مناسک گذار و ویژه گی و کارکردهای آن

اولین بار مفهوم مناسک گذار را در سال ۱۹۰۹ به صورت روشن "وان جنپ" تبیین نمود، او با گردآوری داده‌هایی مربوط به غسل تعمیدها، نامزدی‌ها، بارداری، شروع دوره ی بلوغ، تدفین و برپا کردن جشن‌ها در تمامی مذاهب و تمامی دوره‌ها آنها را به صورت منظم به سه دوره تقسیم کرد که در اکثر این جشن‌ها این سه مرحله حضور دارند:

الف) مرحله ی گسست یا پیش گذار (Separation)

یعنی جدا شدن فرد از گروه و یا موقعیت پیشین خود. در فرآیند گسستن از گذشته، فرد جزئیات فرهنگ جامعه را برای بازتولید و ادامه ی شیوه ی زندگی می آموزد. جدایی از گذشته، مهم ترین بخش مناسک گذار در هر مرحله از تکامل است .

ب) مرحله ی عبور یا انتقال (Liminal)

پس از گسستن از وضعیت پیشین، فرد طی مراسمی سنگین و گاه طاقت فرسا که با توسل به نیروهای فوق طبیعی و نوعی ابهام، پیچیدگی های عاطفی و روانی شدید نیز همراه است . از پایگاه قبلی خود گذر کرده اما هنوز به مرحله ی جدید وارد نشده است .

ج) مرحله ی پیوستن و یا پسا گذار (Aggregation)

پس از عبور از مرحله ی دوم، فرد به پایگاه جدید اجتماعی اش پیوند می خورد. در واقع پیوستن معرف مرحله ای است که جوان دوره ی کودکی را پشت سر می گذارد و با قبول مسئولیت های ناشی از بلوغ تبدیل به یک فرد بالغ می شود (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۶۱).

به باور آرنولد وان جنپ هر چند که در بسیاری از آیین های گذار ما هر سه مرحله را می بینیم، اما شدت هر مرحله بنا بر نوع مناسک متفاوت است و هر کدام از این مراحل می توانند در یک دوره ی ویژه ای غالب باشند، برای مثال در حوزه ی گسست مراسمی نظیر تشییع جنازه را داریم، جشن های عروسی مربوط به حوزه ی پیوست هستند و دوران حاملگی و بارداری و یا نامزدی ها و عبور از دوره ی نوجوانی به سمت بالغ شدن به دوره ی گذار اختصاص دارند.

در جوامع سنتی مراتب مختلف سنی وجود دارد که برای رسیدن به هر مرتبه آزمون ها و مناسکی وجود دارد. گذر از هر مرتبه ممکن است نظم و یکپارچگی جامعه را بر هم بزند بنابراین برگزاری این مناسک و آزمون ها از این بی نظمی جلوگیری می کند . این مراسم متغیر هستند و پیچیدگی شان با توجه به جامعه ای که آن ها را تولید می کند، متفاوت است **کارکرد مناسک گذار:**

مناسک گذار به فرد برای عبور از این مراحل که در واقع همان بحران های زندگی (بحران های تکامل) نامیده می شوند، کمک می کنند. این مناسک در تمام طول زندگی، فرد را همراهی می کنند. و به او اجازه می دهند در دنیایی که از آن بیرون آمده (جامعه) جای بگیرد، در مقابل دیگر (مردان، زنان و جوانان و سالمندان) جایگاه اجتماعی خاص خود را به دست آورد .

از دیگر کارکردهای مناسک گذار تقویت همبستگی گروهی است. باورداشت‌ها و ارزش‌های بنیادین اجتماع را تقویت میکند.

کارکرد چنین مراسمی در روزگار گذشته به اندازه نهادهای آموزشی اهمیت داشته است. آیین‌های گذر علاوه بر این که مراسم شادمانی، سوگواری و... هستند، موقعیتی برای گردهم-آیی افراد و کنش جمعی فراهم می‌آورند. این امر به تقویت روحیه جمعی می‌انجامد و به زندگی معنا می‌بخشد. می‌توان گفت آیین‌های گذر، سنت‌هایی دیرینه‌اند که برای معنا بخشی به زندگی روزمره پدید آمده‌اند (<http://anthropology.ir>).

در این فصل پس از بررسی نظام خانواده در مرزن آباد به توضیح مختصری در مورد برخی از مراسم گذار در این منطقه هم‌چون ازدواج، تولد، مرگ و سوگواری و... پرداخته می‌شود.

۲، ۵) نظام خانواده در مرزن آباد

انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان در بررسی اشکال خانواده آن را به دو گروه خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای تقسیم کرده‌اند و برای هر کدام ویژگی‌هایی به قرار زیر ذکر کرده‌اند:

خانواده گسترده

در این شکل، خانواده، یک واحد تولیدی و مصرفی محسوب می‌شود و مهم‌ترین تولید خانواده، مواد غذایی و پس از آن، تولید پوشاک و مسکن است.



تصویر ۱-۵: یک خانواده روستایی (روستای دلیر)

این واحد مستقل، دارای سلسله مراتب مشخص سنی و جنسی است و کلیه افراد از سنین پایین در امر تولید، شرکت دارند.

مرکز خانواده و روابط در این نوع، «پدر» است. همه مایملک خانواده، به او تعلق دارد و ارث، از طریق او منتقل می‌شود. اقتدار پدر و امکان امرار معاش خانواده در این دوره، علت اصلی ماندن اعضا در کنار هم است. در واقع، چون امکان زندگی جز از طریق خانواده میسر نیست، افراد، خود را با این سیستم، مطابقت می‌دهند. اقتدار پدر، از یک طرف، ضمانت اجرایی قوانین و از طرف دیگر، باعث محدود شدن آزادی فردی است.

در واقع، در همه بخش‌های جامعه سنتی فردیت، نقش چندانی ندارد. چون جمع‌گرایی، علت بقای هر جامعه و نهادی است. خانواده نیز در این نظام، یک کل واحد است که اعضای آن، باید برای بقای این کل، از فردیت خود بگذرند و بقای این کل، محتاج نیرویی بازدارنده به نام اقتدار است.

خانواده هسته‌ای



تصویر ۲-۵: آقای عزیزالله ردایی و همسر ایشان

(یکی از قدیمی ترین فرهنگیان منطقه مرزن آباد و از آگاهان محلی روستای پردن گون)

با صنعتی شدن جوامع و تغییر ساختار جامعه، شکل خانواده نیز دگرگون شد. شرایط زندگی، دیگر خانواده‌های پر جمعیت را نمی‌پسندید؛ بلکه افراد را مجبور می‌کرد که به محدود کردن هر چه بیشتر دامنه خانواده رو بیاورند. افراد، دیگر مجبور نبودند تحت لوای خانواده، نیازهای اساسی شان را تأمین کنند.

در عصر جدید، افراد امکان استقلال پیدا کردند و شاید به نوعی: اجبار استقلال! زیرا جامعه از هر فردی انتظار داشت که خود، نقش مجزاً ایفا کند و افراد به خاطر خودشان و کاری که انجام می‌دادند، اهمیت یافتند. در کانون خانواده هم نقش زن و مرد، دستخوش تغییر شد. البته در این تغییرات، تحولات اجتماعی و شکل‌گیری جنبش‌هایی مثل فمینیسم (آزادی زنان)، بی‌تأثیر نبود. در طی این تغییرات، مرد، از اریکه قدرت به زیر آمد و کمی از قدرتش را با شریک زندگی خویش تقسیم کرد.

فرزندان، دیگر به عنوان نیروی کار، مطرح نبودند و دوران مهمی به نام «کودکی» مطرح شد. برخلاف خانواده گسترده که در آن، فرزندان، از زمانی اهمیت می‌یافتند که وارد چرخه تولید و مسئولیت‌پذیری می‌شدند در خانواده هسته‌ای، کودک‌ناز بدو تولد، دارای شخصیت و اهمیت است.

با نگاهی کوتاه به این سیر تحول، متوجه می‌شویم که هر جامعه‌ای، به فراخور شرایط خود، نهادهایش را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشند و خانواده نیز به عنوان مهم‌ترین نهاد جامعه، خود را با ساختارهای مختلف، انطباق داده است. در مرزن‌آباد نیز نظام خانواده از همین قوانین پیروی نموده و این ساختار همراه با سایر تغییرات، سیر تغییر و تحول خود را از شکل هسته‌ای به گسترده طی می‌نماید. تا گذشته‌ای نه‌چندان دور مردمان این منطقه به علت عدم تسلط به محیط و نیاز مبرم به گروه، در خانواده‌ای «تجمعی» زندگی می‌کردند. کار در مزرعه، جدا نبودن محیط کار از منزل، احترام به بزرگترها، پیر سالاری و مرد سالاری، پایبندی به سنن و اصرار بر حفظ آن‌ها و... شرایط را برای ایجاد و نگهداری خانواده گسترده فراهم ساخته بود. اما هر چه به زمان حال نزدیک‌تر شدیم شرایط برای تشکیل خانواده هسته‌ای در این منطقه مهیا شد. کار در کارخانجات، مغازه‌ها و واحدهای تولیدی، آشنا شدن با دیگر فرهنگ‌ها از طریق ورود گردش‌گران و همچنین پیدایش مشاغل جدید فاصله گرفتن محیط کاری از منزل، تاثیر عمیق برنامه‌های رادیو و تلویزیون به‌ویژه اینترنت و ماهواره بر ساختار خانواده و به‌دنبال آن نیاز آفرینی و چشم و هم‌چشمی، ارزش یافتن زیبایی و جوانی به جای ارزش داشتن سن و سال، افزایش مشکلات اقتصادی و این‌که یک فرد به‌تنهایی نمی‌تواند از عهده خرج و مخارج یک خانواده پر جمعیت برآید و به‌دنبال آن حضور زنان در بازار کار و کاهش قدرت مردان در خانه و... همه این‌ها موجبات تغییر در ساختارهای فرهنگی - اجتماعی جامعه مرزن‌آباد را فراهم ساخت که اثرات آن را در محدود شدن دامنه خانواده در این منطقه شاهد هستیم. به-

عبارت دیگر نظام خانواده در مرزن آباد بنا به دلایل یاد شده و دیگر دلایل از حالت گسترده به سرعت به خانواده هسته‌ای در حال تبدیل شدن است.

۵,۳) مراسم ازدواج

در آئین و فرهنگ مردم مرزن آباد مراسم ازدواج همانند سایر مناطق ایران، از جایگاه خاص و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مراسم یکی از، شادترین و در عین حال کهن ترین و ریشه دارترین مراسم جشن، بین اهالی مردم این منطقه محسوب می‌شود. مراسم ازدواج در مرزن آباد دارای مراحل گوناگونی است که به طور خلاصه در مورد به آن پرداخته می‌شود.

خواستگاری و بله برون

در گذشته های دور به ندرت پسران حق انتخاب همسر آینده ی خود را داشتند و والدین در این مورد تصمیم می گرفتند. پس از انتخاب دختر توسط پدر و مادر چند نفر از خانواده ی داماد که شامل زنان و مردان بزرگ فامیل بودند. برای گرفتن پاسخ موافق خانواده عروس یا در اصطلاح عوام "بله گرفتن" از عروس به منزل پدر دختر می‌رفتند. همان گونه که گفته شد در آن زمان برخلاف حال حاضر نظر پسر و به‌خصوص دختر در انتخاب همسر شرط نبود با وجود این که اکثر ازدواج‌ها فامیلی و درون گروهی بودند گاه شنیده می‌شد که تا روز عروسی، عروس و داماد یکدیگر را نمی‌دیدند. البته گاه اتفاق می‌افتاد که پسری دختر مورد نظر خود را خود انتخاب می‌کرد در این مورد مادر پسر یا یکی از زنان اقوام، به بهانه‌ای به منزل دختر می‌رفتند و چند ساعتی آن جا می‌ماندند و حرکات دختر را زیر نظر می‌گرفتند. از کاری بودنش تا سخن گفتنش و احترام به بزرگترها. بعد از آن که تصمیم قطعی می‌شد، زنی را به عنوان "رافع" نزد مادر دختر می‌فرستادند. در هر صورت در یک شب خانواده داماد برای رفتن به منزل عروس و گرفتن قول مساعد با یک مجمعه حاوی کله قند، کماج و شیرینی و... راهی خانه دختر مورد نظر می‌شدند تا پاسخ رسمی "بله" را، بابت ازدواج پسرشان از دختر بگیرند. سپس زمان عقد و عروسی را مشخص و از طرفی شیوه خرج عروسی، مهریه، جهیزیه ی عروس و وسایل اصلی زندگی که وظیفه داماد می‌شد را، معین میکردند. در همین شب، مجمعه ای که حاوی یک قواره چادر، کله قند، شیرینی و انگشتر نشان بود، از سوی خانواده ی پسر به خانه ی دختر برده و در آن جا میزان شیربها که به مادر عروس تعلق می‌گرفت مشخص می‌شد.

قند شکنی

معمولاً چند روز بعد از خواستگاری خانواده داماد برای رسمی نمودن این آشنایی همراه با مقداری کله قند و هدایایی دیگر به خانه عروس می‌رفتند و همراه با جشن و سرور در این مراسم دو کله قند را به هم می‌زدند و اولین کله قند شکسته شده توسط یکی از اقوام نزدیک برداشته و به داماد فروخته می‌شد. داماد با پرداخت مقداری پول به آن شخص آن تکه قند را می‌گرفت تا اولین چای دم شده زندگی جدیدش توسط عروس با آن تکه قند صرف شود. به عقیده آنان این مراسم نقش به‌سزایی را در شیرین‌تر کردن زندگی شان در آینده ایفا می‌کرد. مراسم قند شکنی توسط دایی عروس و یا دایی مادر عروس هدایت و انجام می‌شد.

نامزدی

در قدیم در مرزن آباد دیدار داماد با همسر عقدی و رسمی اش امری دشوار بود و در آن مدت تمامی دیدارها به‌صورت پنهانی و در مکانی به دور از چشم دیگران و توام با اضطراب صورت می‌گرفت زیرا اگر کسی از این دیدارها با خبر می‌شد علاوه بر اینکه خشم خانواده ی عروس را بر می‌انگیخت داماد باید ۱ تا ۲ سال به صورت اجباری و رایگان برای پدر عروس در مزرعه و یا امور دامداری کار می‌کرد اما امروزه در شب عقد، معمولاً داماد در منزل عروس می‌ماند، شب را صبح می‌کند و اگر خانه عروس و داماد از یکدیگر دور باشد، ماندنش در آن جا حتمی است. در بعضی از خانواده‌های روستایی مرزن آباد، تا حدودی سنن قدیم هنوز پایرجاست. در مرزن آباد اکثریت مردم تمایلی برای طولانی شدن مدت نامزدی نداشته و ندارند و آن را جایز نمی‌دانند و معتقدند در صورت طولانی شدن این دوران، عروس و داماد با مشکلات زیادی مواجه خواهند شد.

خیاط نشان

خیاط نشان رسمی بود که تقریباً یک ماه قبل از مراسم عروسی انجام می‌شد و طی آن خیاط محله به خانه ی داماد دعوت می‌شد تا برای افراد آن خانه لباسی نو برای مراسم عروسی آماده کند. البته تعداد روزهای حضور خیاط در منزل داماد و مقدار لباس‌هایی که باید دوخته شود بستگی به بضاعت و تعداد افراد خانواده و اقوام نزدیک داماد داشت و از آن جا که خانواده‌های قدیم معمولاً خانواده گسترده و پر جمعیتی بودند این مراسم روزها به طول می‌انجامید.

مراسم خیاط نشان با خود جشن وشادمانی هم به همراه داشت برای جشن خیاط نشان همه فامیل دعوت می‌شدند و هرکس به قدر بضاعت خود به داماد و خانواده اش کمک می‌کرد. خیاط در طی دوران آماده سازی لباس ها، میهمان خانواده داماد بود. در بعضی از روستاها در مرزن آباد موقع برش لباس عروس و داماد، خیاط به صورت نمایشی خطاب به اطرافیان می‌گفت: "قیچی نمی برد،" و این جمله به معنای درخواست پول به عنوان هدیه بود که معمولاً از طرف خانواده داماد و همچنین عروس هدایایی به خیاط پرداخت می‌شد.

خرج بار

یک روز قبل از جشن عروسی از خانه داماد تمام مخارج جشن عروسی را بر اسب بار می‌کردند و همراه چندگوسفند پای کوبان به خانه عروس می‌فرستادند که به آن خرج بار می‌گفتند. خرج بار شامل اقلامی هم چون حبوبات، گوسفند یا گوشت، میوه، شیرینی، چای، قند، کره، زعفران، کشمش، نمک، زردچوبه، برنج، روغن، فلفل و... بود. خرج بار معمولاً توسط برادر داماد و یا یکی از بستگان داماد، به همراه تعدادی از زنانی با پایکوبی و ساز به سمت منزل پدر عروس برده می‌شد و پدر عروس ضمن پذیرایی، هدایایی نیز به آنان می‌داد. گاه مقداری حنا نیز برای مراسم حنا بندان از اقلام اصلی خرج بار محسوب می‌شد.

مراسم عقد

مردم این منطقه باور دارند بین عقد و مراسم عروسی نباید خیلی فاصله باشد و برای خانواده ی عروس و داماد جنبه ی خوشی ندارد که دختر عقد کرده مدت طولانی در خانه ی پدرش بماند .

در قدیم در مراسم عقد سفره‌ای پهن می‌شد و در آن سفره نان و پنیر، نان حلوایی، آینه و قرآن، کله قندو.. گذاشته می‌شد. در این مراسم از حضور مردان و زنان بیوه چندان استقبال نمی‌شد و این گروه خود می‌دانستند که نباید در آن مجلس شرکت کنند. خرج پذیرایی روز عقد که در خانه عروس برگزار می‌شد، تماماً بر عهده خانواده داماد بود .

جهیزیه و جهیزیه بران

جهیزیه در دوران قدیم همانند امروز بر دوش خانواده عروس سنگینی می‌کرد . اما مثل امروز تنوع نداشت و بسیار ساده تهیه می‌شد. از آن جایی که عروس و داماد، پس از برگزاری مراسم عروسی، چند سال و یا برای همیشه در خانه پدر داماد می‌ماندند و عروس آداب خانه داری را از مادرشوهر می‌آموخت، از وسایل آنان استفاده می‌کرد و فقط وسایل شخصی خود و شوهرش را، به عنوان جهیزیه همراه می‌آورد.

از مهمترین اقلام جهیزیه در قدیم می توان به ظروف آشپز خانه، لحاف، آفتابه لگن کامل، وسایل حمام، مجمعه مسی، زیرانداز، متکا، سماور برنجی و متعلقات سماور، طشتک برنجی، انگشتر، چادر شب، البسه شخصی و... اشاره کرد.

امروزه وسایل جدید و مدرن بسیار زیاد شده است به نوعی که وسایل یک زندگی مستقل در آن یافت می شود. در حال حاضر اصولاً سه قلم از وسایل بزرگ و مهم منزل مثل یخچال، تلویزیون و یک تخته فرش که به آن زر می گویند توسط خانواده داماد تهیه می شود که در شب بله برون میزان آن مشخص می شود. در بین بعضی از خانواده ها داماد پول این اقلام را به پدر عروس می دهد تا ایشان به سلیقه خود تهیه کند.

معمولاً جهاز عروس را یک روز قبل از عروسی به خانه داماد می برند که به این مراسم جهاز برون می گویند و چند نفر از خانواده داماد برای دیدن جهیزیه عروس به خانه ی عروس می روند

حنابندان

شب قبل از عروسی در مرزن آباد جشن حنابندان برگزار می شود. این مراسم در خانه عروس برگزار می گردد و اکثر مهمانان آن را دختر و پسرهای دم بخت تشکیل می دهند. در این شب داماد به همراه دوستان و خویشاوندان با تهیه چند مجمعه که حاوی میوه، شیرینی محلی، تنقلات و حناست به خانه عروس می روند تا مراسم حنا بندان را با رقص و پایکوبی برگزار کنند. پس از اینکه به دست و پای عروس و داماد حنا بستند از حنای باقیمانده مقداری در دست دختران و پسران دم بخت قرار می دهند تا بختشان باز شود. در قدیم در بعضی از روستاها یک زن جوان از بستگان داماد و یک زن جوان از بستگان عروس و معمولاً خواهران آنان، کار حنا گذاشتن را بر عهده می گرفتند. در این شب هدایایی بین عروس و داماد و والدین آنها رد و بدل می شد و در بعضی از روستاهای مورد مطالعه در مرزن آباد در شب حنابندان علاوه بر حنا، انگشتر و کادو همراه با شیرینی، آرد، کله قند، و مقداری چای به منزل عروس می بردند.

حمام دامادی

در قدیم برای بردن داماد به حمام اسبی را با روکش های رنگین تزئین می نمودند. داماد سوار براسب همراه با ساز و دهل وارد حمام می شد. از قبل خزانه و حمام غرق بود. داماد پس از استحمام وقتی از درب حمام بیرون می آمد، برای مطلع ساختن اهالی، یکی از روستاییان، تیر هوایی شلیک می کرد و اقوام شروع به رقص و پایکوبی می نمودند. در این مراسم

همراهان کاسه‌ای در حمام قرار می‌دادند و تمامی دوستان و اقوام که در مراسم شرکت داشتند درون آن پول می‌ریختند. معمولاً این پول به ساقدوش میرسید که حکم برادر داماد را داشت.

مراسم اصلاح و آرایش

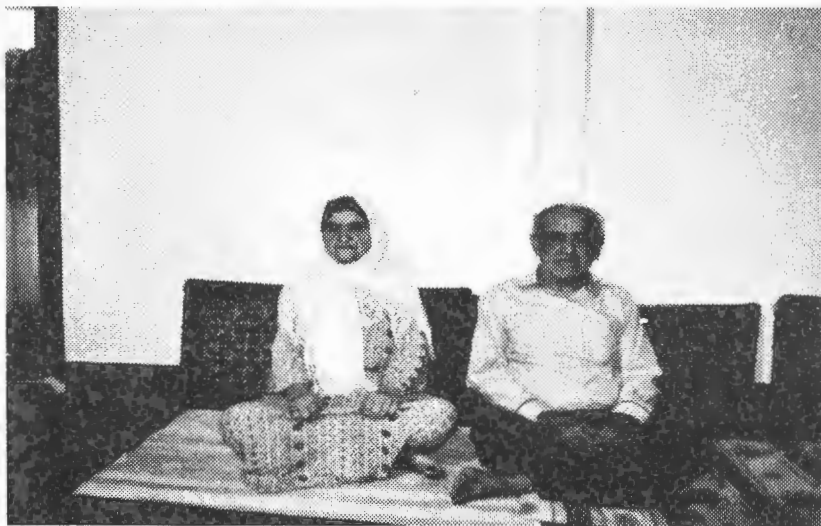
در برخی از روستاهای مرزن آباد بعد از صرف نهار نوبت به اصلاح موی سر و صورت داماد می‌رسید. در وسط حیاط خانه داماد جشن و پایکوبی برپا بود و آرایش‌گر سر و صورت داماد را اصلاح می‌کرد. اعضای خانواده داماد و همه حاضرین پولی به‌عنوان چشم‌روشنی در پیش بند داماد می‌گذاشتند که معمولاً آن پول بین داماد و آرایش‌گر تقسیم می‌شد. گاه آرایش‌گر وانمود می‌کرد که تیغ اصلاحش کند شده است. و می‌گفت "تیغ کند شده و نمی‌بره" در این هنگام داماد و اقوام نزدیکش مبلغی به آرایش‌گر پرداخت می‌کردند و او کار اصلاح را دنبال می‌کرد. گاه در بعضی از روستاهای آرایش‌گر زن هم برای آرایش عروس در منزل عروس حضور پیدا می‌کرد و اولین کاری که آرایش‌گر انجام می‌داد، این بود که در جمع فامیل نزدیک، موهای جلوی عروس را با قیچی کوتاه می‌کرد. که به آن "چتر سری" می‌گفتند و حاضرین پولی داخل پیش بند عروس می‌گذاشتند. چتر سری به عروس و یا آرایش‌گر می‌رسید، بعضی مواقع هم بین آن دو تقسیم می‌شد. (در روستای ولشت علاوه بر کوتاه کردن موی جلوی سر عروس رسم بر این بود که از موهای بغل سر نیز کمی کوتاه می‌شد ضمن آن که از سرمه نیز برای آرایش صورت عروس استفاده می‌شد.

پول اندازی

پول اندازی مراسمی بود که طی آن میهمانان مبلغی پول بسته به وسع مالی خود به خانواده داماد پرداخت می‌کردند تا برای کمک به مخارج عروسی و همچنین برای یاری رسانیدن به داماد برای شروع یک زندگی جدید هزینه شود. این مراسم بعد از صرف ناهار و در روز عروسی در گوشه‌ای از یک اتاق صورت می‌گرفت. در این اتاق داماد به همراه دو نفر دیگر در پشت یک میز می‌نشستند وظیفه یکی از این افراد شمردن و خواندن مبلغ و دیگری نوشتن میزان پول اهدایی بود. گاه مبلغ جمع آوری شده به خانواده عروس تحویل داده می‌شد. در این صورت وظیفه‌ی پرداخت مخارج ناهار پاتختی بر عهده خانواده عروس بود اما اگر مبلغ جمع آوری شده به خانواده داماد پرداخت می‌شد کلیه هزینه‌ها بر عهده داماد بود.

عروسی

در روز عروسی داماد به همراه فامیل و دوستان برای آوردن عروس به طرف خانه او راه می‌افتاد. داماد از قبل اسبی را تزئین می‌کرد که معمولاً نیلی یا سفید بود (از اسب سیاه استفاده نمی‌شد) تا عروس را روی آن بنشانند. وقتی به خانه عروس می‌رسیدند خانواده عروس با نقل و شیرینی و دود کردن سپند به استقبال آنان آمده و پدر یا برادر عروس، نانی را به کمر عروس با شال سفید یا سبز می‌بندد. به این نیت که برکت در خانه آنان با رفتن دختر باقی مانده و اولین فرزند عروس و داماد هم پسر باشد. علاوه بر آن بر اسبی که عروس سوار بود به همان نیت پسرزایی، پسر بچه‌ای را در کنار او جای می‌دادند. در بین راه دوستان داماد با پای کوبی و تیراندازی، در شادمانی آنان سهیم می‌شدند. وقتی که به در خانه داماد می‌رسیدند داماد از اسب پیاده شده و انار، سیب و ... را در دست می‌گرفت و به سمت عروس پرت می‌کرد. عروس باید آن را می‌گرفت و سپس آن را با هم می‌خوردند. قطعاً انجام این مراسم و پرتاب هر کدام از این اشیاء میوه‌ها دارای مفاهیم و نشانه‌هایی است. به عنوان مثال پرتاب انار به معنای این است که در آینده هم‌چون دانه‌های انار دارای فرزندان بی‌شمار باشند و سیب نیز نماد زندگی، زیبایی و سلامت است. بنابراین عروس و داماد در جستجوی فرزندان زیاد، سالم و زیبایی هستند.



تصویر ۳-۵: از آگاهان محلی روستای طویر

پس از رسیدن به منزل داماد، عروس ابتدا وارد خانه نمی‌شود مگر اینکه پدر داماد سکه‌ای یا یک راس گاو و یا زمینی را به عنوان رونما یا پاناز به عروس بدهد. زمانی که عروس وارد

خانه می‌شد یک مشت خمیر درست می‌کردند و به دست عروس می‌دادند و قبل از رسیدن به داخل خانه عروس آن را بر سر در ورودی خانه می‌زد و این بدان معنا بود که عروس با خود برکت آورده است. وقتی عروس وارد حیاط خانه می‌شد مادر و خواهرهای داماد سپند دود می‌کردند و نقل و نبات و شیرینی در میان میهمانان توزیع می‌شد و در این لحظه مراسم رقص، پایکوبی، جشن و سرور به اوج می‌رسید زیرا در اکثر مجالس عروسی در مرزن آباد از موسیقی محلی استفاده می‌شد و سرناچی و طبالچی‌های محلی با هنر و قدرت نوازندگی بالایی که داشتند به گرمی و شادی مجلس می‌افزودند ضمن آن که در بعضی از مجالس مراسم کشتی محلی نیز انجام می‌شد که همراهی نوازندگان با کشتی‌گیران بسیار تماشایی بود. اصولاً در عروسی‌های سنتی در مرزن-آباد کشتی، نوازندگی و پذیرایی از میهمانان معیارهای مهم ارزیابی کیفیت جشن بوده و فضای مناسبی را برای تداوم سنت‌ها آماده می‌کرده است. (البته بنا به اعتقادات، در بعضی از روستاها مراسم رقص وساز و دهل اجرا نمی‌شد).

پس از مراسم رقص و پایکوبی از میهمانان برای صرف شام دعوت به عمل می‌آمد. در مرزن آباد غذای جشن عروسی را معمولاً لپه خورش، آغوز خورش، ماست بزه، خورشت قیمه، فسنجان و... تشکیل می‌داد و افرادی که از توان مالی خوبی برخوردار بودند از میهمانان با بره و گوسفند بریان شده پذیرایی می‌کردند. گاهی مراسم عروسی تا هفت شبانه روز به طول می‌انجامید.

پاتختی

روز بعد از عروسی، پاتختی نام دارد. در قدیم در روز پاتختی عروس با خود هدایایی همانند پارچه، چهار قد، پیراهن، جوراب، چادر، زیرپوش مردانه و... که از قبل توسط مادرش تهیه دیده و او با خود همراه آورده بود به میهمانان به ویژه به بستگان درجه یک کادو می‌داد. عروس ابتدا به سمت بزرگان خانواده می‌رفت (پدربزرگ و یا پدر داماد) و بر دستان آنان گلاب می‌ریخت و هدیه‌ای به آنان می‌داد سپس به سمت مادر بزرگ و مادر داماد می‌رفت و با روبوسی و تبریک، هدیه‌ای نیز به آنان می‌داد. آنان هم ضمن تشکر و آرزوی خوشبختی هدایای خود را تقدیم نوعروس می‌کردند. به دین ترتیب بقیه افراد هدایای خود را تحویل می‌گرفتند. در برخی از روستاها میهمانان با تعارف و پذیرایی گرم عروس پای سفره حاضر می‌شدند. عروس در این محفل با تعارف گلاب و پاشیدن آن به دست میهمانان از آنان هدایایی می‌گرفت. پس از جمع آوری مبالغ هدایا، وجه نقد توسط عروس، مرتب

می‌شد و داخل بشقابی که در سینی گذاشته شده بود، برای احترام نزد پدرشوهرش آورده می‌شد. پدر شوهر نیز این هدایا را پس از شمارش به عروسش تقدیم می‌کرد. در بعضی از مناطق مرزن آباد در روز پاتختی علاوه بر پذیرایی و نهار و یا شام از میهمانان با آش رشته پذیرایی می‌شد که نشانی از رشته دار شدن مراسم شادی آن خانواده بود. و به‌خاطر همین موضوع بود که در مراسم عزاداری آش رشته تهیه نمی‌شد و پسندیده نبود زیرا معتقد بودند این عمل به رشته دار شدن عزا و پیای وارد شدن غم و اندوه برای آنان می‌انجامد.

مادر زن سلام (زن مار سلام)

بعد از عروسی، عروس و داماد به منظور عرض ادب و تقدیر و تشکر از زحمات مادر عروس به خانه او می‌روند که به این رسم مادر زن سلام یا زن مار سلام می‌گویند. خانواده عروس نیز اهل فامیل را دعوت می‌کند و تدارک شام می‌بیند و در اطاقی چند ظرف شیرینی و یک سینی که در آن یک قواره پارچه کت و شلواری یا یک کله قند گذاشته شده بر روی فرش یا میز چیده می‌شود. اگر خانواده عروس توانگر باشد در کنار آن‌ها یک ساعت و یا یک انگشتر و یا کادوی دیگری نیز می‌گذارند. داماد هنگامی که می‌خواهد داخل خانه شود مادر عروس پیش می‌آید و پیشانی او را می‌بوسد و سپس او را به اطاقی که یاد شد می‌برد. در آن‌جا پس از خوردن شیرینی و اندکی گفتگو یکی از ساقدوش‌ها سینی کت و شلوار را برمی‌دارد و پس از پذیرایی و جشن و سرور همه به خانه داماد برمی‌گردند. در بعضی از مناطق مورد مطالعه چنین رسم بود که در مراسم مادر زن سلام عروس دستمال‌های کوچکی را که با گلاب عطرآگین کرده به اهل فامیل هدیه می‌داد و مهمانان نیز مبلغی پول به عنوان رو نما به عروس هدیه می‌دادند.

۵،۴ تولد و فرزندآوری

در قدیم یکی از انگیزه‌های بسیار مهم ازدواج، داشتن فرزندان، به ویژه داشتن فرزند پسر بود. پسر را در زمان حیات خود یاور و انسجام دهنده ی خانواده و بعد از مرگ یادگار خانواده و سبب ماندگاری نام می‌پنداشتند. اگر چه امروزه نیز علاقه به پسر وجود دارد، ولی در شهرها نگاه‌ها کم و بیش تغییر کرده و فقط در روستاها داشتن پسر اهمیت خود را تا حدودی حفظ کرده است.

در گذشته، خانواده‌ها پس از ازدواج فرزندان‌شان نیت و آرزو می‌کردند که اولین فرزند آنان پسر باشد آنان تفأل می‌زدند و اگر مدتی از ازدواج دختر و پسر می‌گذشت و صاحب بچه

نمی شدند، خانواده‌ها هراسان و دلواپس می شدند که نکند اجاق عروس کور باشد و خانه شان سوت و کور بماند. آن چه بجه حساب نمی آمد سهم مرد در بجه دار نشدن بود. خانواده‌ها همه گونه تمهیداتی را فراهم می کردند تا عروس و داماد صاحب بجه شوند. گاه برای بجه دار شدن زن نازا به بقاع متبرکه و مساجد محل توسل می جستند و چراغ نفتی، نفت، شمع، لباس نوزاد، آش و سفره‌ای نذر می کردند.

بارداری و زایمان

در قدیم هر گاه زنی باردار می شد از کارهای سنگین خلاصی می یافت تا خود و بچه اش سالم بمانند ولی کارهای سبک خانه و تولید هنرهای دستی همچون جوراب بافی، دست-کش بافی برای زن باردار لازم بود زیرا معتقد بودند که کار و فعالیت بدنی باعث می شود که زایمان راحت تر صورت گیرد. برای امور مربوط به زایمان از ماماهاى خانگی که قابله نامیده می شدند استفاده می شد. این افراد در کار خود تبحر خاصی داشتند. آنان این مهارت را از گذشتگان خود آموخته بودند. معمولاً مادر و خواهر زائو و نزدیکان داماد برای کمک به قابله حضور داشتند.

به زن باردار قبل از زایمان، تخم مرغ و روغن محلی، عسل و آرشه (نوعی فراورده لبنی که از شیر تهیه می شود و طبع آن گرم و بسیار مقوی است) می دادند تا توان جسمی اش بالا برود و بعد از زایمان نیز روغن حیوانی را داغ کرده همراه با مواد مقوی دیگری همچون عسل به او می دادند. بعد از زایمان، زائو باید تا ده روز استراحت می کرد. زنی که فرزند می آورد تا چهل شب نمی توانست با همسر همبستر گردد. بعد از چهل روز به حمام می رفت و با کاسه (چهل تاس) یا چهل کلید که به نظراهالی کاسه‌ای مقدس بود و معمولاً از شهر مشهد تهیه می شد و بر روی آن انواع دعا نوشته شده بود بر سر و بدن خود آب ریخته و خود را می شست تا مطهر شود زن زائو تا چهل روز بعد از زایمان نماز نمی خواند و معتقد بود فرزندش باید به جای مادر در آینده این چهل روز نماز را بخواند.

در آن زمان برخی از مردم مرزن آباد معتقد بودند که زن تازه زایمان کرده و نوزادش را نباید تنها گذاشت برای این منظور تا ده روز کنار زن زائو و نوزادش می ماندند و قرآن و همچنین اشیای نوک تیز همچون قیچی در بالای سر آنان می گذاشتند تا آسیبی از طرف آل به مادر و نوزادش نرسد زیرا به عقیده عوام یکی از دختران شیطان آل نام دارد که بسیار زشت روی و کریه المنظر است و یکی از ماموریت‌های وی از بین بردن زائو و فرزندش است. حتی در برخی روستاها پیازی را به سیخ فرو کرده و به دین منظور در بالای سر زائو و نوزاد می آویختند.

نام گذاری

در قدیم در مرزن آباد اغلب نوزادان در روزهای نخستین تولد نام گذاری می شدند و انتخاب نام توسط بزرگان فامیل به خصوص پدر بزرگان و مادر بزرگان انجام می شد و تقریباً پدر و مادر در انتخاب نام کودک نقشی نداشتند. از میان نام ها، اسامی مذهبی درالویت بود. اگر تولد نوزاد مقارن با میلاد یا سالگرد وفات پیامبر (ص) و یا یکی از معصومین بود، نام این عزیزان را بر نوزاد می گذاشتند و گاه نام گل و گیاهان را برای نوزاد دختر انتخاب می کردند. علاوه بر موارد یاد شده همزمانی تولد و مقارن شدن آن با اعیاد، ایام و ماه های سال در انتخاب نام نوزاد نیز نقش داشتند. بر همین اساس اسامی هم چون رمضان، آذر، بهمن، غدیر، قربان، محرم، شعبان، نوروز و... در منطقه مرزن آباد زیاد به گوش می خورد.

تا یکی دو نسل پیش در مرزن آباد اگر خانواده ای از نام کودک خانواده ای دیگر استفاده می کرد مورد اعتراض قرار می گرفت و این کار پسندیده نبود. در بعضی از مناطق مرزن آباد مراسم نام گذاری همراه با جشن و سرور و پذیرایی و گاه در بعضی موارد بسته به بضاعت خانواده نوزاد با موسیقی محلی همراه بود.



تصویر ۴-۵ مصاحبه با آقای امیر سام دلیری و فرزند ایشان (شهروندان مرزن آباد)

گهواره بندی

در بیشتر مناطق مرزن آباد رسم بر این بوده و هست که در دهمین روز تولد نوزاد، عنده ای از بستگان و آشنایان برای صرف نهار و پذیرایی به منزل زائو دعوت می شدند. در این مراسم پس از پذیرایی از میهمانان زائو و نوزادش را به حمام عمومی می بردند و پس از بازگشت برای رفع چشم زخم اسفند دود می کردند و برای سلامتی مادر و نوزاد تخم مرغ

می‌شکستند و از مدعوین همراه با جشن و سرور پذیرائی به عمل می‌آمد. در این مراسم گهواره کودک را تزئین نموده مادر بزرگ یا قابله کودک را در گهواره می‌بستند. سپس میهمانان پولی به عنوان هدیه در گهواره طفل می‌گذارند. در روستای ولشت در این روز دو نفر از زنان روبروی هم می‌نشستند و سه مرتبه نوزاد را دست به دست هم می‌دادند و به صورت نمایشی به نوزاد می‌گفتند.

"مامان و بابا دعوا کردند نترسی. صدا میاد نترسی"

سپس تعدادی گردو را در چهار طرف گهواره به نیت سلامتی نوزاد می‌شکستند. رسم بود پس از آن، دیگر نوزاد را در آغوش نمی‌گرفتند مگر برای شیردادن و یا تعویض لباس و کودک باید در گهواره می‌ماند تا مادر بعد از بهبودی به امور منزل و کار در مزرعه بپردازد.

رسم دندان سری

یکی دیگر از مراسم مربوط به دوران کودکی در مرزن آباد مراسم دندان سری است که هم‌زمان با ظاهر شدن اولین دندان‌های طفل برگزار می‌شود. در این مراسم مادر کودک شیر برنج یا آش حبوبات درست می‌کند و کاسه‌ای از آش را به خانه فامیل و دوستان می‌دهد. معمولاً رسم است که افراد هنگام عودت دادن کاسه، هدیه‌ای مانند روسری یا پول در آن می‌گذارند. اما در قدیم مردم بیشتر نقل، لباس، حلوا شیرینی و هدایای دیگری برای کودک و مادرش می‌فرستادند. به نقل از خانم طیبه توپا اسفندیاری در بین عوام این باور وجود داشت که کودکی که دندان در می‌آورد اگر می‌توانست سخن بگوید با اعتراض می‌گفت: اگر مادر من می‌دانست که چقدر دندان من درد می‌گیرد تا درآید، چوب گهواره مرا می‌شکست و برای من مراسم دندان سری می‌گرفت.

ختنه سوران

در قدیم در مرزن آباد زمانی که فرزند پسر به دنیا می‌آمد بعد از گذشت چند روزی و گاه چند ماه و حتی چند سال بنا بر سنت و دستورات دین مبین اسلام نوزاد یا کودک پسر را ختنه می‌کردند. این کار عموماً توسط دلاکان انجام می‌شد. در این روز جشن می‌گرفتند و به میهمانان ناهار، شام یا عصرانه می‌دادند.

البته در بعضی از روستاهای مرزن آباد فرزند پسر را در سنین پایین و اغلب در هفتمین شب تولد ختنه می‌کردند و اعتقاد داشتند که هر چه زودتر می‌بایست کودک را ختنه کرد تا اگر بر اثر بیماری یا حادثه‌ای از دنیا رفت، مسلمان از دنیا رفته باشد. مراسم ختنه اغلب در

روز پنج شنبه انجام می‌شد و باور داشتند که در این روز ختنه کردن شگون دارد. اما امروزه کودکان در همان بدو تولد در بیمارستان ختنه می‌کنند.

۵.۵) مرگ و مراسم سوگواری و کارکردهای آن

پذیرش حادثه مرگ به عنوان یک واقعیت و اعتقاد به روح و در نتیجه پیدایش اندیشه و عمل تجلیل از نیاکان و بزرگان ارتباط عمده دین و شعائر دینی را با آداب و سنن اجتماعی نشان می‌دهد. زیرا کارکرد اساسی انسان در پدیده مرگ اعتقاد به جاودانگی انسان است که از تسلیم او در مقابل مرگ و تباهی جلوگیری می‌نماید. یکی از عمده ترین شیوه‌های این مبارزه اجرای مناسک و آداب سوگواری است که کارکرد اساسی آن از طریق تقدس بخشیدن به سنت‌ها تحقق پیدا می‌کند.

اعضاء گروه یا جامعه برای انجام تشریفات خاصی به گروه‌های متعدد تقسیم می‌شوند و هر گروه به آماده سازی مراسمی خاص می‌پردازد یکی برای تشریفات کفن و دفن، گروهی برای انتخاب محل مناسب برگزاری سوگواری مذهبی و ... گسیل می‌شوند.

بدین ترتیب، انجام مراسم سوگواری متضمن ایجاد یک نظام یا سازمان اجتماعی است که به طور همزمان و بر اساس فرهنگ و سنن پیشینیان و متناسب با نقش و منزلت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی شخصی متوفی تشکیل می‌گردد.

کارکردهای مراسم سوگواری

پیوند مراسم سوگواری با مذهب و تبدیل مراسم به نوعی نمایش مذهبی، زمینه را برای تجلی کارکردهای مختلف اجتماعی، روانی و ... فراهم می‌سازد.

اجرای مراسم سوگواری تألماتی را که در تشییع جنازه نشان داده می‌شود و اعمالی که در سوگواری ظاهر می‌شود، عواطف کسانی را که از وجود تازه گذشته محروم شده اند و زیان مصیبتی را که برای کل اعضاء جامعه و یا گروه و خانواده پیش آمده است تعیین می‌کند. مهم‌ترین کارکرد این اعمال تشدید احساسات فطری بازماندگان و روبرو شدن با یک رویداد اجتماعی به عنوان یک واقعیت طبیعی است. بدینسان مراسم سوگ، سوگواری،

نمایشات مذهبی، شیون‌ها و گریستن‌ها و بر سر و صورت خود زدن و ... موجب می‌شود تا جامعه و بازماندگان متوفی فرصت و توانایی لازم را برای تحمل مصیبت وارده پیدا کنند. اعمال و مناسک مذهبی و ارتباط مراسم سوگواری با آن مناسک و تقدس بخشیدن به آن واقعه را به عنوان مشیت پروردگار تبیین و بنیان‌های روحی جامعه را که متزلزل شده اند

باز سازی می‌کند. به نظر رادکلیف براون کارکردهای عمده‌ای که از مطالعه رسوم سوگواری شناخته شده‌اند به قرار زیر است (فرید، ۱۳۸۶).

۱. هر یک از آداب و رسم‌هایی که به جا آورده می‌شوند تبیینی از حالت عاطفی ذهن است که دو یا تعداد بیشتری از مردم در آن سهیم اند مثل گریستن که نشان دهنده احساسات همبستگی است.

۲. رسوم و اعمال اجرا شده به احساس تعهد و الزام با آنها همبستگی دارد. به سخن دیگر رعایت وظایف و تکالیفی است که اشخاص باید در فرصت‌های معین آن را به جای آورند.

۳. هر یک از اعمال و رسوم با در نظر گرفتن قوانین بنیادی تنظیم کننده زندگی عاطفی موجودات بشری تبیین می‌شوند. از این روی باید آن‌ها را به عنوان نیک واقعیت پذیرفت. مثلاً گریستن مفری برای هیجان‌ات عاطفی است و بغل کردن افراد بیان چگونگی دلبستگی افراد به یکدیگر است.

۴. هر یک از رسم‌هایی که به کار برده می‌شوند تعداد بیشتری از احساسات اجتماعی را در ذهن شرکت کنندگان تداعی یا دگرگون می‌کنند. مثلاً گریستن در سوگواری نوعی واکنش دفاعی یا حاکی از عواطف محبت آمیز در مواقعی است که احساس همبستگی بر اثر وقفه اجتماعی یا گسیختگی مورد تهدید قرار گرفته است.

آداب و مراسم مرگ و سوگواری در مرزن آباد

در قدیم در مرزن آباد اگر شخصی فوت می‌کرد از بزرگان فامیل یکی انتخاب می‌شد تا محله به محله رفته و به مردم خبر فوترا اعلام کند و همه را به هم‌دردی و یاری و شرکت در سوگواری فرا خواند. در این مراسم همه در تشییع و به خاک‌سپاری میت همکاری و همراهی می‌کردند. از آن جا که تمامی مردم منطقه مسلمان هستند بر طبق دستورات دین مبین اسلام میت باید غسل داده می‌شد. اگر غسل‌خانه در روستا وجود داشت میت را در آن مکان غسل می‌دادند و در غیر این صورت در همان جا دور تا دور جنازه را با پارچه‌ای مستور می‌کردند و شخص غسل، میت را غسل می‌داد تا برای کفن و دفن آماده گردد. قبل از دفن هرکسی به مقدار وسیع مالی بر روی جنازه مقداری پول می‌گذاشت که به زبان محلی به آن سرکش می‌گفتند. این پول به منظور کمک به فامیل عزادار که نیازمند بودند جمع آوری می‌شد. در همان روز و در مراسم تدفین و به خاک‌سپاری حتما نان محلی، حلوا و پنیر برده می‌شد که به آن اصطلاحاً پیش خاک می‌گفتند. تا از افرادی که در مراسم خاک-سپاری شرکت کرده اند مختصر پذیرایی به عمل آید. در بین مردم مرزن آباد در همین

رابطه مثلی با این مضمون وجود دارد "اگر هستی نان میخوری، اگر مردی نان و پنیر میخوری." پس از خاک سپاری همه مردم منطقه با سوگواران تا خانه همراه می‌شدند. نزدیکان در خانه صاحب عزا می‌مانند و بقیه خداحافظی می‌کردند. البته وابستگان و دوستان نزدیک‌تر شب‌ها نیز در آن جا می‌مانند و می‌کوشند تا خانواده عزادار جای خالی از دست‌رفته خود را کمتر احساس کند. شب اول بعد از تدفین، برای مرده نماز وحشت می‌خواندند و در همان شب که معروف به "شوم غریبان" بود علاوه بر پذیرایی از میهمانان برای همسایگان و نیازمندان نیز غذا فرستاده می‌شد تا صوابی از آن خیرات برای متوفی در نظر گرفته شود برای مخارج عزاداری رسم پول اندازی وجود نداشت ولی اطرافیان و دوستان هر کدام به اندازه توان مالی کمک می‌کردند تا مراسم عزاداری با آبرومندی برگزار گردد.

در قدیم مراسم شب هفت و چهلم چندان در مرزن آباد رسم نبود و فقط مراسم سوم را بسیار با شکوه برگزار می‌کردند. صاحبان عزا و اقوام بسیار نزدیک در طول ۳ روز عزاداری دکمه‌ی یقه پیراهن‌شان را به نشان غم و اندوه می‌بستند. اما پس از گذشت ۳ روز و پایان مراسم بزرگان فامیل دکمه‌ی یقه‌ی صاحبان عزا را باز می‌کردند تا به اصطلاح از عزا بیرون آیند. در مدت این سه روز اکثریت اقوام در خانه صاحب عزا برای ابراز همدردی حضور داشتند.

در آن ایام اگر شخص جوانی فوت می‌کرد اقوام و دوستان نزدیک وی تا یک سال جشن عروسی نمی‌گرفتند مگر این که از صاحبان عزا اجازه برگزاری جشن را می‌گرفتند. ضمن آن که صاحبان عزا معمولاً تا چهل روز به احترام متوفی حتی به رادیوگوش نمی‌دادند. البته عمده‌ترین نشانه سوگوار بودن خودداری از حنا بستن، اجتناب از پوشیدن جامه هائی به رنگ‌های سرخ و شاد و اجتناب از حضور در مجالس عروسی و شادی بود. بعد از چهل روز عزاداری، همسایه‌ها و اقوام پیراهن و یا روسری فراهم نموده و برای صاحبان عزا می‌آوردند تا لباس سیاه عزاداران را از تن بدرکنند در همان روز آرایش‌گری می‌آمد تا موی سر و ریش صاحبان عزا را اصلاح نماید پس از آن مراسم عزاداری رسماً به اتمام می‌رسید.

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل ششم

اعتقادات و باورهای عامیانه مردم مرزن آباد

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه:

واژگانی هم‌چون عقیده، باور، تعصب، پیش‌داوری و خرافات از مفاهیم نزدیک به هم اما در واقع از یکدیگر جدا هستند و اگر برخی از آن‌ها در عرف عامه به‌جای هم به‌کار روند، خیلی دور از انتظار نیست. اما در برخی متون علمی هم گاهی اوقات به جایگاه استعمال این مفاهیم توجه نمی‌شود و بدون ضابطه معینی به‌جای هم استفاده می‌شوند. در این فصل بنا به نیاز به درک بهتر مفاهیم واژه‌گان عقیده، باور و خرافات به تعاریف آن‌ها پرداخته می‌شود.

۶.۱) باورها، عقیده و خرافات

واژه عقیده از اصطلاحات مربوط به حوزه روان‌شناسی اجتماعی است که مباحث مربوط به پدیده روانی اعتقاد را از این حیث که دارای رفتارسازی اجتماعی است مطالعه می‌کند. در یک تعریف ساده و رسا، «عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقایقت آن‌ها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲). کرج و کرچفلید "باور" را چنین تعریف کرده‌اند: «باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است» (روشبلا، ۱۳۷۱: ۱۲۴).

برخی از روان‌شناسان اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که «باورها سه ریشه اصلی دارند: تجربه شخصی، اطلاعات حاصل از دیگران و استنتاج، حتی ممکن است باورها محصول هم-زمان این سه منبع باشند».

عموما باورها دارای ویژگی‌هایی به قرار زیر هستند و چنین تعریف می‌شوند:

- ۱- پذیرش عاطفی یک اصل یا مذهب مانند حقیقت
- ۲- قضیه‌ای است که شخص درستی آن را بدون آن که بر آزمایش یا انتقاد مبتنی باشد پذیرفته است.
- ۳- درآمدن از حالت شک به حالت استقرا، ثابت و عقیده و این که این امر انفرادی نیست بلکه به جامعه نیز سرایت می‌کند.
- ۴- تمایل به واکنش خود آگاهانه در یک شیوه یا طریقه ثابت در یک وضع خاص (شعاری نژاد ۱۳۶۴). باورها به دو دسته منطقی و غیر منطقی قابل تقسیم اند.

خصوصیات باورهای منطقی

- ۱- این باورها با واقعیت هماهنگی دارند.
- ۲- به وسیله شواهد عینی تایید می‌شوند.
- ۳- باورهای منطقی به دو صورت شرطی یا نسبی هستند. بنابراین یک حکم قطعی یا مطلق نمی‌باشند.
- ۴- افکار منطقی با عبارتی هم‌چون بهتر است که، مناسب است که، خوب است که، صحیح است که به کار می‌روند.

خصوصیات باورهای غیر منطقی

- ۱- افکار و باورهای غیرمنطقی با واقعیات موجود هماهنگ و هم جهت نیستند.
- ۲- باورهای غیرمنطقی توسط شواهد عینی تایید نمی‌شوند و فرد در صدد آزمایش آنها نیست.
- ۳- باورهای غیرمنطقی به شکل اطلاعات و یا به شکل تصمیم و تصمیم‌گیری نادرست است.
- ۴- باورهای غیرمنطقی با اجبار و الزام و وظیفه همراه است و خشک و انعطاف ناپذیر هستند.
- ۵- باورهای غیرمنطقی باعث حالت‌های آشفته و ناراحت‌کننده در فرد شده و در نهایت منجر به اضطراب، افسردگی و احساس گناه می‌شود

http://www.cloob.com/name/assessment_ir

خرافات

خرافه، واژه‌ای عربی است و ریشه آن «خرف» به معنای «چیدن میوه» یا «پیری و فرتوتی» است. نام پاییز هم در عربی «خریف» است که شاید از همین ریشه‌ها باشد. «خرافه» مصدر این فعل است و اصطلاحاً بر «حکایت ساختگی و خنده آور» یا «عقیده فاسد و رأی باطل» اطلاق می‌شود.

به طور کلی خرافات عبارت است از باورهای باطل و بی اساس که فاقد مبنای عقلی و علمی باشند. ذکر این نکته ضروری است که خرافه نسبت به درجه فهم و بصیرت بشر، معنا می‌یابد و می‌تواند وجود داشته باشد. چه بسیاری از مسائل که به نظر ما خرافه می‌رسند، اما در دوره‌های قبل به دلیل محدود بودن علم بشر، معقول و مقبول بوده اند. مثلاً این عقیده که شکستن آینه شگون ندارد، به نظر ما عقیده‌ای بی اساس و خرافاتی به نظر می‌آید؛ اما باید اشاره کرد که در روزگار قدیم مردم تصور می‌کردند شکل و سایه و عکس انسان، قرین یا جزو روح انسان است و با شکسته شدن آینه نقش انسان باطل می‌شود و در واقع روح او صدمه می‌بیند. با این مقدمه، نمی‌توان بدشگون بودن شکستن آینه را در روزگار گذشته خرافه نامید بلکه این عقیده منطقی بوده است. منتها قرینه دانستن عکس با روح، نادرست بوده است. اما در این عصر که نور علم، چنین تاریکی‌هایی را زدوده است اگر هنوز هم کسانی پیدا شوند که در شکستن آینه همان باور بدشگونی را داشته باشند، می‌توان آنان را خرافی یا خرافاتی نامید.

در عین حال وجود برخی عقاید و باورها که گاهی خرافی تصور می‌شوند تا حدود زیادی عقلانی بوده و دارای فایده و کارکرد هستند. نمونه قابل ذکر اینکه برخی از روستاییان ایرانی به کودکان خود القاء می‌کنند که تارهای عنکبوت موجود در سطح باغ و مزارع، خانه شیطان است و نباید آنها را خراب کرد. در دهه‌های اخیر، نقش عنکبوت در کنترل برخی آفات به اثبات رسیده و از طرفی دیگر، نظریه خاصیت کشندگی سم عنکبوت بر روی حشرات مطرح گردیده است. در طبیعت، عنکبوت با تزریق سم عصبی به داخل بدن حشره، آن را از بین می‌برد. در یکی از موسسه‌های علوم طبیعی امریکا، پژوهش‌گران در حال بررسی طرحی هستند که بتوانند از ژن‌های مولد سم عنکبوت برای مبارزه با آفات گیاهی استفاده نمایند. روستاییان برخی از مناطق ایران برای حشرات مفید نام‌های مقدسی برگزیده‌اند تا کودکان آنها را از بین نبرند به عنوان مثال، بالتوری‌های سبز را "سبز قبا" و یا "سبز عبا" می‌نامند. رنگ سبز، نزد روستاییان از پاکی و قداست خاصی برخوردار است.

معمولا قبا و عبا را بزرگان و ریش سفیدان می پوشند و پوشیدن آن‌ها، نشانه جاه، جلال، مقام و مرتبه است (شربتیان، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

بنابراین خرافات، وقتی خرافات است که عقاید علمی در دوره زمانی و محیط جامعه مورد نظر، بسط یافته باشد و حداقل، برگزیدگان و اندیشمندان آن جامعه، آن «باور» را باطل بدانند، وگرنه در صورتی که جامعه به تبع یک دسته مقدمات (که ظاهر معقول دارند) بدان باور رسیده باشد، نمی توان آن را خرافات نامید. هم چنان که هر باوری را که مبانی و دلایل آن برای ما ناشناخته است، نمی توان خرافه نامید.

اگر چه همواره گرایش نوع بشر به پذیرش و باور آن دسته از حقایق عالم هستی بوده که امکان رویت، تجربه و لمس آن‌ها را داشته است، لیکن واقعیت این است که چه بسیار موجودات و مخلوقاتی که در عالم واقع وجود دارند اما برای هرک و دریافت آنها از حواس ظاهری ما هیچ کاری ساخته نیست. ضمن آن که همین دیر باوری به همراه علاقه مندی نوع انسان به موهومات و امور خارق العاده همواره راه را برای خرافات و پیرایه بستن به امور ناملموس و نامحسوس باز گذاشته است. از این روست که باید گفت به رغم اعتقادات سطحی و ناباورانه‌ای که با عنوان خرافات نسبت به برخی مفاهیم و موجودات وجود دارد لیکن در میان آن‌ها، مفاهیمی را می توان یافت که اگر از پیرایه باورهای خرافی زدوده شوند حقیقتی در دل آن‌ها نهفته است که گاه پذیرش آن‌ها را ضروری و اجتناب ناپذیر می نماید (داودآبادی، ۱۳۸۳: ۹۱). همه این‌ها تشخیص بین خرافات و اعتقادات را از یکدیگر مشکل می سازد.

به لحاظ ماهیت و فلسفه‌ی پیدایش، خرافه‌ها را به صورت زیر می توان تقسیم کرد.
الف) خرافه‌های تلقینی: که همان خرافه‌های فردی هستند و افراد برای خود ساخته و به خود تلقین می کنند.

ب) خرافه‌های تدافعی: که برای جلوگیری از آسیب رسیدن ساخته شده‌اند، مثل پاره کردن لباس برای جلوگیری از چشم زخم.

پ) خرافه‌های فرافکنانه: که مقصر ساختگی می سازد، مثل تخم مرغ شکستن یا چشم شور.

ت) خرافه‌های ذوقی: مثل فال حافظ و قهوه.

ث) خرافه‌های تسکینی: مثل خرافه‌هایی که بیماران برای باز یافتن سلامتی‌شان به کار می برند یا بخت گشایی.

ج) خرافه‌های تسخیری: مثل اعتقاد به اشباح یا غول‌ها.

چ) خرافه‌های بدلی: که جایگزین اعتقادات دینی می شوند و در اذهان می نشینند.

فصل ششم: اعتقادات و باورهای عامیانه مردم مرزن آباد / ۱۴۹

این نوع اخیر خرافات را در بین انواع خرافات می‌توان از همه خطرناک‌تر و ماندگارتر دانست، زیرا وقتی اندیشه‌ای موهوم و خرافه رنگ دینی بگیرد بر همه‌ی افکار و کردار انسان مذهبی سایه خواهد افکند و ویران‌کننده خواهد بود و صد البته مبارزه با این نوع خرافات نیز بسیار سخت است زیرا فردی که قصد روشن‌گری در این زمینه را دارد در نظر علوم انسانی ضد مذهب جلوه خواهد کرد (شعربافیان، ۱۳۸۳: ۱۵).

در منطقه مورد مطالعه نیز بسیاری از این‌گونه باورها، اعتقادات و گه‌گاه خرافه‌ها در بین مردم رواج دارد که به لحاظ در هم تنیدگی و ادغام در یکدیگر، تمیز خرافه از باور و اعتقاد را کاری مشکل می‌سازد از این رو بدون پیش‌داوری، غرض ورزی و اثبات یا رد فقط به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۶،۲) باورهای عامیانه مردم مرزن آباد در مورد پدیده‌های آسمانی

رعد و برق

در مرزن آباد، رعد و صاعقه، قدسی، با برکت و بخشنده اند و مردم از آن‌ها سلامتی، فزونی محصول و برکت طلب می‌کنند.

رنگین کمان

رنگین کمان، پدیده‌ای قدسی و مبارک است. در بعضی از روستاها رنگین کمان را نشانه‌هایی از سالی خوب و پر باران برای محصولات کشاورزی می‌دانند. در روستاهای دلیر و الیت بعضی از مردم اعتقاد دارند رنگین کمان کار (دستگاه بافندگی سنتی جاجیم و پارچه بافی) حضرت فاطمه است و در هنگام رنگین کمان حضرت در حال کار بافتن هستند.

ستارگان

ستارگان چراغ‌های عمر ابنای بشرند. هرکس تا زمانی که زنده است ستاره‌ای در آسمان دارد. این ستاره بلافاصله پس از مرگ از چلچراغ آسمان جدا می‌شود و فرو می‌افتد. در برخی از روستاهای مرزن آباد کسی که افتادن ستاره‌ای را ببیند، صلوات می‌فرستد و دست به چهره می‌کشد.

آسمان

در باور مردم مرزن آباد سرنوشت آدمیان در دست آسمان است. در مثل‌های قدیمی آمده است آسمان به دور خود گردید و چون نوبت نیک بختی ما رسید فرو ریخت.

ماه و خورشید

مردم روستاهای مرزن آباد معتقدند ماه و خورشید برادر و خواهر هستند.

بارش برف و باران

این مردمان زوزه کشیدن شغال را نشانه بارش برف و باران می‌دانستند.

۶،۲) باورهای عامیانه در مورد ایام هفته

تا گذشته نه چندان دور در مرزن آباد در روزهای دوشنبه و چهارشنبه نه به کسی وسیله‌ای امانت می‌دادند و نه از کسی وسیله‌ای امانت می‌گرفتند و نه خرید و فروشی انجام می‌شد. زیرا معتقد بودند در این ایام امانت‌گیری و امانت‌دهی و خرید و فروش خیر و برکت ندارد.

در برخی از روستاهای مرزن آباد روز شنبه نباید عروس به خانه آورد. آن را بدشگون می‌دانند، زیرا معتقدند شنبه برگشت دارد و ممکن است سبب بازگشت عروس به خانه ی پدری شود.

از آن‌جا که در ایام قدیم ابزار برافروختن آتش محدود بود، گاه آتش اجاق یک خانواده خاموش می‌شد و باید از همسایه خود آتش قرض می‌گرفت و از آن‌جا که آتش نماد روشنایی و برای برخی از عوام مقدس بود به منظور حفظ این روشنایی و نور بعضی از مردم روستاهای مرزن آباد در روزهای دوشنبه به همسایه‌های خود آتش قرض نمی‌دادند و به زبان محلی می‌گفتند: "اما دوشنبه روز تش بیرون درگاه ندیمه". جمع دیگری از مردم همین منطقه در روز چهارشنبه به کسی شیر قرض نمی‌دادند و آن را خوش یمن نمی‌دانستند و بر این باور بودند که با انجام این کار شیر دام‌هایشان کم خواهد شد. حتی برخی در این روز پشم گوسفند هم قرض نمی‌دادند. اگر این کار انجام می‌شد به عقیده آنان گوسفندان تلف می‌شدند.

۶,۴) باورهای عامیانه راجع به حیوانات

پرستو

در باور مردم مرزن آباد، پرستو به سبب آن که هر ساله به مکه معظمه سفر می‌کند و باز می‌گردد، مقدس است. برخی از روستائیان مرزن آباد معتقدند پرستو در هر خانه‌ای آشیانه بسازد، صاحب خانه به سفر حج می‌رود.

شغال

زوزه کشیدن شغال را نشانه بارش برف و باران می‌دانستند. البته در بعضی از روستاهای دیگر درست برعکس مردم اعتقاد داشتند زوزه شغال نشانه هوایی صاف و فردایی آفتابی است.

گنجشک

در مرزن آباد عامه معتقدند کسی که کله‌ی گنجشک بخورد، پر حرف و پر صدا می‌شود.

کلاغ

قارقار کلاغ را بدشگون می‌دانستند.

کبوتر

حضور کبوتر در خانه، اجنه را فراری می‌دهد و شیاطین را از حریم آن دور می‌کند.

جغد

به باور اکثر مردم مرزن آباد، جغد شوم است و دیدن یا شنیدن صدایش شگون ندارد و هرگاه در اطراف یا نزدیکی خانه لانه می‌کرد بسیار بد شگون بود و حتی برخی باور داشتند حضور این پرنده باعث مرگ یکی از افراد آن خانه بخصوص صاحب خانه می‌شود.

خروس

آواز خروس را خوش‌یمن می‌دانستند و معتقد بودند مهمان می‌آید. در روستای طویر برخی معتقدند خواندن خروس در صبح به این منظور است که خروس ندای حق را بر زبان می‌آورد و می‌خواند و مضمون آواز آن به این معنا است که «شیعه بلند شو وقت نماز است بلند شو».

مرغ

در مرزن آباد خواندن مرغ نحس و بد یمن است و اگر مرغی همچون خروس خواند باید سرش را برید و به مردم خیرات داد. اگر مرغی در روز چهارشنبه خواند بهتر است رو به قبله سربریده شود و اگر روز دوشنبه و یا سه شنبه خواند باید رو به دریا سر بریده شود و گوشت آن را بین مردم خیرات داد.

زاغی

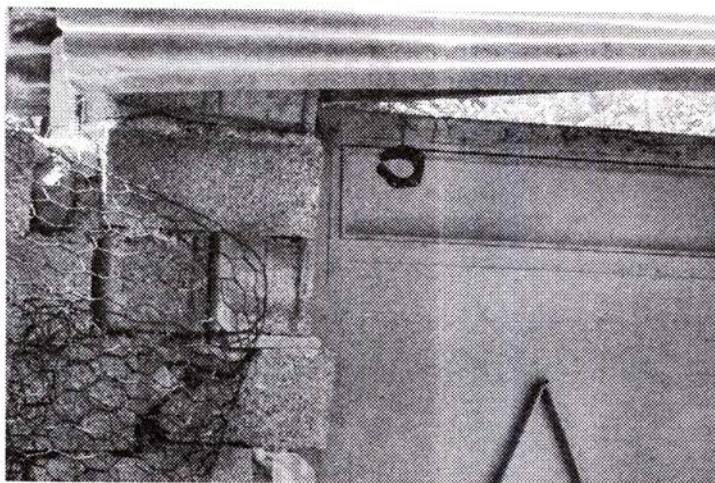
مردم مرزن آباد آواز سر دادن زاغی را نامبارک می دانند.

گره

وقتی گره‌ای دست و پای خود را می‌بیسد و تمیز می‌کند در حال نماز و نیایش است.

اسب

در روستاهای مرزن آباد عامه معتقدند اسب با حیاترین جانور اهلی است و برخی از آنان نعل اسب را به عنوان برکت و شانس آوری بر سر در منازل و مغازه‌های خود نصب می‌کنند.



تصویر ۱-۶: نصب نعل اسب بر سر در منزل به منظور شانس آوری (روستای ولشت)

گاو

در روستاهای مرزن آباد عامه بر این باورند اگر گاو در هنگام چرا پی در پی نعره بزنند آن سال پرباران خواهد بود.

سگ

جانوری باوفا و نگهبان دائمی کسی است که از او نگهداری می‌کند.

گربه

گربه‌های سیاه از جنس جن هستند. ضمن آنکه در روستای بَرار گربه را نماد نمک شناسی می‌دانند.

گوسفند

در روستای طویر وجود بره ی چهار شاخ را نشانه ی خیر و برکت و فزونی نسل گوسفندان می‌دانند.

گراز

مردم روستاهای مرزن آباد عبور گراز از میان رمه ی گوسفندان و بز را نشانه ازدیاد دام می‌دانند. در برخی از روستاها همچون روستای بَرار عوام معتقدند عبور گراز از مزارع کشاورزی موجب برکت و افزایش محصول می‌گردد.

۶,۵) سفره‌های نذری

در اکثر مناطق مرزن آباد عموماً دو نوع سفره نذری وجود دارد. سفره نذری حضرت رقیه و سفره نذری حضرت ابوالفضل.

سفره حضرت رقیه

معمولاً سفره حضرت رقیه را در شب جمعه نذر می‌کنند. اما می‌گویند در شب دوشنبه نیز انداختن این سفره خوب است. گستردن این سفره در منزل به این شکل است که خانم‌های حاجت‌مند در اتاقی از خانه که به پاکیزگی آن اطمینان دارند سفره‌ای پهن کرده و انواع خوراکی‌ها از قبیل نان، پنیر و سبزی، خرما، نقل، نبات و آجیل که بیش‌تر شامل کشمش، نخودچی، گردو و توت خشک می‌باشد را در آن می‌نهند. روی سفره را با پارچه‌ای سیاه می‌پوشانند و تا پایان مراسم سفره، آن را بر نمی‌دارند تا توجه مهمانان به سفره جلب نشود. آن‌گاه در کنار این سفره نمادی از یک قبر کوچک با آجر یا خشت روی هم چیده می‌سازند و بر روی آن‌ها شمع روشن می‌کنند. در زمان مشخص شده، روضه خوان خانم یا آقا که از قبل دعوت شده است و نیز سایر مهمانان وارد اتاق می‌شوند و دور تا دور سفره می‌نشینند.

زنان حاجت‌مند با دیدن صحنه قبر کوچک شروع به گریستن می‌کنند و روضه‌خوان نیز روضه و شرح مصیبت حضرت رقیه و قساوت و بی‌رحمی یزید را می‌خواند. زنان سر بر آن قبر نهاده و می‌گریند و او را به روح پدر و جد بزرگوارش سوگند می‌دهند که هر چه زودتر مرادشان را برآورده سازد. روضه‌خوان اشعاری را با آهنگی حزن‌آلود می‌خواند و زنان گریه می‌کنند. گاهی به جای ساختن قبر کوچک تنها دو شمع روشن کرده و آن را نماد قبر محسوب می‌کنند و معتقدند هر حاجت‌مندی که از صدق دل متوسل شود، حتماً حاجتش روا خواهد شد و نیز معتقدند اگر روضه‌خوان سید باشد برآورده شدن حاجاتشان قطعیت بیش‌تری خواهد یافت.

سفره حضرت ابوالفضل

مراسم سفره حضرت ابوالفضل در اکثر مناطق روستایی و شهری مرزن آباد انجام می‌شود و اهالی برای تامین سلامت و تندرستی خود و خانواده، رد بلا، رونق کسب و کار و... به برپایی سفره حضرت ابوالفضل اقدام می‌کنند. در اکثر مناطق مرزن آباد مراسم سفره ابوالفضل به قرار زیر است:

سفره‌ای پاک و سفید در وسط اتاق پهن می‌کنند. حلوا، نان و پنیر، سبزی، میوه، عدس پلو، خوراکی‌هایی است که عموماً در اکثر مناطق درون سفره گذارده می‌شود. ولی در تمام مناطق مرزن آباد حتماً آتش رشته باید در سفره وجود داشته باشد. گاه چند شمع هم روشن می‌کنند و روی سفره می‌گذارند. تعداد شمع‌ها به نیت پنج تن آل عبا، دوازده امام و چهارده معصوم، پنج، دوازده و یا چهارده عدد خواهد بود. میهمانان دور سفره می‌نشینند روضه‌ی حضرت ابوالفضل خوانده می‌شود. پس از دعا و نیایش، غذا و خوراکی‌ها بین حاضرین تقسیم می‌شود و باقیمانده خوراکی‌ها میان همسایه‌ها و فقرا تقسیم می‌شود.

۶،۶) باورها و اعتقادات در مورد شیوه‌های درمان و طب سنتی

طب سنتی ایران دانشی است آمیخته به هنر و فراست و مبتنی بر تئوری عناصر آریعه آب، خاک، آتش و هواست که هزاران سال پیش از فلاسفه یونان به ایران رسیده و با این که یونانی‌ها این فلسفه را به فراموشی سپرده بودند، این ایرانی‌ها بودند که در دانشگاه بین المللی جندی شاپور به گسترش این علم پرداخته و آن را جهانی کردند و سال‌ها هزاران دانشجوی علاقمند از سراسر جهان را تربیت کرده و این طب عظیم و کهن را تا امروز زنده نگه داشته‌اند.

از آنجایی که درد و رنج جزئی از زندگی بشر است، بنابراین پزشکی همراه همیشگی انسان در طول زندگی اوست و آدمی همواره به دنبال درمان آن‌ها بوده و هست. در مرزن آباد نیز مردم منطقه از گذشته دور از روش‌های درمان‌های سنتی استفاده می‌کردند که بخشی از این دانش بومی سینه به سینه به نسل امروزی رسیده است. طب سنتی مرزن آباد مجموعه‌ای است از دانسته‌ها، مهارت‌ها و اعمال که بر پایه باورها و تجربه‌های بومی به وجود آمده و از آن در راستای پیشگیری، تشخیص، بهبود و مداوای بیماری‌های جسمی و روحی استفاده می‌شود. در این قسمت به برخی از این دانش و باورهای مربوط به آن در این منطقه اشاره می‌گردد:

طب سنتی در مرزن آباد

علاج مارگزیدگی: در روستای طویر مرزن آباد به مار گزیده شیر می‌خورانند و بالا و پائین محل گزیدگی را با پارچه یا ریسمانی محکم می‌بندند. در روستای پردنگون محل گزیدگی را تیغ می‌زنند و نمک و سیر کوبیده و یا ماست و سیر بر روی آن می‌گذرانند.

خون دماغ: در ولشت دانه اسفند را می‌پزند و آب آن را برای رفع خون ریزی بینی در دماغ می‌ریزند و در برخی روستاها آب گزنه را در بینی می‌ریزند.

زنبور گزیدگی: در روستای ولشت نیش را بیرون می‌آورند و بر محل گزیدگی ماست می‌مالند.

سینه درد: در روستای طویر در قدیم موم سفید و سقز را آب می‌کردند و روی پارچه‌ای می‌مالیدند و بر روی سینه می‌بستند.

اسهال: برای رفع اسهال ماست یا عسل استفاده می‌کنند. در روستای پردنگون پلو با دوغ گاو برای بیمار تجویز می‌کنند.

یبوست: در روستای گوهر کلا آب ریشه کاسنی را گرفته استفاده می‌کنند.

دندان درد: در روستاهای مرزن آباد برای رفع درد دندان نمک، فلفل و قره قروت بر دندان می‌نهند.

چشم درد: در روستای میجکار تفاله چای را بر پشت چشم می‌مالند.

کم سوئی چشم و شبکوری: جگر سفید گوسفند را بدون نمک و نیم پخته می‌خورند.

پا درد: در روستای میجکار آب گزنه را می‌گیرند و بر محل درد می‌مالند.

ماهیچه درد: در بعضی از روستاهای مورد مطالعه خاکستر را با نمک مخلوط کرده و کمی آب به آن میزنند و آن را داخل تابه حرارت می‌دهند. سپس داخل پارچه‌ای می‌پیچند و بر روی درد قرار میدهند تا درد بر طرف شود.

تقویت موی سر: از گیاه حنا و گیاهی به نام سنگ حنا و زرده تخم مرغ استفاده می‌کردند. کم اشتهائی: در برخی از روستای‌های مورد مطالعه صبح‌ها آب هندوانه می‌نوشتند. سرما خوردگی: در روستای پردن‌گون دم کردهٔ پیر سیاوشان می‌نوشتند و در روستای طویرگل گاو زبان و بنفشه را دم کرده و می‌نوشتند. زردی (یرقان): در روستای میجکار مهرهٔ زرد درشتی را نخ می‌کنند و بر گردن بیمار می‌آویزند.

سیاه سرفه: در روستای برار بعضی از مردم برای درمان بیماری فرد بیمار را در بین دو درخت و در ارتفاع می‌بستند و او را می‌گرداندند و فرد دیگری با تَرَکِه یا چوب فرد بیمار را به آرامی کتک می‌زد تا بیماری از بدن وی دفع شود.

در روستاهای ولشت و برار در بسیاری مواقع زخم یا پارگی را بخیه نمی‌کردند. بر روی زخم، گوره (شیردان گوساله یا نوزاد بره تلف شده) می‌گذاشتند و روی زخم را می‌بستند. هم‌چنین چای خشک را آسیاب و پودر کرده و بر روی زخم سر باز می‌گذاشتند تا زخم بهبود یابد.

در همین مناطق بر روی دندان‌های که کشیده شده زرده تخم مرغ پخته قرار می‌دادند تا از درد آن کاسته شود.

دامپزشکی سنتی در مرزن آباد

لاغری اسب: داشتن دندان اضافی در فک پائین اسب اشتهای حیوان را از بین برده او را لاغر می‌کند برای درمان لاغری در مرزن آباد دندان اضافی را می‌کشند.

دل درد اسب: در بعضی از روستاهای مرزن آباد ادرار خود اسب را به خوردش می‌دهند. اسهال گاو: در روستاهای مرزن آباد از پشت هر دوگوش گاو خون می‌گیرند و گوش‌ها و نیز وسط پیشانی حیوان را به صورت عمودی داغ می‌کنند. سپس ۷ الی ۸ عدد تخم مرغ با پوست، به همراه روغن و یا شیر گاو به آن می‌خورانند.

درمان لاغری گاو: دانه «خلفه» را می‌پزند و به گاو می‌خورانند.

سقط: گوسفندی که زیاد سقط می‌کند، به آن مخلوط عسل، نمک و نفت سیاه می‌خورانند.

۶,۷) سایر باورها

- مردم این منطقه معتقدند اگرچند لیوان کنار هم در یک خط مستقیم قرار گیرد حتما میهمان به منزل آنان می‌آید.
- برای خوش شانس و برکت در بالای درب منازل نعل اسب می‌گذاشتند.
- در روستای پردن‌گون عبور از روی پوست سیر و پیاز را موجب غم و اندوه می‌دانند.
- جارو کردن هنگام شب را ناپسند می‌دانند.
- در روستای طویر برای کاشت گندم حتما ساعت می‌دیدند و معتقد به وجود زمان خیر و شر و خوب و بد برای کاشت گندم بودند.
- بسیاری از مردم مرزن آباد معتقد بودند اجنه دو گروه کافر و مسلمان هستند و هنگام شنیدن اذان برای دفع اجنه کافر صلوات می‌فرستادند.
- در الیت و دلیر تیغه قیچی نباید باز باشد زیرا موجب دعوا می‌شود.
- برخی از مردم الیت و دلیر بر این باورند اگر در هنگام نان خوردن کمی از آن از دهان بیرون افتد و یا - اگر چای خشک به بالای استکان و یا فنجان بیاید و همچنین اگر یک تار موی فردی جدا افتد حتما برای او میهمان می‌آید.
- ناخن گرفتن در شب بدیمن است و موجب بدی و شومی است.
- اگر کسی ته دیگ دوست داشته باشد و زیاد استفاده کند در روز عروسی او باران خواهد آمد.
- مردم میجکار و طویر اعتقاد دارند اگر بر روی گربه آب بریزیم بر روی دست زگیل در می‌آید.

مصاحبه شوندگان

خانم‌ها و آقایان

- جعفر ردایی شهردار مرزن آباد
- رحمت الله ردایی الاملی ساکن شهر مرزن آباد
- سید حسین کاشی زاده دبیر بازنشسته اهل روستای گوهرکلا
- علی سام دلیری کاسب ساکن شهر مرزن آباد
- امیر سام دلیری کاسب ساکن شهر مرزن آباد
- سروش صیادی نژاد کارمند شهرداری مرزن آباد

- فیروز صیادی نژاد ساکن شهر مرزن آباد
- محمدرضا سام دلیری ساکن شهر مرزن آباد
- جواد کریمی ساکن شهر مرزن آباد
- محمد ردایی ساکن شهر مرزن آباد
- احدالله ردایی دبیر باز نشسته
- خدیجه سام دلیری عضو شورای اسلامی شهر مرزن آباد
- محرم علی آقا براری ساکن شهر مرزن آباد
- علی اصغر کیا پاشا ساکن شهر مرزن آباد
- نورالدین ردایی ساکن روستای پردن گون
- عزیز الله ردایی فرهنگی بازنشسته ساکن روستای پردن گون
- سراره ردایی ساکن روستای پردن گون
- صادق ردایی ساکن روستای پردن گون
- ام البنین ردایی ساکن روستای پردن گون
- بالا ردایی ساکن روستای پردن گون
- کامران پولادی بخشدار مرزن آباد
- زبینه دلفانیان ساکن شهر مرزن آباد
- مجید درخشان فرمانده حوزه مقاومت امام حسن مجتبی مرزن آباد
- گل دسته رسولی ساکن شهر مرزن آباد
- طیبه توپا اسفندیاری ساکن شهر مرزن آباد
- محمد علی طویر سیاری از روستای طویر
- صدری صیادی نژاد معروف به آقا ننه اهل روستای طویر
- کلثوم طویر سیاری ساکن روستای طویر
- سیما طویر سیاری ساکن روستای طویر
- عزیزه طویر سیاری ساکن روستای طویر
- حاج محمود علیخانی امام جمعه شهر مرزن آباد
- مومن توپا ابراهیمی پژوهش گر و نویسنده
- حاج رحمت کیا پاشایی ساکن روستای برار ۹۵ ساله
- قدم علی کیا پاشایی ساکن روستای برار

- سکینه کیا پاشا ساکن روستای برار ۸۰ ساله
- گلی کیا پاشا ساکن روستای برار ۶۰ ساله
- سلیمه کیا پاشا ساکن روستای برار ۵۵ ساله
- سید صالحه مطهری ساکن روستای برار ۶۹ ساله
- غزاله رحیم حسینی ساکن روستای برار ۵۲ ساله
- معصومه رحیم حسینی ساکن روستای برار ۶۲ ساله
- مهدی پور اسلامی ساکن روستای برار
- امین اقا بابایی پور ساکن روستای برار
- گل بانو گل محمدی ۵۷ ساله
- زینب رحیمی ۴۷ ساله
- ماه نسا ابراهیمی ۵۴ ساله
- سکینه ابراهیمی ۵۰ ساله
- خدایار سلطانی روستای بان در ۴۲ ساله
- مجید ابراهیمی ساکن شهر مرزن آباد
- عطا الله توپا ابراهیمی ساکن شهر مرزن آباد
- علی احمد توپا اسفندیاری ساکن روستای الیت تعزیه خوان ۸۹ ساله
- حاج ابوذر پوستین دوز ساکن روستای میجکار- بقال ۹۳ ساله
- غلامعلی ردایی ساکن شهر مرزن آباد
- مشهدی عیسی کیا دلیری ساکن روستای دلیر- مرثیه خوان ۹۰ ساله
- رمضان کیا دلیری ساکن روستای دلیر ۵۰ ساله

تبرستان
www.tabarestan.info

منابع:

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵) تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیلات دولت تیموری، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- اقبال، مهدی (۱۳۸۹) تاریخ چالوس، انتشارات شاملو، چاپ اول.
- آملی، اولیاء... (۱۳۱۳) تاریخ رویال، تهران: بنگاه اقبال.
- پارسا، محمد (۱۳۸۳) زمینه روان‌شناسی نوین، تهران: بعثت، چاپ بیستم.
- توپا ابراهیمی، مومن (۱۳۹۴) گاه‌شمار تبری کلارستاقی. چالوس: ناشرکلام مسعود.
- توسلی، غلام عباس (۱۳۸۵) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸) قصه و قصه‌گویی در تاریخ اسلام و ایران، تهران: انتشارات دلیل.
- حیدریان، م (۱۳۷۲) معما، مشهد: انتشارات نوید.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۶۸) علویان طبرستان - با تقریظ، زرین کوب، عبدالحسین تهران: انتشارات الهام.
- داود آبادی، وجیهه (۱۳۸۳) اعتقاد به جن، از خرافه تا واقعیت، فصلنامه فرهنگ و مردم، شماره ۳ و ۴.
- دیپلنول (۱۳۸۵) جغرافیای انسانی شمال ایران، ترجمه سیروس سهامی، ج اول، انتشارات دانشگاه نوشهر.
- رنجبر، محمود، هدایت اله ستوده (۱۳۸۰) مردم‌شناسی: با تکیه بر فرهنگ مردم، تهران: دانش آفرین، چاپ اول.
- رابینو، ه. ل (۱۳۴۳) سفرنامه مازندران و استرآباد، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- روح الامینی، محمود (۱۳۶۸) مبانی انسان‌شناسی "گرد شهر با چراغ" تهران: انتشارات عطار.

- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶) آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: انتشارات آگه، چاپ اول
- روشبلانو، آن ماری و بورفیون، ادیل (۱۳۷۱) روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه سیدمحمد دادگران، تهران: مروارید، چاپ دوم.
- رضی، هاشم (۱۳۸۴) جشن سوری چهارشنبه سوری در گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان «بخش ششم» تهران: بهجت، چاپ سوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۰) نظریه‌های معاصر در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
- ستایش‌گر، مهدی (۱۳۸۱) واژه‌نامه موسیقی ایران زمین، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- شربتیان، یعقوب (۱۳۸۴) مردم‌شناسی اعتقادات دینی؛ تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ اول.
- شربتیان، یعقوب (۱۳۸۵) مردم‌شناسی ایلات و عشایر ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا، چاپ اول
- شریعت‌زاده، سیدعلی اصغر (۱۳۷۹) پوشاک محلی ایران، تهران: مجموعه مقالات مردم‌شناسی، موسسه فرهنگی پازینه، چاپ اول.
- شمسیا، سیروس (۱۳۸۳) نگاهی نو به چیستان / طنز، تهران: انتشارات میترا.
- شعرافیان، حمیدرضا (۱۳۸۳) باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی، مشهد: انتشارات محقق، چاپ اول.
- شهیدی، عنایت‌الله و علی بلوکباشی (۱۳۸۰) پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد نهم، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- عنایت‌الله، رضا (۱۳۶۵) ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳) فرهنگ یاریگری در ایران؛ در آمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- فرید، محمد صادق (۱۳۸۶) سوگواری‌های مذهبی در ایران، تهران: الهدی، چاپ اول.
- فرید، محمد صادق (۱۳۷۲) مبانی انسان‌شناسی، تهران: نشر منصوری، چاپ اول.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) انسان‌شناسی خوراک، مجموعه مقالات، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- قیصری، بیژن (۱۳۸۵) تاریخ نوشهر و کجور، چالوس: کلام، چاپ اول.
- گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، جمعی از مترجمان، تهران: نشر مازیار.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۳) مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- میرسید ظهیرالدین، مرعشی (۱۳۴۵) تاریخ طب‌رستان و رویان و مازندران، تهران: موسسه مطبوعاتی شرق.
- ملک راه، علیرضا (۱۳۸۵) آیین‌های شفا بخش، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول.
- ملک پور، علی (۱۳۷۸) کلاردشت (جغرافیا، تاریخ و فرهنگ) تهران: انتشارات کارآفرینان، چاپ دوم.
- موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی (۱۳۹۲) کتاب چهره ایران، راهنمای گردش‌گری استانهای ایران.
- همایونی، صادق و محمود صباحی (۱۳۸۲) دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- یوسفی نیا، علی اصغر (۱۳۷۱) تاریخ تنکابن، تهران: نشر قطره، چاپ دوم.
- یآوری، حسین و مریم مسیحا (۱۳۸۸) فرهنگ عامه، تهران: انتشارات آذر، چاپ اول.
- یآوری، حسین و بهاره عابدینی (۱۳۸۸) فرهنگ عامه ۲، تهران: انتشارات آذر، چاپ اول.

منابع انگلیسی:

- American Heritage Dictionary (2009) the USA: Houghton Mifflin Company, Fourth edition.
- Ember, carols (1985) *Cultural Anthropology, river, New Jersey: prentice hall, ninth edition* .
- Georges, Robert A., Michael Owens Jones (1995) «Folkloristic: An Introduction,» Indiana University press.
- Kroeber, A. L. and C. Kluckhohn(1992)Culture:ACritical Review of Concepts and Definition-Black Well Publishing.
- Lenkeit, Roberta Edward (2006) *Introducing cultural anthropology,the mcgraw-Hill companies, third Edition.*
- Marshall, Gordon (1994) *the Concise Oxford Dictionary of Sociology.*
- Watson, James and Caldwell, Melisa (2005) *cultural politics of food and eating. Black well publishing.*

Sites:

- www.esboonews.mihanblog.com
- www.aftabir.com
- <http://gardeshgariiran.ir>
- http://www.cloob.com/name/assesment_ir
- <http://ostan-mz.ir>
- <http://www.asemoon.com>
- www.hawzah.net/fa/magazine/view/3881/.../43692
- <http://www.parpirar.org/articlesmainmenu>
- <http://www.ensani.ir/fa/content/260500/default.aspx>
- <http://www.shomalnews.com/view/503> -
- http://www.amar.org.ir/Portals/2/pdf/jamiat_shahrestan_keshvar3.pdf.
- www.persian - language.or.
- . [Caspian Sea Caspian Environment Website](#)-
- Marzannews.ir/marzanabad .
- <https://fa.wikipedia.org/wiki>.

تصاویر

پیوست

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info



آقای جعفر ردایی شهردار مرزن آباد



آقای کامران پولادی بخشدار مرزن آباد



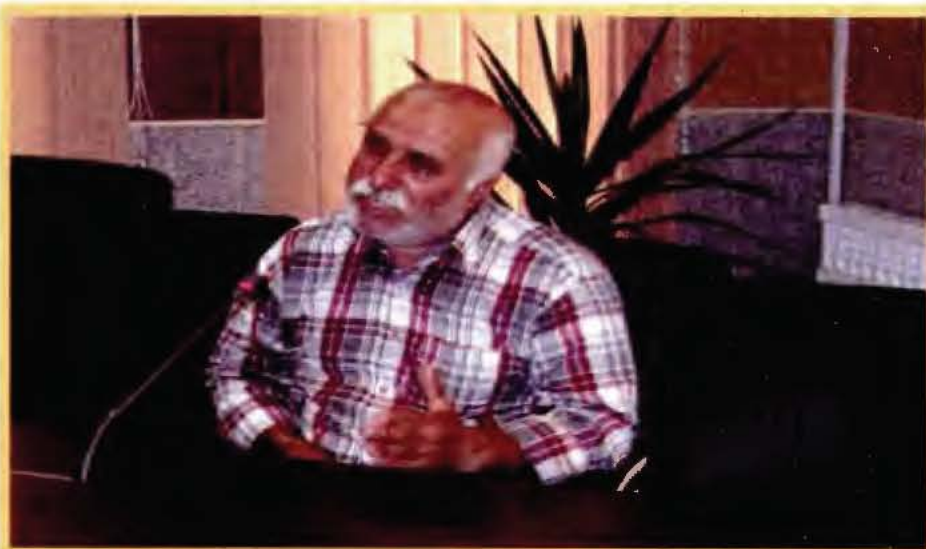
شهردار، مطلعین محلی و پژوهش گران (سر در ورودی شهرداری مرزن آباد)



حاج آقا محمود علیخانی امام جمعه مرزن آباد



حفاری‌های غیر مجاز در منطقه قلعه گردن



مصاحبه با آقای فیروز صیادنژاد از فرهیختگان و آگاهان محلی مرزن آباد



نمونه‌ای از سفال‌های جمع اوری شده در منطقه مرزن آباد



نمایی از روستای پردن گون



روستای البت امام زادگان احمد رضا و زینب رضا



بخاری قدیمی (روستای دلیر)



صندوقچه قدیمی (روستای طویر)



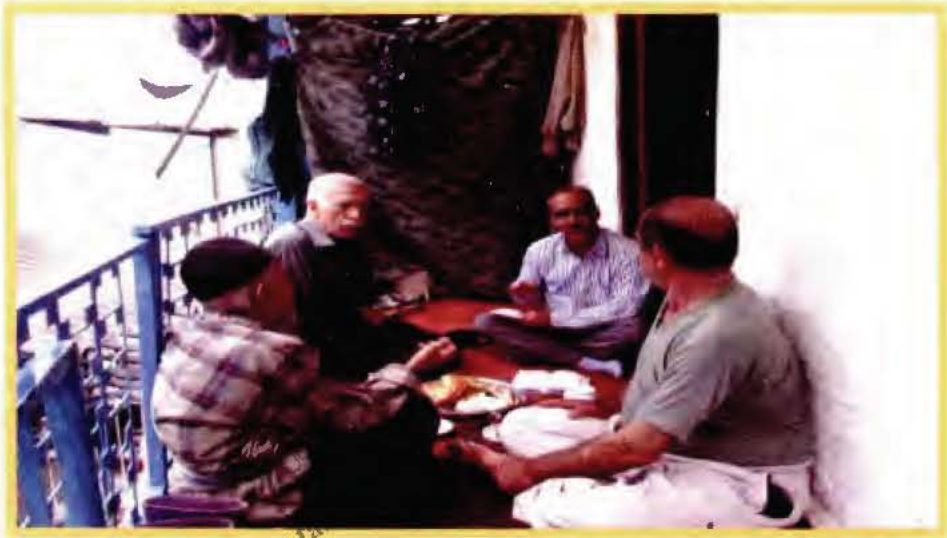
وسایل قدیم خوراک پزی (روستای طویر)



دریاچه ولشت



مرزن آباد شهر اکیژون



www.ta

مصاحبه با اگاهان محلی (روستای برار)



روستای ولشت

تبرستان

www.tabarestan.info

استان مازندران با تاریخ تمدن دیرینه، یکی از مناطقی است که از نظر فرهنگ و ادبیات عامه بسیار غنی است و می تواند به عنوان پایگاه مردم شناسی و تحقیقات فولکلوریک مورد توجه قرار گیرد و قبل از آنکه در جریان مدرنیته و گذشت زمان این میراث کم نظیر فرهنگی به دست فراموشی سپرده شود ثبت و نگهداری گردد.

شهر مرزن آباد به عنوان یکی از شهرهای استان مازندران با داشتن عناصر فرهنگی متعدد و متنوع که حتی از روستاهای دیگر متفاوت است از منظر مطالعات مردم شناسی بسیار حائز اهمیت است.



ISBN: 978-964-8023-81-7



9 789648 023817

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان